

مدیریت کلاس اولین سطح مدیریت آموزشی است. و پایه ی سطوح بالاتر یعنی مدیریت مدرسه، مدیریت ناحیه و مدیریت کل نظام آموزش و پرورش محسوب می شود و در شکل دادن به ساختار آموزش و فرآیند تدریس و ساخت شخصیت و روند ذهنی، عاطفی، آموزشی و تربیتی دانش آموزان نقش اساسی دارد.

اداره کلاس درس همواره پیش نیاز یک محیط یادگیری اثربخش برای دستیابی به اهداف آموزشی است. طراحی و سازمان دهی کلاس درس، اداره کلاس درس را آسان تر می کند. این فعالیت باید به گونه ای طراحی شود که از طریق آن فرصت های یادگیری بیشتری فراهم شود و مهارت های اجتماعی و مشارکتی دانش آموزان رشد و ارتقا یابد.

اهداف مدیریت کلاس:

۱. پیشرفت تحصیلی بیشتر دانش آموزان
۲. رشد اجتماعی هیجانی دانش آموزان
۳. تعادل و رشد ویژگی های شخصیتی
۴. صرف زمان بیشتر برای فعالیت های آموزشی و یادگیری

اداره کلاس درس همواره پیش نیاز یک محیط یادگیری اثربخش برای دستیابی به اهداف آموزشی است. طراحی و سازمان دهی کلاس درس، اداره کلاس درس را آسان تر می کند. این فعالیت باید به گونه ای طراحی شود که از طریق آن فرصت های یادگیری بیشتری فراهم شود و مهارت های اجتماعی مشارکتی دانش آموزان رشد ارتقا یابد.

عوامل مؤثر بر مدیریت کلاس را در ۳ قسمت به شرح زیر طبقه بندی می نماییم.

۱. ویژگی های شخصیت معلم ،

۲. روش های تدریس معلم ،

۳. استفاده از فنون تدریس ؛

۱. ویژگی های شخصیتی معلم

بدون شک شخصیت و یا ویژگی های شخصیتی معلم، یکی از عوامل بسیار مهم در نظم دهی کلاس است. معلمی که ظاهر آن آراسته است، مثبت نگر و خوش اخلاق است به گ توانایی های ذهنی، جسمی، عاطفی و تفاوت های فردی شاگردان آگاهی دارد، شرایط فیزیکی کلاس را از قبل آماده می سازد، مهارت ارزشیابی و پرسش کردن را می داند، دانش آموزان را دوست دارد و به کارش علاقه نشان می دهد، باایمان، راست گو، صادق و خوش خوش بیان است متعهد در کارش مسلط است و با معلمی که این ویژگی ها را ندارد، مسلماً بسیار متفاوت است بنابراین معلمین باید این صفت را در خود آشکار نمایند و در تمهیدات اشتغال به حرفه مقدس معلمی، این ویژگی ها را در خود تبلور سازند.

۲. روش های تدریس معلم:

بسیارند دانشجو معلمینی که در کلاس های دانشگاه ها یا مراکز تربیت معلم، دائم این جمله را بیان می دارند که (این روش تدریس را نمی توان در کلاس ها به کار برد) دلیل گفتن این جمله اعتراضی این است که دانشجویان معلمی، هنوز آگاهی ندارد که هر روش تدریس کارایی خاص خود دارد و از یک روش تدریس نمی توان برای آموزش همه دروس یا در همه کلاس ها استفاده نمود. همچنین بعضی اذعان می دارند که اجرای بعضی از روش های تدریس، باعث شلوغی و بی نظمی کلاس می شود.

در توضیح این مطالب شایان ذکر است که یک معلم باید با توجه به شرایط کلاسی _ امکانات و تجهیزات _ توانایی های خود و شاگردان به محتوای کتب درسی یک روش مناسب انتخاب نماید و در صورتی که روش تدریس معلم مناسب نباشد باعث سردرگمی شاگردان، شلوغی کلاس و اتلاف وقت خواهد شد.

بنابراین لازم است که یک معلم نسبت به الگوها، روش ها و راهبردهای فنون تدریس، آگاهی لازم را داشته باشد تا بموقع و در جای مناسب از هر کدام از روش ها و فنون، با موقعیت بهره مند شود.

C. فنون تدریس

تدریس به مجموعه اعمالی که معلم برای جلب توجه شاگردان به تدریس اثربخش و کارآمدتر اجرا می نمایند، گفته می شود. آشنایی و آگاهی نسبت به فنون تدریس و اعمال آن ها در

کلاس درس توسط معلم، باعث می‌شود، وی بدون استفاده از خشونت و تنبیه بدنی، کلاس را مدیریت نموده و نظم حاکم سازد.

برخی از فنون تدریس در ارتباط با مدیریت کلاس

a. تدبیر منفی

تدبیر منفی یکی از تکنیک‌های خانواده درمانی است و معلم به منظور ساکت کردن کلاس و یا جلب توجه دانش‌آموزان از آن استفاده می‌نماید بدین صورت که وقتی کلاس شلوغ می‌شود معلم طنین شادی صدای خود را کم کرده و بغض صدایش را افزایش می‌دهد و با این روش به کلاس نظم می‌بخشد.

b. کم و زیاد کردن تن

صدا به منظور جلب توجه شاگردان و اداره کردن آن‌ها به گوش دادن، معلم باید با صدای یکنواخت صحبت نکند، نوسانات صدای خود را کم و زیاد نماید تا دانش‌آموزان شنونده فعالی شوند.

c. حرکتهای معلم

بین حرکتهای معلم و توجه شاگردان رابطه مستقیم وجود دارد، (شعبانی، ۱۳۸۲) هر چه حرکات هدفمند معلم و حرکت کردن به آخر کلاس و برگشتن و حرکات پایین کلاس معلم بیشتر باشد، معلم بر کلاس مسلط تر خود خواهد شد و شاگردان بیشتر به او توجه خواهند کرد و در نتیجه یادگیری بهتر صورت می‌گیرد.

d. تأکید روی بعضی از مفاهیم و کلمات

(نگاه کنید، دقت کنید)، این کلمات خیلی مهم هستند و تکرار بعضی افعال و کلمات از جمله نکاتی است که به خاطر تأکید معلم، توجه شاگردان را جلب می‌نماید.

e. اشارات معلم

بعضی از ایماها و اشارات معلم، باعث دقت بیشتر شاگردان می‌شود، حرکات دست، چشم، ابرو، دهان، انگشتان و سر، مشتمل بر این حرکات است.

f. مکث‌های بموقع و هدفمند

برخی معلمان در حین توضیح دادن و یا سخنرانی با مکث‌های بموقع حواس شاگردان را به مفاهیم جلب می‌نمایند، و سروصدای دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. و کلاس را اداره می‌نمایند.

g. تشویق و تمجید دانش‌آموزان

یکی از فنونی که به عنوان ابزاری مؤثر در اختیار معلمان می باشد، تشویق و تمجید است.، البته تمجید عملکرد شاگردان، باارزش تر از تشویق آنان است، زیرا تشویق شاگردان باعث به وجود آمدن آموزش و پرورش سودگرایانه می گردد. همچنین معلم می تواند با توجه به سن دانش آموزان از تقویت پته ای نیز بهره ببرد. و یا از کارت های تلاش، امتیاز و کارت جایزه بدین منظور استفاده نماید. استفاده فاصله ای و نسبی متناوب از این ابزار، اثربخشی آن را ارتقا می بخشد.

h. نگاه های معنی دار

گاهی نگاه های معنی دار معلم به دانش آموزی که به درس توجه ندارد و یا سروصدا می کند، باعث کاهش رفتارهای نابجای او می گردد همچنین با عصبانیت نگاه کردن به دانش آموزانی که برای کلاس مزاحمت ایجاد کرده اند، باعث می شود دانش آموز وادار شود به درس های معلم گوش دهد

i. ضربه زدن به میز و صندلی

گاهی معلم با ضربه زدن به میز یا تابلوی کلاس، توجه شاگردان به مطالب و مفاهیمی که ارائه می شود را جلب می کند.

j. تدوین قانون و مقررات کلاس

تدوین قوانین کلاسی و تشریح آن برای دانش آموزان و آگاهی دادن به آنها باعث ایجاد نگرش می گردد و در نهایت موجب عملکرد مثبت فردی و گروهی می شود. لذا معلمان باید در تدوین مقررات کلاس بخصوص در روزهای اول دقت کافی داشته باشند.

راهکارهای پیشگیری از رفتارهای نامطلوب دانش آموزان در کلاس معلم اثربخش و مطلوب کسی است:

۱. رفتارها و فعالیت های برهم زننده نظم را مشخص و آن را به صورت قوانین در کلاس مطرح کند مثلاً: کثیف کردن دیوارها قدغن است. (اجرای این قوانین بستگی به مهارت خود معلم دارد)

۲. در بعضی مواقع با عوامل بی نظمی کلاس باید به طور انفرادی ارتباط برقرار کرده و از دلایل آن مطلع شوید.

۳. منتظر برخی رفتارهای غیر قابل پیش بینی باشید و میزان توانایی برخورد خود را با آنها بسنجید.

۴. دانش آموزان باید رفتارهای مطلوب معلم را بدانند مثلاً: دوست دارم برای صحبت، اول دست خود را بلند کنید.

۵. به رفتارهای نامطلوب، واکنش جدی نشان دهید زیرا بی توجهی به این امر موجب ناکارآمد جلوه کردن شما در نظر آن‌ها می‌شود.



جلسه دوم

ویدیو شماره ۲

عوامل موثر بر مدیریت کلاس

به طور کلی عوامل موثر بر مدیریت کلاس درس به سه دسته تقسیم بندی می‌شود، عوامل دیگری نیز هست اما بیشترین واریانسی که از مدیریت کلاس بر اساس تحمیات تبیین می‌شود به این سه عامل بستگی دارد و این سه عامل خیلی مهم است و اگر معلم بتواند بر این سه عامل غلبه کند و تسلط پیدا کند موفق خواهد بود:

۱. ویژگی‌های شخصیتی معلم: یعنی اینکه از نظر شخصیتی معلم چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد.

۲. فنون مدیریتی یعنی معلم از لحاظ مدیریت کردن کلاس درس یک سری ویژگی‌ها و فن‌ها باید تسلط داشته باشد.

۳. روش‌های یاددهی یادگیری (روش و فنون تدریس - .)

ویژگی‌های شخصیتی معلم:

۱. آراستگی ظاهر:

یک معلم یک سری ویژگی‌ها باید در خود تقویت کند و برای آن وقت بگذارد، از جمله آراستگی ظاهر. معلم یک الگو و اسوه است، نقش الگویی معلم از تمام نقش‌هایی که در جامعه به عنوان الگو، ایفای نقش می‌کنند مهم‌تر است.

هیچ کس به اندازه معلم نمی‌تواند دانش آموز اثرگذار باشد، حتی پدر و مادر. چون روابط خانوادگی یک جاهایی به عادت تبدیل می‌شود، اما رابطه معلم و دانش آموز یک رابطه رسمی و چارچوب دار است، پس آراستگی ظاهر معلم تاثیر بسیاری بر آراستگی دانش آموزان دارد و معلم را باید به عنوان یک اسوه و الگو بشناسند.

آراستگی ظاهر به معنای پوشیدن لباس های گران قیمت نیست، به معنای آن است که هر آنچه که معلم دارد و استفاده می کند، آراسته و منظم و تمیز باشد.

۲. مثبت نگری و خوش اخلاقی:

معلم نباید کانون ناامیدی باشد، خیلی از مسائل اجتماعی وجود دارد که جای این ها و طرح این ها و القای ناامیدی در کلاس درس پذیرفته شده نیست. اگر معلمی این ها را عنوان کرد، منتظر باشد که در کلاس درس اتفاقات بدی خواهد افتاد. دانش آموز باید به آینده امیدوار باشد و خودش را برای آینده آماده کند. **القای تفکرات منفی** باعث می شود که کلاس درس نظمش به هم بخورد و دانش آموزان به جای تمرکز بر مسائل تحصیلی و تربیتی، روی این مسائل تمرکز کنند که هیچ کنترلی هم روی آن نخواهند داشت.

۳. آگاهی به توانایی های ذهنی، جسمی، عاطفی و تفاوت های فردی دانش آموزان:

باید توجه داشت که یک فرد به عنوان معلم در یک کلاس بیست نفری، با بیست جهان مختلف روبروست، هرکدام از دانش آموزان از یک بافت خاص آمده اند، مخصوصا دانش آموزان دوره ابتدایی که دوره حساسی است.

خیلی از توانمندی هایی که معلم انتظار دارد دانش آموز بر آن تسلط داشته باشد، مثل دانش آموز خلاق، که هشتاد و پنج درصد از خلاقیت در دوره ابتدایی ایجاد می شود. چه زمانی می توان خلاقیت ایجاد کرد؟ زمانی که به تفاوت های فردی دانش آموزان آگاهی داشته باشیم. برای مواجهه با هر دانش آموز شیوه خاصی وجود دارد. مثلا یک دانش آموز هست که نباید دچار استرس شود و اگر به او استرس وارد کنید او قفل می کند. یک دانش آموز هست که با تشویق وارد فضای کلاس و تربیت می شود. پس آگاهی به توانایی های ذهنی، جسمی، عاطفی و تفاوت های فردی دانش آموزان بسیار مهم است و با مطالعه کتاب های روانشناسی و تربیتی به این آگاهی ها می توانید تسلط پیدا کنید.

۴. دوست داشتن دانش آموزان:

دانش آموز باید احساس کند که معلم او را دوست دارد، اگه یک روز دانش آموز غیبت کرد و معلم با او تماس گرفت و جویای حال او شود باعث می شود دانش آموز متحول شود و مهر و محبت معلم را دریافت می کند.

۵. ایمان:

معلم فرد با ایمانی باشد و خدا را مدنظر قرار دهد.

۶. صداقت:

یکی از مشکلات نظام های آموزشی این است که ما فکر می کنیم همه چیز را باید آموزش مستقیم داد و

مثلا بگوییم تعهد یعنی این، صداقت یعنی این . خیلی از این ها بر اساس تئوری بندورا، بر اساس یادگیری جانشینی اتفاق می افتد، مثلا دانش آموز می بیند که معلم انسان صادقی است، پدرش نیز صادق است و همچنین مادر و برادرش ، پس در این فضا صداقت را یاد می گیرد و نیاز نیست به او گفت صداقت عبارت است از... ایمان عبارت است از... دانش آموز این ها را از روی رفتارهای الگویی یاد می گیرد.

۷. یکپارچگی:

یکپارچگی یعنی عامل بودن به عمل، یعنی عمل و نظر و حرف معلم یکی باشد. اگر معلم به دانش آموز بگوید نظم را رعایت کن، اما بیرون که می رود مثلا بجای دور زدن دور میدان، خلاف دور می زند.

مثلا معلم می گوید نماز بخوانید ولی خودش نماز نمی خواند. این یکی از بدترین اثرات را بر دانش آموز می گذارد و مدیریت کلاس را با مشکل مواجه می کند.

۸. خوش بیان:

معلم باید خوش بیان باشد و از الفاظ و واژگان درست استفاده کند.

۹. خوش خطی:

معلم باید مظهر زیبایی باشد، این زیبایی در کلام، بیان، نوشتار ، نظم و آراستگی و همه فعایت های معلم مشهود باشد و دانش آموز آن را حس کند.

پس این ویژگی های شخصیتی بسیار مهم است و این جز عادات یک فرد است و این عادت کردن هاست که باعث می شود فرد این گونه شخصیتی پیدا کند .معلم باید سعی کند که همیشه سر وقت در کلاس حاضر شود. وقت شناسی، نظم، انضباط، این ها از طریق یادگیری جانشینی اتفاق می افتد.

فنون مدیریتی:

۱. مهارت های ارزشیابی معلم: آیا هنوز مثل دهه ۴۴ و ۵۴ و ۶۴ ، ارزشیابی فقط گرفتن امتحان و تصحیح آن است یا با روش ها و متدهای مختلف توسعه پیدا کرده است؟
۲. مهارت های پرسش کردن: چه سوالاتی را کجا پرسیم؟ چگونه سوالات را پرسیم؟ اینها مهارت مدیریتی است.

۳. **چینش کلاس درس:** آیا چینش کلاس درس خطی هست یا متدهای مختلفی را برایش در نظر گرفتیم؟

۴. **استفاده از ظرفیت های خود دانش آموزان:** عطار می گوید: "اندرضمیر جان ها، گنجی نهان، نهان است" همه این بچه ها دارای ظرفیت های وجودی فوق العاده اند. اگر معلم این ها را بشناسد، می تواند از آن ها برای مدیریت کلاس درس استفاده کند.

۵. **مسئولیت سپاری به دانش آموزان:** مدیریت یعنی انجام دادن کارها توسط دیگران، یک معلم به مثابه مدیر به دانش آموزان مسئولیت می سپارد، مسئولیت تنظیم صندلی ها، مسئولیت انجام ارزشیابی ها و... اگر معلم بتواند از این واژه مسئولیت سپاری به نحو احسن استفاده کند، افراد مسئولی را می توان انتخاب کرد و برای جامعه تربیت کرد.

۶. **ارزشیابی فرآیندی و برآیندی:** بر اساس دیدگاه های جدید متخصصان ارزشیابی، ارزشیابی فقط این نیست که ارزشیابی پایانی بر اساس ۲۴ تا سوال صورت بگیرد، معلم بر اساس فنون ارزشیابی فرآیندی یا ارزشیابی مستمر و یا **ارزشیابی فرآیندی**، می تواند یک کارنامه و فیلمی را از زندگی دانش آموز را ترسیم کند. براساس ارزشیابی فرآیندی و برآیندی که می توان فهمید نقاط قوت و ضعف دانش آموز چیست.

۷. **ارزشیابی به مثابه یادگیری:** یعنی از ارزشیابی برای یادگیری استفاده کنیم نه برای اهرم فشار به دانش آموز. یکی از رویکردهایی که در نظام آموزش ابتدایی می توانست متحول کند این نظام را، **ارزشیابی توصیفی** است، اما بعلت عدم تجهیز معلمان به ابزارهای ارزشیابی توصیفی، متاسفانه نتوانست به اهداف خودش دست پیدا کند. ارزشیابی توصیفی می توانست نظام آموزشی را متحول کند با دیدگاه ارزشیابی به مثابه یادگیری ورود پیدا کرد. اما از هدف خودش منحرف شد چون افراد را آماده نکردند. هنوز هم بعد از چندین سال افراد آماده برای این موضوع نشدند. بعد از ۸۳ سال نظام ارزشیابی ما متحول شد، ولی فقط شکلی، و از نظر محتوایی نتوانستیم خیلی از کارها را پیش ببریم.

۸. **نحوه مواجهه با عوامل مخل نظم و انضباط کلاسی:** ما انواع و اقسام نحوه مواجهه را داریم، یک معلم به مجموعه ای از فنون اشراف دارد و می تواند آن ها را در فرآیند کلاسی به کار بگیرد، از طریق قراردادهای فردی، قراردادهای گروهی، تقویت رفتارهای ناهمساز و فنون دیگر.

۹. تسلط بر روش های کاهش و اصلاح و تقویت رفتار: یک سری رفتارها باید کاهش پیدا کند، یک سری رفتارها خوب است اما باید اصلاحاتی روی آن انجام شود و یک سری رفتارها خوب است و باید تقویت کرد.

روش های یاددهی یادگیری:

روش های یاددهی یادگیری در دهه اخیر تغییرات فراوانی داشته و از روش های سنتی و معلم-محور به سمت روش های شاگرد محور حرکت کرده است.

۱. شناخت خانواده ها و الگوهای تدریس:

معلم باید به الگوها و خانواده های تدریس اشراف داشته باشد، از لحاظ دانشی این ها را بشناسد، تقسیم بندی هایش را بداند (روش هایی مثل یاران در یادگیری، روش کاوشگری به شیوه محاکم قضایی و...) .مثلا در روش کاوشگری به شیوه محاکم قضایی، معلم می تواند رشد اخلاقی دانش آموزان را افزایش دهد. از مرحله پیش قراردادی حرکت کند به سمت مرحله پس قراردادی. واژه عدالت را با روش کاوشگری به شیوه محاکم قضایی می تواند یاد دهد و کلاس را خیلی خوب اداره کند.

• نکته: استفاده از روش های سنتی تدریس کار مدیریت کلاس درس را دشوار می کند. و حرکت به سمت شیوه های جدید بهتر است چون دانش آموز را درگیر می کند.

۲. مهارت کاربرد الگوها و روش های مختلف تدریس در کلاس درس:

یعنی معلم شناخت دارد حالا باید روی آن ها تسلط داشته باشد که آن را اجرا کند. مهارت به کارگیری آن مهم است. مثلا چگونه روش کاوشگری به شیوه محاکم قضایی را اجرا کند؟ چه مراحلی دارد؟ کجا اجرا کند؟ چگونه؟ و با چه دانش آموزانی؟

۳. تاکید بر ویژه سازی الگوها و فنون تدریس در موقعیت ها و زمان های خاص:

تدریس یک فرآیند مولعیتی است یعنی شما ممکن است معلم چند کلاس هم باشید، ولی نوع و شیوه تدریس در این کلاس با کلاس دیگر متفاوت است. بافت این کلاس با کلاس دیگر متفاوت است. بافت این مدرسه با مدرسه دیگر متفاوت است. معلمی موفق است که شیوه های تدریس را برای یک موقعیت خاص ویژه سازی کند. این گونه نیست که یک معلم مثلا الگوی ساخت گرابی را دقیقا براساس آن پیاده سازی کند. بلکه او آزاد است که آنرا بالا و پایین کند و چیزی به آن اضافه کند یا کم کند، این اختیار و انعطاف برای معلم وجود دارد و باید از آن استفاده کن. چون بافت ها متفاوت است شرایط متفاوت است، دانش آموزان متفاوتند، امکانات متفاوت است.

۴. توسعه روش ها و فنون تدریس:

توسعه روش ها و فنون تدریس از چه طریق اتفاق می افتد؟ از طریق توان پژوهشگری در فنون یاددهی یادگیری. از طریق **دست پژوهی و اقدام پژوهی** معلم می تواند روش های جدیدی را ابداع کند. به تعداد معلمان دنیا می توان روش های تدریس متعدد و متفاوتی را داشته باشیم و کلاس یک موقعیت خاص و ویژه است، کلاس ها با هم متفاوتند، و معلمی موفق است که بتواند فنون و روش تدریس را ویژه سازی کند.

برخی از فنون مدیریت کلاس: (انتهای جلسه یک نیز آمده است)

۱. تدبیر منفی:

یکی از فنونی که معلم در کلاس با آن مواجه است به اسم تدبیر منفی است. تدبیر منفی یکی از روش های خانواده درمانی است، و معلم به منظور ساکت کردن کلاس و با جلب توجه دانش آموزان از آن استفاده می کند. بدین صورت که وقتی کلاس شلوغ می شود، معلم نیاز است که بتواند مانند یک بازیگر سینما صدای خود را شاد و یا غمگین و با بغض نشان دهد. که این نشان می دهد که معلم بر موضوع مهمی تاکید می کند و عوامل حواس پرتی دانش آموزان را می تواند کم کند و به کلاس نظم ببخشد.

۲. کم و زیاد کردن تن صدا:

به منظور جلب توجه دانش آموزان و وادار کردن آن ها به گوش دادن، معلم باید به صدای یکنواخت صحبت نکند. نوسانات صدای خود را کم و زیاد کند تا دانش آموزان را در حالت فعال نگه دارد. چون صدای یکنواخت کلاس را خسته کننده می کند.

تحقیقاتی در چین اتفاق افتاده، که چگونه می توان نیم کره های چپ و راست مغز را باهم فعال کرد؟

فعال کردن این نیمکره های مغز مستلزم این است که مثلاً یکی صحبت می کند و دیگری می شنود و این نشان می دهد نیمکره مغز فعال است. در تحقیقات چین گفته اند معلم که کلماتی را به زبان می آورد، باید سعی کند در لحن صدایش آن کلمه بار معنایی را داشته باشد. مثلاً با بیان معمولی گفته می شود "**مهر و محبت**" این هیچ بار معنایی ندارد، اما وقتی با بیان و لحنی که گویای آن کلمه ست گفته می شود، در تن صدا باید نمایان باشد تا بار معنایی آن کلمه را برساند. این موارد را به معلمان در آن جا آموزش دادند که چگونه تن صدا بار معنایی کلمات را حمل می کند و از این طریق توانسته اند نیمکره های چپ و راست مغز را فعال کنند.

۳. حرکت معلم در فضای کلاس:

راه رفتن و حرکت هدفمند، حرکت به سمت دانش آموزان گوشه گیر، حرکت کردن در تمام بخش های کلاس، عدالت در حرکت معلم این حرکات معلم، اعم از حرکت چشم یا حرکت خود معلم در فضای کلاس و در بین دانش آموزان، که این حرکت ها هم باعث جلب توجه دانش آموزان می شود و هم باعث می شود معلم از اتفاقات ریز و درشت کلاس آگاهی پیدا کند. اما این حرکت باید هدفمند باشد و معلم از خود بپرسد چرا من دارم به آن سمت می روم؟ مثلاً یکی از دانش آموزان حواسش به کلاس نیست و فعالیتی در گروه ندارد، پس می روم به منظور جلب توجه دانش آموز. یا حرکت به سمت دانش آموز گوشه گیر. حرکات نباید فقط در یک ردیف باشد و باید در تمام فضای کلاس باشد، چون دانش آموزان بسیار توجه دارند به عدالت دید، به عدالت توجه کردن و عدالت راه رفتن.

۴. تاکید روی بعضی از مفاهیم و کلمات:

- تکرار تغییر تن صدا روی مفاهیم و کلمات
- پرسش از دانش آموزان
- زیر کلمات را خط کشیدن یا با رنگ متفاوت نوشتن
- مکث های به موقع و هدفمند: مکث ها عامل جلب توجه دانش آموزان است.

۵. زبان بدن:

حرکت دست، چشم، ابرو، انگشتان و سر.
استفاده از زبان بدن و فعال کردن دو نیمکره مغز.

۶. تشویق و تمجید دانش آموزان:

تشویق را به عنوان عامل بیرونی در نظر می گیریم و تمجید را به عنوان عامل درونی.
تمجید عملکرد دانش آموزان، با ارزش تر از تشویق آنان است، زیرا تشویق مکرر شاگردان باعث به وجود آمدن آموزش و پرورش سودگرایانه می شود. تشویق بهتر است در ابتدای مراحل کار و تمجید در ادامه به کار گرفت.
روش ها و فنون مختلف تشویق وجود دارد که در مباحث بعدی ارائه می شود. —

جلسه سوم

صدیقه امیری

وضع قوانین و مقررات کلاسی

یکی دیگر از فنون مدیریت کلاس که خیلی مهم هست، وضع قوانین و مقررات کلاس درس است. جامعه بدون قوانین و مقررات، تبدیل به جامعه **آنارشیسم** می شود، جامعه هرج و مرج. در کلاس درس ما نیازمند این هستیم که قوانین و مقرراتی وضع کنیم. چرا؟ چون:

- **کلاس**، یک سازمان، یک اجتماع است. وقتی اجتماعی باشد که بیش از یک نفر باشد، یکسری قواعد و مقرراتی باید وجود داشته باشد تا حقوق افراد ضایع نشود.
- نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد، وضع قوانین و مقررات کلاس درس، باید در ابتدای سال تحصیلی و روزهای اول مدرسه و کلاس درس باشد البته شما می‌توانید قوانینی را به فراخور اتفاقاتی که در کلاس درس اتفاق می‌افتد وضع کنید؛ اما یک معلم، قبل از همه این‌ها، پیش‌بینی‌های لازم را دارد و قوانین و مقررات را با دانش‌آموزان به میان می‌گذارد و آن‌ها را اعلام می‌کند.
- قوانین و مقررات کلاس درس، **باید با مشارکت خود دانش‌آموزان** اتفاق بیفتد و جمع‌بندی شود، اگر دانش‌آموزان در تدوین قوانین کلاس، مشارکتی نداشته باشند پذیرش آن‌ها، از روی ناچاری خواهند بود، نه از درون و از روی علائق فردی و شخصی. اگر تعهدی هم داشته باشند تعهد بیرونی است، نه تعهدی درونی.
- بهتر است این قوانین **نصب‌العین** قرار بگیرد. روی یک تابلو نوشته شوند و این تابلو، در داخل کلاس در یک جای مناسب باشد.
- قوانین نباید خیلی سهل‌گیرانه و خیلی سخت‌گیرانه باشد. در غیر این صورت، مدیریت کلاس درس را مختل می‌کند. در بین این دو و در حد توان دانش‌آموزان باشد.
- در وضع قوانین باید رویکرد **انسان‌گرایی و تربیتی** حاکم باشد. مثلاً ما یک نمونه ذکر می‌کنیم: هر کس دیر آمد وارد کلاس شد، فلان هزینه را باید بپردازند. این قانون انسان‌گرایی نیست. می‌تواند به این شکل باشد، فردی که این کار را انجام داد مثلاً تا یک هفته، مسئولیت جمع کردن زباله‌هایی که سطح مدرسه ریخته شده را به عهده بگیرد یا حتی مرتب کردن کتابخانه مدرسه و... مسائل مادی و مالی که دانش‌آموزان در آن اختیاری ندارند و وابستگی دارند خیلی مناسب نیست.

نمونه‌ای از قوانین و مقررات کلاس مقررات کلاس را در زیر آورده ایم:

- همیشه زودتر از معلم در کلاس درس حاضر شوم.

- در کلاس درس نظم را رعایت کرده و هنگامی که معلم یا هرکدام از هم‌کلاسی‌ها سخن می‌گویند ساکت بمانم و به آن‌ها خوب گوش دهم.
 - با هم‌کلاسی‌ها و به ویژه با معلم خود با احترام رفتار کنم.
 - باعلاقه و جدیت در بحث‌های کلاسی، با رعایت حقوق و احترام دیگران، مشارکت کنم.
 - آدامس جویدن و خوردن هرگونه غذا در کلاس ممنوع است.
 - بعد از هر سه درس یا همراه، به تشخیص معلم یک امتحان، یک ارزیابی خواهیم داشت که در آن‌ها شرکت کنم.
 - بهداشت فردی رعایت می‌کنم و در بهداشت کلاس، با دیگران همکاری می‌کنم.
 - برای پاسخ‌گویی به سؤالات معلم، نوبت را رعایت می‌کنم.
 - به دوستانم سلام می‌کنم و با احترام و گشاده‌رویی با آن‌ها، برخورد می‌کنم.
 - در ساعات کلاسی به جز موارد اضطراری برای بیرون رفتن از کلاس، اجازه نمی‌گیرم.
 - خوش‌خطی و زیبانویسی را در نوشته‌هایم، رعایت می‌کنم.
 - از وسایل کلاس به خوبی استفاده می‌کنم و به آن‌ها صدمه نمی‌زنم.
 - از نوشتن روی میز، صندلی و دیوارها پرهیز می‌کنم.
- پس بنابراین، شما یک نمونه از قوانین و مقررات کلاسی را، ملاحظه کردید که یکی از معلمان در یک مدرسه با مشارکت دانش‌آموزان این‌ها را تدوین کرده است. الآن هم در فضای اینترنت می‌توانید به این‌ها دست پیدا کنید.
- بسیار مهم است که از ابتدا که بگوییم ما، قرارداد کرده‌ایم، قرارداد رفتاری، قرارداد فردی و گروهی که این اتفاقات بیافتد. در گروه باید احترام همدیگر را حفظ کنیم. در کارهای گروهی، به سرگروه توجه کنیم. مدیریت کار را به ایشان بسپاریم. وظایفی که در حیطه اختیارات من هست را به درستی انجام دهم. این‌ها موارد و قراردادهای رفتاری است که می‌توانیم، در ابتدای کلاس و مدرسه با دانش‌آموزان داشته باشیم.
- اصول کلی مدیریت کلاس درس: (مدیریت کلاس درس یک سری اصول کلی دارد که به بعضی از آن‌ها قبلاً اشاره کردیم).**

- **ایجاد انگیزه**، مهم‌ترین اصل مدیریت کلاس درس ایجاد انگیزه است. کافی است که شما، به دانش‌آموزان انگیزه دهید و ایجاد انگیزه کنید، دانش‌آموز انگیزه داشته باشد که کاری را انجام دهد. در انگلیسی به انگیزه *drive* گفته می‌شود، یعنی **سائق**، یعنی چیزی که می‌تواند، شما را به جلو حرکت دهد. اگر حیطه‌های شناختی، عاطفی و روانی حرکتی را در

نظر بگیریم، متأسفانه آموزش پرورش ما، به سمت حیطة‌ی شناختی تمرکز کرده است، حیطة‌های عاطفی و روانی حرکتی، خصوصاً حیطة عاطفی، حوزه مغفول ما هست.

- **طرح‌ریزی درسی.** برنامه‌ریزی درسی بسیار مهم است، بدون برنامه، نمی‌شود وارد کلاس شد. حتماً باید از قبل سناریو داشته باشیم. اگر معلم، روز قبل، شب قبل، روزهای قبل از کلاسش، برنامه نداشته باشد، مطمئن باشید در مدیریت کلاسش با مشکل مواجه می‌شود.
- **تدوین اصول مدیریت** در کلاس و روشن کردن آن برای افراد است.
- **آگاهی از وضعیت کلاس.** کلاس درس من، چه کمبودهایی دارد؟ چه نقاط قوتی دارد؟ چگونه می‌توان با این ابزارها و امکاناتی که در اطراف ما هست کلاس درس را بهبود ببخشیم و آن را با کمک خود دانش‌آموزان بهینه کنیم؟ اگر صندلی شکسته، چگونه می‌توانید آن را تعمیر کنید؟ آگاهی از وضعیت کلاس درس، آگاهی از وضعیت روانی دانش‌آموزان.
- **اصل تغافل (چشم‌پوشی از مسائل جزئی).** گاهی اوقات دانش‌آموزان کاری را انجام می‌دهد اما بهتر است، اینجا خودمان را به ندیدن بزنیم. اصل تغافل، یکی از اصول اسلامی تعلیم و تربیت است. در منابع غربی نیز روی آن خیلی تأکید شده است. گاهی اوقات، بهتر است دانش‌آموز، نفهمد که من معلم فهمیده‌ام، نبیند که من معلم دیده‌ام و بعدها به صورت غیرمستقیم، وارد این فاز می‌شوم که اگر کار دانش‌آموز، ادامه داشته باشد، باید وارد درمان و کار عملیاتی شوم.
- **کارایی و جامع‌الاطراف بودن معلم.** می‌گوییم معلم باید شایسته باشد. یک تعریف از شایستگی داریم، **شایستگی:** مجموعه‌ای درهم‌تنیده از دانش، مهارت و نگرش. این‌ها قابل تفکیک از هم نیستند. یک معلم شایسته، این‌طور نیست که بگوید، خب من دکترا دارم باید بروم آموزش ابتدایی و خیلی آدم متخصصی هستم، تمام نظریات را می‌دانم، این درست، اما آیا می‌توانم این نظریات را در یک محیط واقعی، به کار بگیرم؟ این می‌شود مهارت شما و باعلاقه و با نگرش مثبت این کار انجام می‌دهم، این می‌شود نگرش، **اگر شما توانستید دانش خود را افزایش دهید و آن را به کارگیرید و باعلاقه به کار بگیرید، آن هنگام، شما یک معلم شایسته خواهید بود.** در مدیریت کلاس درس، این خیلی مهم است، اگر دانش‌آموز، متوجه شود که معلم، دانش، مهارت دارد و باعلاقه دارد این کار انجام می‌دهد، این دانش‌آموز مطیع و تابع شما خواهد بود و شما می‌توانید به تکوین هویت و شخصیت دانش‌آموزان کمک کنید.

معلم باید سعی کند از مدیریت کلاس درس، به سمت **رهبری کلاس** درس حرکت کند. بین مدیریت کلاس و رهبری کلاس، تفاوت بنیادی وجود دارد. **مدیریت** یعنی کاری کنیم که کارها

جلو رود، سر زمان مشخص تمام شود، مشکلی پیش نیاید، اما رهبری، فرای مدیریت است. **رهبری** یعنی نفوذ به قلب‌ها، یعنی دانش‌آموز، معلم را واقعاً درونی دوست داشته باشد. اقتدار معلم را اقتدار شخصیتی بدانند، شخصیت معلم را یک شخصیت کاریزماتیک بدانند، فرهمند بدانند و وی را بپذیرند و قبولش داشته باشند و معلم الهام‌بخش دانش‌آموزان باشد و آن موقع است که می‌گوییم: درس معلم ار بود زمزمه محبتی، جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را. مدیریت، طفل گریزپای را جمعه به مکتب نمی‌آورد، رهبری می‌آورد. رهبری باعث می‌شود دانش‌آموزان مطیع معلم باشند، رهبری یعنی اسوه بودن، الگو بودن.

بر اساس توضیحاتی که تا الآن داشتیم، سه نوع معلم داریم:

- معلم توضیح‌دهنده
- معلم مشارکت‌دهنده
- معلم توانمندساز

بر اساس رویکردی که در شایستگی گفتیم شما به این سه معلم توجه کنید و ببینید در فضای کلاسی، در محیط کلاسی، چگونه این سه نوع معلم، در کنار هم قرار می‌گیرند و معلم می‌تواند کدام رویکرد را برگزیند، کدام معلم باشد.

- **معلم توضیح‌دهنده:** معلمی است که دانش شناختی خوبی از موضوع دارد، اما **آگاهی او از روش تدریس اندک است** و تدریس او بر محور سخنرانی و توضیح استوار است و برخی از دانش‌آموزان با او همراه هستند. دائم به فکر سخنرانی کلاس درس است و کلاس را با سخنرانی ادامه می‌دهد. فضای کمی برای مشارکت دانش‌آموزان قرار می‌دهد و فکر می‌کند که خودش انسان بالغی است و دانش‌آموزان نابالغ هستند و جریان یک‌سویه از انسان بالغ به انسان نابالغ باید اتفاق افتد. بعضی از دانش‌آموزان، این جور معلم‌ها رو می‌پسندند، اما منجر به رشد شناختی، رشد عاطفی، رشد هیجانی، رشد اخلاقی دانش‌آموزان نمی‌شود. تا زمانی که دانش‌آموز، درگیر مسئله نشود، خودش از درون، بر اساس دیدگاه سازنده‌گرایی مسئله را نسازد، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این دانش‌آموز به اهدافی دست پیدا کرده است. معلم توضیح‌دهنده، معلمی است که آگاهی او از روش تدریس اندک است اما آگاهی موضوعی وی، فراوان است. مثلاً: در عرصه ریاضیات خیلی عالی است اما چگونگی فهم آن را برای دانش‌آموز نمی‌تواند تشریح کند.

- **معلم مشارکت‌کننده:** بر موضوع درس تسلط دارد و افزون بر آن، با روش‌های تدریس نیز آشناست. سعی می‌کند از فعالیت‌های جالب بهره‌گیرد و دانش‌آموزان را در کارها مشارکت می‌دهد و درعین حال، مدیریت صحیحی در کلاس اعمال کند. مدیریت اصلی کلاس،

دست معلم است، از دانش‌آموزان در بخش‌هایی از کلاس، جلب مشارکت می‌کند. این معلم یک قدم بالاتر از معلم قبلی قرار می‌گیرد چون معلم توضیح‌دهنده، فقط بر دانش تسلط داشت ولی این معلم، هم بر دانش، تسلط دارد هم بر مهارت‌های تدریس. یکی از اصول اساسی کلاس درس این است که معلم بر مهارت‌های تدریس آشنایی و تسلط داشته باشد.

- **معلم توانمندساز:** این نوع معلم، در مرحله عالی حرفه‌ای قرار دارد. هم بر موضوع درس تسلط دارد، هم بر روش‌های تدریس و هم بر تفکرات و احساسات دانش‌آموزان. خیلی مهم است که ما دانش‌آموز را از دریچه دید خود دانش‌آموز ببینیم و از عینک وی به دنیا، کلاس درس و محیط نگاه کنیم. معلم توانمندساز این ویژگی را دارند اعتماد به نفس بالایی دارد. دانش‌آموزان را در مدیریت کلاس سهیم می‌کند، مدیریت مشارکتی به معنای واقعی که خیلی از فرآیندها را به خود دانش‌آموزها می‌سپارد. دانش‌آموزان، بهترین کنترل‌کننده‌های کلاس درس هستند، اگر به احساسات، تفکرات و ظرفیت‌های وجودی آن‌ها توجه شود و به آن‌ها، مسئولیت بسپاریم. شکل‌گیری گفتمان در کلاس درس، از ویژگی‌های این معلم است و دانش‌آموزان یادگیری را در عمل می‌آموزند.

سه نوع معلم داشتیم، حالا شما بفرمایید: بر اساس دیدگاه‌های رهبری و بر اساس شایستگی، هر کدام از این معلم‌ها در کدام دسته قرار می‌گیرند و نسبت این سنخ‌شناسی معلم، این سه دسته معلم با شایستگی و ویژگی‌های رهبری چیست و چگونه می‌توانیم، از معلم توضیح‌دهنده به سمت معلم توانمندساز حرکت کنیم؟ مطالعه کنید و نظرات خود نظر خودتان را در بسترهای ارتباطی که برای شما فراهم شده به اشتراک بگذارید.

هشت اصل اساسی مدیریت کارآمد کلاس درس:

- امکان فعالیت‌های **یادگیری معنادار** را فراهم‌سازید. (یادگیری معنادار به معنی این می‌باشد که مطالب جلسه رس فعلی را به مطالبی که قبلاً به دانش‌آموزان آموخته‌ایم، وصل کنیم. طبق نظریه یادگیری معنادار آزوبل، ما باید مطالبی که می‌خواهیم تدریس کنیم، بر یک پیش‌سازمان دهنده استوار باشد و وصل به مطالب قبلی یا محیط‌های واقعی دانش‌آموزان باشد. اگر این کار را انجام ندهید، دانش‌آموزان درس را یاد نمی‌گیرند و اگر یاد نگیرند، این عدم یادگیری‌ها، روی هم انباشته می‌شود، کم‌کم از آن درس زده می‌شود و بعد، ممکن است در دو درس دیگر نیز ضعف داشته باشند، کم‌کم روی آن درس‌ها هم تأثیر می‌گذارد و دانش‌آموزان از آن درس‌ها نیز دلسرد می‌شوند و وقتی این دلسردی ادامه یابد، عاطفه دانش‌آموز نسبت به آموزشگاه و مدرسه و تحصیل، ازدست‌رفته و این منجر ترک تحصیل می‌شود. شما باید، این یادگیری معنادار را با جدیت دنبال کنید. پیش‌سازمان دهنده‌ها،

نقش اساسی در یادگیری معنادار دارند و وصل کردن و اتصال مفاهیمی که در یک مبحث، می‌خواهیم تدریس کنیم به زندگی دانش‌آموزان، خیلی اثرگذار است).

- کلاس را به **محیط حمایت‌کننده**، تبدیل کنید. (در چنین محیطی، دانش‌آموز، دست‌گرم معلم را همیشه، روی شانه خود احساس می‌کند، بداند که اگر مشکل پیدا شد، می‌توانم از معلم، کمک بگیرم و معلم من را راهنمایی خواهد کرد. جو حمایت‌گرانه، جو حامی، پشتیبان. متأسفانه، معلم‌هایی داریم که می‌گویند: من معلم شما، در چارچوب این کلاس هستم، از اینجا رفته بیرون، من معلم شما نیستم. این‌ها، آسیب‌های انتخاب و تربیت معلم است. مثلاً: ممکن است شما معلم پایه دوم در یک روستا باشید تا آخر عمر، نسبت به آن دانش‌آموزان تعهد دارید که آن‌ها را هدایت و راهنمایی کنید).
- برای یادگیری موفقیت‌آمیز، **فرصت‌های لازم** را فراهم کنید. (خلق فرصت برای یادگیری، فقط این نیست که در چارچوب کلاس اتفاق بیافتد، شاید شما تکلیفی به دانش‌آموز دهید که برود در روستا، آبادی، شهر، محله، تحقیقی را انجام دهد. فرصت یادگیری فرا کلاسی است، البته اصلش باید، در کلاس اتفاق بیافتد ولی شما می‌توانید از هر موقعیتی، فرصتی ایجاد کنید و تکیه نکنید به فرصت‌هایی که در واقع خیلی در دسترس هستند، خلق فرصت‌ها می‌تواند خیلی متنوع باشد).
- به دانش‌آموزان کمک کنید که **هدف‌های مربوط به اصلاح خود را تعریف کنند**. (به دانش‌آموز اجازه دهید که هدف‌گذاری کند، بگوید که من می‌خواهم به اینجا برسم، در این کلاس درس می‌خواهم تا اینجا پیشرفت کنم، هدف‌های من این‌ها هستند و معلم، شما به من کمک کن تا به هدف‌هایم برسم. ما یک هدف‌گذاری داریم و یک اصلاح هدف، گاهی اوقات، دانش‌آموزان هدف‌هایی را در نظر می‌گیرند که بعداً، متوجه می‌شوند، هدف‌های خیلی سطح بالایی نبوده‌اند و تصمیم می‌گیرند تا هدف را اصلاح کنند، معلم تسهیل‌گر است و باید با همکاری و تصمیم‌گیری خود دانش‌آموزان کمک کند تا هدف را اصلاح کنند).
- درباره نتایج کارها، **اطلاعات لازم را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید**. (به آن‌ها بگویید، این درسی که به شما می‌دهم چه نتایج و انتظاراتی دارم، می‌خواهم به کجا برسید، نتیجه کار شما چیست، مثلاً: در دوره دبیرستان، مباحث انتگرال، مشتق و ... را خوانده‌ایم اما نمی‌دانیم چه کاربردی دارند، اصلاً برای چی؟ اگر بگویید که ما منبعی داریم که نه دایره است، نه مستطیل، حالت خم دارد و می‌خواهیم، مساحت زیر آن را به دست آوریم، این موقع، دانش‌آموز شاید بگوید من در آینده ممکن است، بالاخره یک رشته مهندسی قبول شوم و باید بدانم مساحت زیر یک قسمتی که خم دارد را چگونه محاسبه کنم. یا مثلاً

طبقه‌بندی جانوران به مهره‌داران و بی‌مهرگان، در دوره ابتدایی، به چه درد ما می‌خورد؟ چرا آموزش زبان انگلیسی در کشور ما، به نتایج موفقیت‌آمیزی نرسیده است؟ به خاطر این که این قدر، روی گرامر تأکید کرده‌ایم که از اصل مطلب، جامانده‌ایم).

- دانش‌آموزان را در **تصمیم‌گیری شرکت دهید.** (مثلاً بگویید می‌خواهم امروز، چپ‌نشین صندلی‌ها را عوض کنم، به نظر شما، چه کار باید کنیم، چه اتفاقی باید بیفتد، وقتی مشارکت کنند، تعهد پیدا می‌کنند).

- **برای روزهای بد برنامه‌ریزی کنید.** (همیشه کلاس درس، روزهای خوب ندارد، بلکه روزهای بد هم دارد، برای روزهای بد، برنامه‌ریزی کنید، بدانید ممکن است اتفاقاتی بیفتد، پس از الآن آمادگی داشته باشید).

- **رفتارهای مناسب را تقویت کنید.** (اگر رفتاری در راستای اهداف تربیتی می‌باشد، شما باید آن را مورد تشویق و تمجید قرار دهید تا ادامه پیدا کند. اگر رفتاری، خلاف موازین کلاس است باید به صورت درمانی، به آن ورود پیدا کنید و آن را اصلاح کنید، اگر رفتاری هست و خوب هم است اما بعضی جاهای آن، نیاز به اصلاح و ترمیم دارد، باید به‌عنوان یک متخصص جهت تغییر و اصلاح آن، گام بردارید).

این هشت اصل، بسیار مهم می‌باشد و باید به آن‌ها توجه کنیم. ممکن است در بعضی مناطق، فرهنگ آن محل، اجازه خیلی از فعالیت‌ها را، به شما و حتی به دانش‌آموز ندهد، دانش‌آموز باید حس کند که مدرسه، یک مرجع اطمینان می‌باشد و می‌توانم درد و دل‌های خود را وارد مدرسه کنم و با کمک معلم، آن‌ها را حل کنم. زمانی دانش‌آموز و معلم، می‌توانند حس تعلق به مدرسه را داشته باشند که در یک جو حمایت‌گرانه قرار گرفته باشند.

جلسه چهارم

مدیریت کلاس درس بر دو مهارت به هم پیوسته و اساسی استوار است که عبارتند از **تصمیم‌گیری و اقدام.**

- **تصمیم‌گیری:** یعنی چه اقدامی، چه وقتی و به وسیله چه کسی انجام شود. (برنامه‌ریزی برای آینده) تصمیمات باید متناسب با شرایط کلاسی، دانش‌آموزان، رشد شخصیتی، سطح سنی و جنسیت دانش‌آموزان باشد. تصمیم‌گیری باید با اقدام درست همراه باشد.

• **اقدام** یعنی عملی که در کلاس محقق می شود و ما برای آن برنامه ریزی کرده ایم. از این رو مهارت اساسی و ضروری برای مدیریت کلاس درس به منزله اتخاذ تصمیم مناسب و تبدیل آن به اقدامی موثر است.

روش های مدیریت کلاس:

- **روش رفتار گرایانه:** معلم باید تصمیمی اتخاذ کند که در کلاس او مشکلی به وجود نیاید. از آغاز سال تحصیلی معلم موظف است قوانین و مقررات کلاس درس را وضع کند، دانش آموزان نیز موظفند آن قوانین را اجرا کنند. فرایند تقویت از طریق پاداش دادن به رفتار های مطلوب و پس گرفتن امتیاز در صورت بروز رفتار های غیرمطلوب در این روش موثر است. اقتدار معلم در این روش کاملاً محفوظ است و معلم در وضع و حفظ مقررات کلاس از این اقتدار بهره می برد.
- **روش تعامل گرایانه:** در این روش مشکلات کلاس پیامد طبیعی مانند حضور دانش آموزان تلقی می شود، غیر منتظره به نظر نمی رسد و مانند فعالیت های حل مسئله در کلاس مورد توجه قرار می گیرد و حل و فصل می شود. با تعامل معلم با دانش آموز یا تعامل دانش آموزان با یکدیگر مشکل را تبدیل به مسئله کرده و آن را حل نمایند.

۳. **روش غیرمداخله جویانه:** حد وسط بین رفتار گرایی و تعامل گرایی است.

در این روش مداخلات مستقیم معلم در حل مشکلات کلاس اندک است. هدف اصلی در این روش ارتقای رشد فردی دانش آموزان و آزادی آنها است. در این رویکرد معلم اقتدار خود را فدا می کند این به معنی از بین رفتن اقتدار معلم به صورت کامل نیست بلکه در این روش رابطه معلم با دانش آموز تقویت می شود. معلمان در این روش با دانش آموزان رابطه ی مشاوره ای دارند و معلم در فعالیت های کلاس نقش حمایتی دارد.

کدام روش کاربردی تر است؟

هیچ معلمی منحصرًا از یک روش استفاده نمی کند. روشی برای معلم و کلاس کار آمد است که بهترین نتیجه را داشته باشد و اهداف تربیتی را محقق سازد که می تواند ترکیبی از سه روش ذکر شده باشد.

فضای مطلوب یادگیری:

محیط بستری برای شکل گیری بسیاری از ویژگی های رفتاری است. به بیانی دیگر بسیاری از عادت ها، عواطف، نگرش ها به گونه ای شگرف از محیط تاثیر می پذیرد. به همین خاطر است که بسیاری از صاحب نظران محیطی را مناسب می دانند که هر فرد با توجه به زمینه و استعداد های خود می تواند از آن بیاموزد و در معرض تاثیرات آن قرار گیرد.

چهار محیط بسیار تاثیر گذار:

۱. مدرسه
۲. خانواده
۳. اجتماع
۴. رسانه های جمعی

عوامل فیزیکی تاثیر گذار برای یادگیری:

۱. نور و عوامل مربوط به آن مانند میزان و شدت نور طبیعی یل مصنوعی بودن آن
۲. ابعاد ظاهری کلاس مانند دیوار، کف کلاس، مساحت
۳. رنگ و تاثیر آن بر آموزش و محیط آموزشی
۴. حرارت و تهویه کلاس
۵. صدا و عوامل مربوط به آن
۶. سازماندهی و آرایش کلاس

چینش کلاسی:

- **ردیف های مرتب:** چیدمان کلاس به صورت ردیفی مزیت های زیادی دارد از جمله اینکه معلم دید کافی بر همه دانش آموزان دارد و آن ها هم معلم را به راحتی می بینند. در این سبک معلم می تواند با تمام کسانی که صحبت می کنند ارتباط چشمی داشته باشد همچنین برقراری نظم را آسان کند.

انواع چیدمان ردیفی:

- **ردیفی تک نفره:** روی هر صندلی و میز یک نفر می نشیند. این نوع چیدمان برای کلاس های کلاسیک بسیار مناسب است و برای کلاس هایی که معلم محور است و دانش آموز موظف به انجام فعالیت های تک نفره در کلاس است پیشنهاد می شود.
- **ویژگی این سبک:** عدم ارتباط دانش آموزان با یکدیگر، کاهش حواس پرتی
- **ردیفی دونفره (نیم کتی):**

برای زمانی مناسب است که نیاز به کار مشترک و دو نفره دانش آموزان است.
اکثر مدارس در ایران از این چیدمان استفاده می کنند.

○ ردیفی سینمایی:

این نوع چیدمان همانطور که از اسمش مشخص است مانند صندلی های سینما در ردیف های یک شیب قرار می گیرند.

مزیت ها: دانش آموزان به راحتی می توانند با هم در ارتباط باشند.

مشکلات: عدم دسترسی معلم به دانش آموزان

○ دایره ای:

در این شیوه ی چیدمان تمام افراد در یک دایره نشسته اند و معلم در مرکز قرار می گیرد و معلم فرصت بیشتری برای نزدیک شدن به دانش آموزان پیدا می کند و بهتر می تواند به مدیریت کلاس پردازد.

○ نعل اسبی:

در کلاس های کوچک تر روش نعل اسبی روش مناسبی برای چیدمان صندلی ها می باشد در این شیوه معلم در قسمت انتهایی باز نعل قرار خواهد گرفت. چون باید در قسمتی باشد که به تخته و پروژکتور دسترسی داشته باشد. برقراری ارتباط و تعامل با دانش آموزان از مزایای اصلی این سبک چینش است.

شکل: برای درس هایی که پایه و اساس آن ها بحث های کلاسی U

و کار گروهی است بهترین چیدمان به صورت یو شکل است در این روش دانش آموزان با همدیگر و با معلم ارتباط چشمی دارند و می توانند اطلاعات و ایده های خود را به اشتراک بگذارند.

مزیت ها: تقویت حس همکاری در دانش آموزان / تشویق به انجام کار گروهی / تعامل
بیشترین بین معلم و شاگردان

جلسه پنجم

جلسه پنجم

کارکردهای مدیریت کلاس

همه سازمانهای رسمی و از جمله مدرسه که نوعی سازمان رسمی و اجتماعی است، مستلزم **مدیریت و رهبری** هستند کلاس درس یک سازمان است و اهدافی دارد پس نیازمند مدیریت و رهبری است.

صاحب نظران علم مدیریت برای سازمانها کارکردهایی را به عنوان کارکرد های سازمانی بیان کرده اند که این کارکردها بر هدفهای اساسی اثرگذار است.

چهار کارکرد مهم در حوزه مدیریت کلاس درس

۱. طراحی و سازماندهی کلاس درس

۲. رهبری کلاس درس

۳. نظارت و کنترل کلاس درس

۴. ارزشیابی

۱. طراحی و سازماندهی کلاس درس :

تدریس یک فعالیت و فرآیند است. وقتی میگوییم **فرآیند** یعنی ابتدا و انتها دارد و در بین آن یکسری مراحل بهم پیوسته و متوالی وجود داشت. پس تدریس یک فرآیند است و هر فرایندی برای انجام شدن مستلزم نقشه مدل و طرح از پیش تعیین شده است.

چند نوع طراحی در کار معلمی ← ساعتی_ روزانه_ هفتگی_ ماهانه و سالانه در این طراحیها و برنامه ریزیها باید امکانات، منابع، شرایط و روشهای پیش بینی شود

فعالیتهای کلاسی هرچند محدود هستند میتوان آنها را بر تنوع بیشتری انجام داد مثلاً روش تدریس سخنرانی محدود اما ما میتوانیم آن را به شکلهای مختلف انجام دهیم :

۱. از تمام فضای کلاس و فرصتهای یادگیری میتوانیم استفاده کنیم

۲. **رهبری در کلاس درس** : معلم به مثابه رهبر و مسئول هدایتگری تسهیلگری است.

مسئول معلم در هدایتگری و تسهیلگری چه کاری می کند؟ کاری میکند که دانش آموزان در راستای اهداف و ملاک های از پیش بینی تعیین شده و بهبود مدرسه حرکت کند

۲. مؤلفه های رهبری ←

a. معلم باید **الگو ساز** باشد، اسوه حسنه باشد، همانطور که گفتیم الگوی رفتاری دانش آموزان معلمان آنها هستند معلم به عنوان الگو نباید خطا کند معلم رهبر، معلم الگو است

b. **نفوذ بر زیردستان**: معلمی فردی رشد یافته است و تجربیات دوران معلمی او را فردی متمایز و متشخص کرده است معلم بر اساس این ویژگیهای شخصیتی می تواند به

زیردستانش نفوذ کند و بر دانش آموزان اثر بگذارد و هر چه قدر الگوسازی معلم و قویتر باشد دلسوزی و مشقت معلم بیشتر باشد، نفوذ بیشتری بر زیردستان دارد

c. **آموزش غیرمستقیم**: آموزش رهبر به صورت غیر مستقیم است

o **اصلاً تعاصر** ← معلم به مثابه رهبر اگر اشکالی هم در دانش آموزان ببیند به که خیلی حاد نباشد که به نیاز به عکسالعمل مستقیم باشد به صورت غیرمستقیم عمل می کند.

o **روابط باز و منطقی** ← رابطه ای که دوطرفه است و محدودیت هایی دارد که نباید از بین برود

d. **مربیگری و پرورش دادن**: یعنی دانش آموز حس میکند که معلم او را به جایی هدایت می کند. مربی گری ویژگی رهبری است معلم به دانش آموزان کمک میکند اعم از کمک درسی و غیردرسی مشاوره ای و یا حتی کمک مالی

e. **القای محبت و امید بخشی**: هر چه قدر معلم بتواند انگیزه و امید را در بین دانش آموزان ارتقا بخشد کار مدیریت کلاس راحتتر است

۳. سومین کارکرد کلاسی مدیریت کلاسی: **نظارت و کنترل کلاس درس**

سوء برداشت از مفهوم کنترل، ما آزادی عمل فرد را تهدید می کنیم، باید در نظارت و کنترل شدید نیست. باید با مشارکت خود دانش آموزان وجود دارد.

• **معنای اصلی مفهوم کنترل**: هر فعالیت گروهی - اجتماعی و سازمانی مستلزم نوعی کنترل و نظارت است. چون آدمی ذاتاً موجودی کنترل ناپذیر است، که دوست دارد آزادی بیحد و حصری داشته باشد. پس باید کنترل و نظارت وجود داشته باشد تا یکسری رفتارهایی به وجود آید مفهوم انضباط در کارهای سازمانی ما حلقه هایی داریم کارهای روزمره ای که معلم برای پیشگیری از اختلالات رفتاری و تصحیح مشکلات رفتاری انجام می دهد، تا بر کلاس تسلط پیدا کند و به اهداف آموزشی دست یابد نظارت و کنترل به عنوان کارکرد مدیریت کلاس است و نباید آن را به عنوان یک ابزار سمت بیرونی در نظر گرفت. یعنی ما در هر فعالیت اجتماعی که انجام می دهیم باید نظارت و کنترل را داشته باشیم در این حد نظارت و کنترل را می پذیریم .

• کارکرد چهارم **ارزشیابی** ← در کارهای سازمانی ما حلقه هایی داریم ← برنامه ریزی و طراحی - اجرا - ارزشیابی حلقه اتصال یک برنامه آموزشی ارزشیابی است .
ارزشیابی مانند یک آینه نقاط قوت و ضعف ما را نشان می دهد. بدون ارزشیابی ما نمیتوانیم پیشرفتی داشته باشیم نمیتوانیم برنامه ریزی داشته باشیم.

ارزشیابی در کلاس درس نباید یک بعدی باشد او فقط ارزشیابی پیشرفت تحصیلی داشته باشیم ارزشیابی پیشرفت تحصیلی یکی از انواع ارزشیابی است.

در ارزشیابی باید دید همه جانبه داشته باشیم که بتوانیم تصمیمات درستی اتخاذ کنیم ما سه نوع ارزشیابی داریم یا سه دیدگاه درباره ارزشیابی داریم

a. **ارزشیابی از یادگیری**: یعنی ما یک موقعیت یادگیری یک موقعیت ارزشیابی ایجاد و به هر دانش آموز یک نمره بدهیم

b. **ارزشیابی برای یادگیری**: علاوه بر نمره بازخوردهای به دانش آموز داده می شود برای تقویت یادگیری او

c. **ارزشیابی به عنوان یادگیری**: رویکرد اخیر ارزشیابی، ارزشیابی خودش یادگیری است و ارزشیابی از یادگیری جدا نیست، معلمانی موفق هستند که ارزشیابی به عنوان یادگیری را انتخاب می کنند. و این نیازمند مهارت و تسلط بر رویکردهای ارزشیابی است

رهنموده‌هایی برای پیشگیری از مشکلات رفتاری:

- a. در بعضی مواقع عوامل بی نظمی کلاسی را باید به صورت انفرادی حل کرد
- b. خیلی از رفتارهای برهم زننده نظم را بشناسیم و برای آنها دستورالعمل یا قاعده رفتاری بگذاریم
- c. برخی از رفتارهای بی نظمی غیرقابل پیشبینی هستند و باید خودمان را برای برخورد با آنها آماده کنیم و از قبل آمادگی داشته باشیم. اولین مرحله آمادگی شناخت و کسب اطلاعات لازم برای مواجهه با آن موقعیت ها است
- در ابتدای امر معلم باید انتظاراتی را که از دانش آموز دارد بیان کند.
- بعضی رفتارهای نامطلوب آنقدر شدتش زیاد ه که باید همان لحظه برخورد جدی انجام دهیم، نه به معنای اینکه تنبیه صورت بگیرد به معنای برخورد کلامی یا رفتاری.
- رفتارهای نامطلوب هنجار شکنی است و باعث ایجاد فرهنگهای بدی در مدرسه می شود، در شروع کلاس ضوابط و قوانین کلاس را به روشی بیان کنیم قوانین باید قابل درک و فهم برای دانش آموزان باشد برای دانش آموزان ابتدای ساده و کلی و برای دانش آموزان مقاطع بالاتر پیچیده تر.
- کلاس درس باید با جدیت شروع شود وبعد اگر خواستیم آزادی عملی بیشتری به دانش آموزان بدهیم.
- نکته آخر؛ یادگیری باید **معنادار** باشد تا دانش آموزان علاقمند شده و خسته نشوند.

جلسه ششم

جلسه ۶ مدیریت کلاسی // فاطمه دهقانی

روش های جلوگیری از رفتارهای مخرب:

۱. **توجه به زمان** به این مفهوم که مغز انسان ها در کوتاه مدت خوب جواب می دهد ولی در بلند مدت خیر. تحقیقات نشان داده است که برای کودکان ۸ ساله دوره های ۸ دقیقه ای صحبت کنید و سپس به فعالیت یا موضوع دیگری بپردازید. برای کودکان ۱۵ ساله و بالاتر دوره های ۲۰ دقیقه ای زمان مناسبی است و اگر بیشتر شود رفتار مخرب به همراه می آورد.
۲. **توجه به تنوع فعالیت ها:** به این معنا که در طول زمان از انواع فعالیت ها استفاده کنید تا تنوع ایجاد شده و از رفتار مخرب جلوگیری کند.
یک سری از رفتارهای مخرب، اثرات تخریبی بر فرهنگ مدرسه و جو کلاس درس و محیط کلاس دارد.

- **نکته:** این رفتارهای مخرب در صورت تکرار و در صورت بالا رفتن نرخ فراوانی آنها فرهنگ مدرسه و کلاس درس را تحت الشعاع قرار می دهد.

رفتار مخرب زمانی ایجاد میشه که دانش آموز نسبت به موضوع درسی و فعالیت های آموزشی و تربیتی انگیزه لازم را نداشته باشد خودش را جدا از این موضوع بداند. یکی از روش هایی که جلوگیری می کند از رفتارهای مخرب **توجه به زمان** است. مغز انسان در کوتاه مدت خوب جواب میدهد ولی وقتی که فعالیت ها طولانی میشه مغز انسان نمی تونه با آنها سازگار بشه به همین خاطر شاید در چند دقیقه اول خوب توجه میکند. ولی بعد از اون حواسپرتی، خسته کنندگی، کسالت میاد سراغش و از این جدا میشه. تحقیقات نشان میدهد که برای کودکان تا ۸ ساله دوره های ۸ دقیقه ای مفید است یعنی شما به عنوان معلم ابتدایی سعی کنید مفاهیم درسی و آموزش ها ییتان را ۸ دقیقه ۸ دقیقه، انجام دهید، اما کودکان ۱۵ سال و بالاتر ۲۰ دقیقه مناسب است، رفتارهای مخرب ناشی از اینکه بچه ها حواسشون نسبت به موضوع درسی منحرف شده است، پس بنابراین با قطعه قطعه کردن این زمان ها، رده بندی کردن این زمان ها متناسب با سن رشدی و عقلی دانش آموزان می توانیم جلوگیری کنیم از رفتارهای مخرب. دومین روش جلوگیری از رفتارهای مخرب **توجه به تنوع فعالیت** هاست، اگر فعالیت های یکنواخت ایجاد کنید شاید در یکی دو جلسه اولیه

دانش آموزان حواسشون جمع باشه توجه کنند اما به مرور زمان این عدم توجه ، چون یکنواختی ملالت به وجود می آید که باعث خستگی آدم میشه، پس تا آن جایی که می توانیم فعالیت های متنوع ایجاد کنیم که دانش آموزان هر بار ببینند که با موقعیت جدیدی روبرو می شوند و این موقعیت موقعیت ناآشنایی هست پس توجه بیشتری را می طلبد.

۳. **توجه به تغییر محیط:** به این معنا که باید در محیط نیز تنوع ایجاد کرد. تغییر لامپ ها، محل نشستن معلم و دانش آموزان و تجهیزات دیگر تنوع ایجاد می کند. حافظه رویدادی ما یادگیری را به محیط و زمینه ربط می دهد. پس سعی کنید بعد از آموزش یک سری از موضوعات مرتبط بهم و قبل از شروع موضوعات جدید متغیر های محیطی را تغییر دهید. سومین مورد توجه به تغییر محیط است، تغییر محیط در فضا و امکانات که داخل فضا هستند این ها باعث زمینه سازی برای رفتارهای مخرب میشن، بهترین تجهیزاتی که در کلاس، وضعیت قرار گرفتن چینش صندلی ها ، کتابخانه که داخل کلاس است و بهترین ها را تغییر در آنها بدهیم اگر کارمند اداری اتاق به شکلی باشه قطعاً خستگی به وجود بیاره و هر از گاهی ما | این دکوراسیون و چیدمان داخل اتاق را عوض می کنیم. از افراد مشهور دعوت کنیم بیایند حرف بزنن اگر مثلاً در یک روستا زندگی می کنید یک فردی هست که حالا در دانشگاه تحصیل می کند، تحصیلات عالی داره، پزشکی میخونه، در یک جایی مشغول است، کارآفرین موفق است برای بچه ها صحبت کنه ، یک موضوع درسی را میتوانید با آن فرد چک کنید بررسی بکنید و آن فرد باید به جای شما به عنوان معلم صحبت بکنه و شما میشوید مکمل اون صحبت های این فرد متخصص، این برای بچه ها خیلی جذابیت ایجاد میکنه، هم الگو سازی میشه هم امیدواری ، آینده نگری ، و هم اینکه فردی غیر از معلم را تجربه میکنند، پس بنابراین دعوت از افراد متخصص میتواند مفید باشد.

۴. از افراد مشهور و متخصص یا خود دانش آموزان در آموزش استفاده کنید.

۵. سعی کنید منابع و وسایل آموزشی و کمک آموزشی و شیوه ی ارائه ی مطلب را نیز تغییر دهید. بعد از مدتی به جای تخته از دیتا، کامپیوتر، نقشه یا ... استفاده کنید.

۶. برای کلیه زمان ها برنامه داشته باشید. زیرا تحقیقات نشان می دهد ۹۸ درصد مسائل رفتاری در کلاس درسی زمانی رخ می دهد که دانش آموزان بیکار هستند.

باید سعی کنیم منابع و وسایل آموزشی و کمک آموزشی و شیوه ارائه مطلب رو تغییر بدیم روشهای تدریس متنوع بسیار مورد علاقه دانش آموزان است. هر معلمی به طور متوسط بر ۲۰ روش تدریس باید تسلط داشته باشد. یعنی بتواند آنها را به کار بگیرد در موقعیت های

مختلف، از منابع متعدد یک زمان شما از تخته استفاده می کنید، یک زمان از نقشه استفاده می کنید، یک زمان از کره جغرافیایی استفاده می کنید و این تنوع باعث میشه که تازگی در کلاس شما و طراوت در کلاس شما اتفاق بیفتد وقتی تین طراوت را ایجاد کنید خود به خود و ناخودآگاه بچه ها به این تازگی واکنش مثبت نشان می دهد، ولی دائم و یکنواخت مثل یک حرکت مکانیکی نباید معلم وارد کلاسشون شود و خارج بشه، حرکت معلم یک حرکت پویاست، پویایی باید در تمام عناصر کلاس اتفاق بیفتد.

برای کلیه زمان هایی که ما در کلاس درس هستیم باید **برنامه** داشته باشیم، داشتن برنامه مستلزم این است که ما فکر کنیم موضوع درسی که داریم چقدر زمان میبره، چه فعالیت های طراحی کنیم، تحقیقات نشون میده که بیشتر رفتارها و مشکلات رفتاری و رفتارهای مخرب ناشی از بیکاری بچه ها است، معلم یک برنامه ریزی قوی هست که برای تمامی ساعات و لحظه ها و آنات دانش آموزان برنامه دارد و با برنامه حرکت می کند اگه معلمین زمان اضافه میاره یا زمان کم میاره ناشی از برنامه ریزی نادرست معلم است، کلاس نباید این باشه که ما بگیم از هر کلاسی هیچ صدایی بلند بشه بر عکس اتفاقا کلاس های فعال شلوغ هستند منتها این نوع شلوغی و این نوع جنب و جوش با جنب و جوشی که ناشی از برنامه نداشتن معلم هست خیلی متفاوت، معلم برنامه ریز، برای تمامی ساعات و لحظه هاش برنامه دارد. قسمت بعدی می پردازیم به عوامل و موانع برقراری ارتباط با دانش آموز، در جلسه اول خدمت شماست کردیم که یکی از مهمترین عامل با مدیریت کلاس درس در ارتباط هست بحث ارتباط با دانش آموز است، ارتباط تنظیم کننده مدیریت کلاس است یکسری موانع هستند که باعث برقراری این ارتباط می شوند.

عوامل و موانع برقراری ارتباط با دانش آموز:

- پیام (معنی) در بهترین شکل خود ارسال و دریافت شود.
- ایجاد جو اعتماد متقابل و آرامش که جریان ارتباط را بهتر و سریع تر می کند.
- آگاهی معلم بر تفاوت تجارب، مهارت ها، توانایی ها، نگرش و تفاوت های شخصیتی فراگیران.
- آگاهی معلم بر این که نیازها، تمایلات، علایق، پایگاه اجتماعی و در ارتباطات نقش تعیین کننده ای دارند.
- آگاهی معلم از تاثیر زبان بر ایجاد ارتباط.

- آگاهی معلم بر تفاوت ماهیت و طرق ادراک فراگیران که نقش مهمی در ارتباطات دارد زیرا بخش عمده ای از رفتار (کنش و واکنشها) افراد به ادراکات آنها باز می گردد.
- اولاً پیام یا آن معنی اصلی معلم، تدریس، آموزش، باید به بهترین شکل خودش ارسال و دریافت بشه و عوامل مخل ارتباط را از بین ببریم ، مثلاً در یک درس، مهمترین بحث درس ریاضی پایه سوم ابتدایی جمع دو رقمی با دو رقمی است آموزش این مطلب باید به بهترین شکل انجام یعنی ارسال شود و بازخورد ها دریافت شود، هر عاملی که مانع این شود ما باید آن را کاهش دهیم ، پس اون معنی و مفهوم و هسته اصلی که ما دنبالش هستیم در یک فرایند آموزش حواسمون خیلی مراقب این بخش باشد.
- دوم ایجاد جو اعتماد و حمایت گری و آرامش بکنیم ، کلاسی که جو اعتماد نباشه، دانش آموز حرفی به معلم بزنه و معلم آن را پخش کنه ، یادانش آموز با دانش آموز دیگه ، جو اعتماد از بین می رود، جو باید آرامش باشه آرام باشه اعتماد باشه یعنی من اعتماد کنم به معلمم ، که این معلم پشتیبان من هست، فضای آرامش توام با جنب و جوش، آرامش به معنای این که من احساس راحتی بکنم ، احساس ترس نکنم، این فضا یکی از عواملی است که به برقراری ارتباط با دانش آموز کمک میکنه نکته بعدی آگاهی معلم به تفاوت ها تجربیات مهارت ها و توانایی های شخصیتی فراگیران است ، من معلم باید به این تفاوت ها آگاهی داشته باشم ، پذیرم که همه دانش آموزان با همدیگر یکسان نیستند این کمک میکنه به برقراری ارتباط، یک دانش آموز هست که با لبخند وارد کلاس میشه، یک دانش آموز هست با توجه دو دقیقه ای آن را بیارید وارد کلاس کنید، انسان ها متفاوتند ، هورمون هایی که در بدن شخص ترشح میشود با یک نفر دیگر دوزش فرق میکند، همین تفاوت در هورمون ها، تفاوت در شخصیت و منش و بچه ها ایجاد میکنه، شما که معلم ابتدایی هستید به این نکته باید توجه داشته باشید، یکی از عارضه هایی که متاسفانه جامعه ما داره ، عارضه های پزشکی و جسمی ، بحث بلوغ زودرس هست، بلوغ زودرس است باعث تغییرات جسمی در بچه ها میشه که مثلاً توی کلاس دو نفر نسبت به بقیه درشت هیکل شده، یا پسر موهای صورت رشد کرده اینها بعضاً روی اعتماد به نفس این ها اثرگذار است و روی قلدری اینها اثر گذار هست ، فهم این تفاوت های فردی، کمک می کند که شما ارتباط بهتری با دانش آموزان داشته باشید ، آگاهی معلم بر اینکه نیازها، تمایلات، علایق و پایگاه اجتماعی اقتصادی در ارتباطات نقش تعیین کننده ای دارد. تحقیقات نشان می دهد دانش آموزانی که پایگاه اجتماعی بالاتری دارند در روابط بهترند، آزاد تر عمل می کنند ، راحت

تر عمل می کنند، دانش آموزان که در خانواده های فقیر زندگی می کنند متاسفانه ارتباط خوبی برقرار نمی کنند، تمایلاتشان خاص تر هست، نیاز و علائقشون خاص تر هست. آگاهی معلم از تاثیر زبان، فرهنگ حاکم بر دانش آموز بلوچ با فرهنگ حاکم بر دانش آموز کردزبان با فرهنگ حاکم بر دانش آموز ترک زبان متفاوت است، تفاوت های زبانی باعث تفاوت هایی در رفتارها و ارتباطات می شود که خیلی مهمه بیشترین مشکلات در کجا ناشی میشه؟ در جاهایی که چند فرهنگی وجود دارد، اینجا بحث تقابلات و تفاوت های قومیتی هم به وجود میاد، معلم باید این ها را مدیریت بکند، پس میبینید که معلم کارهای زیادی برای انجام دادن داره و باید اطلاعات متعددی از این داشته باشه، سبک های یادگیری بچه ها با هم متفاوت، یه دانش آموز هست که تکانشی هست یعنی فوری جواب می دهد، بعضی بچه نیاز به تامل دارند فکر کنند، دقیق جواب بدهند، اینها تفاوت در سبک های ادراکی و سبک های یادگیری بچه ها است، پس اینها هم روی ارتباطات تاثیر گذار هست.

عوامل متعددی در برقراری ارتباط صحیح در یک کلاس درس مانع ایجاد می کنند به طور

نمونه:

- تفاوت های زبان، لهجه، تعصبات و پیش داوری ها.
- جاذب نبودن پیام و معنی برای مخاطبان
- تسلط ضعیف یکی از طرفین در پردازش و تجزیه و تحلیل مطالب.
- نبود یا کمبود انگیزه جهت تداوم پیام.
- نقش گروه های غیر رسمی، وحشت، ترس، احساس نا امنی و هیجانات در محیط کلاس.

معلم باید این فرهنگ را به وجود بیاورد که تمامی زبان ها و لهجه ها و قومیت ها و مذاهب در کشور ما محترم شمرده می شود و هر کدام در جای خودش قابل احترام هستند. اتفاقاً این تنوع ها میتواند به هوش بیشتر افراد کمک کند. دومین مورد جذاب نبودن پیام و معنی برای مخاطب هست، **یادگیری باید معنادار باشه**، یعنی ارتباطی بین آموخته های قبلی و جدید ایجاد بشود، مطالب باید وارد زندگی بچه ها شود و آنها ارتباطش را با زندگی درک بکنند، اگر این پیام جذاب نباشد اگر دانش آموزان آن را نتوانند در ساخت شناختی خودشون تنظیم کنند این یک مانع ارتباطی میشه، اگر معلم مطالب را خوب پردازش نکند یا دانش آموز پردازش نکنه این عدم پردازش طرفین مانع ارتباطی هست، چه معلم بد اینها رو توضیح بده و ارائه بکنه چه دانش آموز بد برداشت کند، پس آن فهم مشترک آن پردازش

مشترک که معلم و دانش آموز در برقراری ارتباط بسیار حائز اهمیت است، نبودن انگیزه جهت تداوم پیام یک مانع ارتباطی است، معلم باید انگیزه بخش دائمی باشد. صدا کردن دانش آموزان به اسم ایجاد انگیزه میکند. صدا کردن آنها به اسم انگیزه بخشی میکند، ارتباط مطالب با زندگی شخصی شون با زندگی واقعی در دنیای بیرون، انگیزه بخشی میکند، اگر عدم انگیزه وجود داشته باشه یک مانع جدی ارتباطی هست. ما یک گروه رسمی داریم، دانش آموزان و گروه هایی که معلم تشکیل داده با کمک دانش آموزان، گروه رسمی است، درس در گروه رسمی اتفاق می افتد، اما حواسمون باشه یک معلم به مثابه مدیر و رهبر باید بدون که گروههای غیر رسمی در مدرسه و کلاس به عنوان یک جزء لاینفک هست،

گروه غیر رسمی: دو یا چند دانش آموز خارج از ارتباطات رسمی وارد روابطی میشوند و گروه دوستی تشکیل می دهند. این گروه دوستی ممکن است که در راستای اهداف سازمان رسمی یا کلاس درس و مدرسه باشند ممکن است بر خلاف آن باشند. معلم باید حواسش به گروه غیر رسمی باشد، غیرمستقیم ورود پیدا بکنه و هم جهت کند با اهداف کلاس درس گروه های غیررسمی لزوما خرابکار نیستند اتفاقا بعضی از گروه های رسمی و غیررسمی با همدیگر ائتلافی را تشکیل می دهند و وارد فضاهای علمی میشن، با همدیگر در جایی ثبت نام می کنند، کار علمی انجام میدن، کار هنری را انجام می دهند، اتفاق می افتد که این گروه های غیر رسمی مانع از یادگیری میشن یعنی بین خودشون یکسری قراردادهای رفتاری می بندند که این قراردادهای رفتاری بر خلاف اهداف مدرسه هست، محیط اضطراب زا و استرس زا، محیطی که بچه ها از مدیر و از معلم بترسند از یکدیگر بترسند، این محیط، محیطی ضد تربیت است، محیط مدرسه باید محیط آرامش باشد، خیلی از معلمان میگن اگه با بچه ها با ادبیات خودمونی رو بدیم دیگه نمیشود کنترل کرد، ما نمیخواهیم به بچه ها رو بدهیم میخواهیم مسئولیت بدهیم.

تکلیف عملکردی: یک کلاس درس یا یک موقعیت تربیتی در سطح مدرسه را مشاهده نمایید. و گزارشی از روش های مدیریتی به کار گرفته شده تهیه و نتایج را به همراه نقد و بررسی و مبتنی بر یافته های علمی ارائه نمایید.

جلسه هفتم

ویدئوی شماره ۷- مدیریت کلاس درس

موضوع: فرهنگ کلاس درس

این واژه بسیار مهم است در مدیریت کلاس و در بحث‌های تربیتی و مدارس متفکر، هوشمند و تعالی‌گرا. تمام این واژه‌ها و صفات گفته‌شده با فرهنگ مدرسه در ارتباط است. اگر بخواهیم مدرسه‌ای **متعالی** داشته باشیم، قاعدتا باید روی **فرهنگ** کلاس درس و مدرسه کار کنیم و این کاری زمان‌بر است.

تعریف فرهنگ کلاس درس: فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، هنجارها، رفتارها (روابط)، شعائر، تشریفات، مراسم، عقاید، عادات و به طور کلی ارزش‌های غالب درون مدرسه و کلاس اشاره دارد. اگر بچه‌ها در یک مدرسه رویکرد همکارانه و همدلانه دارند، این فرهنگ، یک فرهنگ همدلانه و همکارانه است و وقتی وارد مدرسه می‌شوید این فرهنگ همدلانه خیلی نمود دارد. اما اگر در یک مدرسه می‌بینید که بچه‌ها رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی دارند، آن هم ناشی از فرهنگ مدرسه است. **فرهنگ** مهم‌ترین داشته‌ی یک مدرسه است. فرهنگ مهم‌ترین داشته‌ی یک کلاس درس است که تسهیل فعالیت‌های یاددهی - یادگیری و تدریس معلم است.

از این کلمه‌ی فرهنگ و تلاش برای ارتقای فرهنگ مدرسه هیچ مضایقه‌ای نکنید. هر چقدر که ما برای فرهنگ سرمایه‌گذاری کنیم، نتایج بهتر و بیشتری خواهیم گرفت.

فرهنگ به عنوان یک نظام ارزشی، رفتارهای معلم و معلمی را در بر می‌گیرد. رفتارهای یک معلم مربوط شخصیت یک معلم است. رفتارهای معلمی مربوط به عملکرد یک معلم است که در آموزش و یادگیری نمود پیدا می‌کند. فرهنگ به عنوان یک نظام ارزشی روی رفتارهای معلم و معلمی، اثر می‌گذارد. یک معلم اگر رفتارهای پرخاشگری را ببیند یک جور تدریس می‌کند و اگر فرهنگ همدلی و مشارکت را ببیند، یک جور دیگر تدریس می‌کند. پس این فرهنگ روی رفتارهای معلم و روی علمکردها و کارکردهای او اثرگذار است. فرهنگ حتی روی دانش‌آموزان، والدین و کارکنان مدرسه هم مؤثر است. اگر فرهنگ همدلی و جو حمایت‌گرانه و فرهنگ حمایت‌گری وجود داشته باشد، اگر روز جمعه هم برنامه‌ی دیدار با اولیا گذاشته شود، معلمان از برنامه استقبال می‌کنند. ولی اگر این فرهنگ وجود نداشته باشد، استقبال معلمان با مشکل مواجه خواهد بود. پس بنابراین نظام ارزشی فرهنگی، روی کلیه‌ی فعالیت‌های مدرسه اثرگذار است.

در اینجا بایستی برخی از تعاریف را با یکدیگر مرور کنیم:

- **فرهنگ:** فرهنگ در یک تعریف ساده عبارت است از مجموعه‌ی باورها، هنجارها، آداب، تشریفات، اعتقادات، شعائر، شعورها، رفتارها و ... در یک جامعه، و در یک کلمه ارزش‌های غالب است.

- **فرهنگ آموزش:** به مجموعه (نظام) باورها، هنجارها و ارزش‌های غالب در درون نظام آموزشی گفته می‌شود.

- **فرهنگ مدرسه:** به نظام باورها، هنجارها و ارزش‌های غالب درون مدرسه گفته می‌شود.

- **فرهنگ کلاس:** به مجموعه‌ای از باورها، هنجارها و ارزش‌های کلاس درس اشاره دارد و نشان‌گر آن است که در درون کلاس درس چه هست، چه چیزی ارزش دارد و چه چیزی مهم است.

در خیلی از کشورها و خیلی از نظام‌ها خیلی از فرهنگ‌ها وجود دارد. درست است که فرهنگ باید در ذهن وجود داشته باشد اما بایستی نمود عینی هم پیدا کند. مثلاً نوع دوستی اگر مهم است باید پرسید که این نوع دوستی در سطح جامعه وجود دارد؟ یا مشارکت در سطح جامعه به منصفی ظهور می‌رسد؟

فرهنگ از نگاه علمی باید هم بر باورها و هم اعمال مسلط باشد. هم باورها و هم اعمال ما باید درست باشد. دوره‌ی جنگ تحمیلی را در نظر بگیرید. با وجود انقلاب نوپا و همه‌ی مشکلات، مردم بر پایه‌ی نوع دوستی و مشارکت و ایثار، آن شرایط را پشت سر گذاشتند. و در عین حال فرهنگ‌های متاسفانه بدی هم داریم در جامعه که نمودهای آن را می‌بینید.

برای ایجاد یک فرهنگ فرآیندی وجود دارد. ما سه سطح برای فرهنگ داریم. سطح رفتاری، سطح هنجاری و سطح ارزشی.

این خیلی مهم است. چون برخی می‌پرسند چطور فرهنگ مدرسه را همدلانه، مشارکتی یا علمی کنیم؟ مسیر آن کار این است. اگر در یک اتوبان موتوری خلاف جهت بقیه حرکت کند، اتفاقی نیست که به یک باره افتاده است. روزی یک نفر خلاف جهت حرکت کرده و مردم هم او را نگاه کرده‌اند و فکر کرده‌اند که اگر این مسیر را برعکس بیابند راحت‌تر به مقصد می‌رسند. در ابتدا یک نفر رفتاری را ایجاد کرد و بعد توسط دیگر افراد تکرار شد. وقتی این رفتار تکرار می‌شود حالت هنجار پیدا می‌کند. مجموعه‌ی رفتارها به هنجار تبدیل می‌شود و اگر این هنجارها ادامه پیدا کند تبدیل به فرهنگ می‌شود. و همه‌ی موتوری‌ها می‌فهمند که باید در اتوبان برعکس حرکت کنند. ولی اگر همان فرد اول وقتی این رفتار را مرتکب شد، قانون جلوی او را می‌گرفت (از طریق روش‌های اصلاحی و تنبیهی)، مانع از آن می‌شد که رفتار به هنجار تبدیل شود. همین را می‌توان به سطح مدرسه آورد.

- بنابراین **فرهنگ** مجموعه‌ای از ارزش‌های غالب بر جامعه است. ممکن است این ارزش‌ها ارزش‌های خوب یا بدی باشند. ممکن است ارزش‌ها ارزش‌های مثبت یا منفی‌ای باشند.

یک سطح نزدیک‌تر، فرهنگی داریم به اسم **فرهنگ آموزش**. این فرهنگ مجموعه‌ی باورها، هنجارها، رفتارها و ارزش‌های غالب در نظام آموزش، به طور کلی است. فرهنگ نظام آموزشی ما چیست؟ رفتن به دانشگاه؟ مدرک‌گرایی؟ یا رسیدن به یک انسان متعالی؟ یا آماده‌شدن برای اشتغال در یک شغل در جامعه؟ کدام فرهنگ؟ آن چیزی که غالب هست و سایه می‌افکند بر بقیه‌ی فرهنگ‌ها، فرهنگ آموزش ماست. فرهنگ غالب بر نظام آموزشی عالی ما چیست؟ فرهنگ غالب بر نظام آموزش ابتدایی ما چیست؟

یک سطح پایین‌تر **فرهنگ مدرسه** است. در مدرسه‌ی ما کدام ارزش غالب است؟ برای بچه‌ها چه چیزی بیشتر اهمیت دارد؟ تمسخر یکدیگر یا فعالیت‌کردن برای دستیابی به یک جایگاه علمی؟ اگر می‌خواهید مدرسه‌ی موفق‌تری داشته باشید باید روی این فرهنگ کار کنید.

یک سطح پایین‌تر از آن **فرهنگ کلاس درس** است؛ باورها، هنجارها و ارزش‌های غالب در کلاس درس. این فرهنگ نشان می‌دهد که چه چیز در این کلاس مهم است و چه چیزی باارزش است.

- به عنوان یک معلم برای ایجاد یک فرهنگ این مسیر را پیش رو خواهید داشت: **رفتار،**

هنجار و ارزش.

شکل‌گیری فرهنگ زمان بر است. یک فرهنگ برای ایجاد زمان زیادی نیاز دارد ولی برای نابود کردن آن فرهنگ زمان خیلی کمتری نیاز دارید. فرهنگ کلاس درس از طریق تقویت رفتارهای مطلوب و درمان رفتارهای نامطلوب اتفاق می‌افتد. شما به عنوان یک معلم باید درمانگر و پیش‌گیری‌کننده باشید. نگذارید که رفتارهای مخرب یواش‌یواش در سطح کلاس درس شما ایجاد شود. رفتارها تبدیل به هنجار می‌شوند و هنجارها به ارزش مبدل می‌شوند. ارزش‌ها هم معادل فرهنگ هستند. به این صورت آن رشته‌ای که ایجاد کرده‌اید پاره می‌شود و از دست می‌رود.

رهنمون‌هایی برای ایجاد فرهنگ در کلاس درس وجود دارد:

- سعی کنید که کلاس را از حالت قالبی و خشک آن خارج کنید:

گفتگو را در کلاس تشویق کنید و فرهنگ قالبی و خشک را به فرهنگ گفتمانی تبدیل کنید. گفتمان توام با احترام باشد.

- اعتماد به نفس، نوآوری، آزاداندیشی و نظایر آن را در دانش‌آموزان پرورش دهید.

از تفکرات جدید دانش‌آموزان استقبال کنید. بچه‌ها خیلی دوست دارند ایده‌های آنها شنیده شود حتی اگر این ایده‌ها خیلی آرمان‌گرایانه و غیرواقعی باشند. معلم باید بتواند اینها را هدایت کند تا واقع‌گرایانه‌تر شوند. اساس نوآوری بر تخیل است. با

سپردن کارها به خود بچه‌ها کاری کنید که از نتایجی که به دست می‌آورند احساس لذت کنند. این کار اعتماد به نفس آنها را افزایش می‌دهد.

۳. به دانش‌آموزان یاد دهید که مطالب کتاب‌های درسی الزاماً و صد درصد صحیح و غیرقابل تغییر نیستند و هر عقیده یا نظریه‌ی جدیدی که بهتر از عقاید قبلی باشد می‌تواند جای آن را بگیرد:

بچه‌ها باید تشویق به پژوهش شوند و بفهمند که کتاب‌های درسی محدودیت دارند. بایستی ذهن آنها بازتر و فراتر از چارچوب کتاب و کلاس درس باشند. این فرهنگ نوآوری و آزاداندیشی، اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

۴. مشوق و تمجیدگر رفتارهای مثبت باشید.

فرهنگ کلاس درس و مدرسه دو مفهوم مهم و اساسی دارد:

۱. **مؤلفه‌های ذهنی:** شامل ارزش‌ها، باورها، ایده‌آل‌ها، آرمان‌ها، قواعد، مقررات و آیین‌نامه‌های رسمی و اداری.

۲. **مؤلفه‌های عینی:** مجموعه‌ی نشانه‌ها و نمادهای مادی و معنوی تشکیل‌دهنده‌ی فضای نمادین.

این مؤلفه‌ها در ذهن من و شماست. اگر در سطح جامعه بررسی کنید می‌بینید که همه اذعان می‌کنند که کمک به هم‌نوع یا صله‌ی رحم خیلی خوب است ولی در زندگی افراد باید نمودهای عینی این مؤلفه‌های ذهنی را از طریق نشانه‌ها، رفتارها، هنجارها و نمادهای عینی آن بررسی کرد.

فرهنگ تنها با مؤلفه‌های ذهنی معنا پیدا نمی‌کند و مؤلفه‌های عینی در صورتی عینیت پیدا می‌کنند که این مؤلفه‌های ذهنی وجود داشته باشند. حتماً باید افراد اعتقاد داشته باشند که کمک به هم‌نوع خوب است. آنها باید اعتقاد داشته باشند که از خودگذشتگی خوب است تا مؤلفه‌های عینی را نیز در زندگی خود پیاده کنند. وگرنه واژگان مثبتی در زندگی افراد وجود خواهد داشت که در زندگی و عملکرد آنها هیچ تأثیری ندارد.

اگر شما داخل مترو و اتوبوس ببینید که جوانان از صندلی خودشان بلند می‌شوند تا سالمندان به جای آنها بنشینند، این یعنی فضایی نمادین برای آشکار شدن احترام به بزرگترها در کشور وجود دارد.

فضای نمادین کلاس درس عناصر مختلفی دارد. مثلاً تخته سیاه و نشانه‌ی کلاس در تلقی سنتی کلاسیک آن است. اولین چیزی که کلاس درس را به خاطر می‌آورد تخته سیاه، میز و

نیمکت، گچ، یک فضای مکعب یا مکعب مستطیل شکل، خانم یا آقا معلم و تعدادی دانش‌آموز کودک یا نوجوان است. هر یک از اینها دربردارنده‌ی مجموعه‌ی بسیار وسیع معانی هستند که در تعامل با هم و ترکیب و تلفیق این مجموعه، چیزی را می‌سازند که ما به آن می‌گوییم «فرهنگ کلاس درس».

ابعاد ذهنی و عینی اینها قاعدتا تفکیک‌پذیر نیستند. منتها این ابعاد فضای نمادین و مادی فرهنگ کلاس درس هستند. آن چیزی که مهم‌تر از فضای نمادین مادی است، فضای نمادین معنوی در کلاس درس است. ماحصل رفتارها، اعتقادات، تعاملات و روابط انسان، فضای نمادین واقعی فرهنگ کلاس درس را آشکار می‌کنند.

هر کدام از این عناصر مادی مانند گچ و تخته، دارای مفروضاتی بنیادین در خانه، مدرسه و تاریخ هستند که احساسی نوستالژیک به افراد می‌دهد. وقتی در فیلمی گچ و تخته نشان داده می‌شود، همه‌ی اعضای خانواده به یاد مدرسه می‌افتند.

دو مؤلفه در فضای مادی نمادین نقش خیلی مهمی ایفا می‌کنند.

۱. اولین مؤلفه‌ی مهم **دانش‌آموز** است. دانش‌آموزی که وارد کلاس می‌شود یک جسم دارد و یک فضای روانی. دانش‌آموزی که به کلاس می‌آید فقط جسم نیست. او تاریخچه‌ای دارد از جنس فضای روانی. این فضا شامل احساسات و عواطف و نگرش‌هایی است که خانواده، جامعه، دوستان، مدرسه‌ی قبلی دانش‌آموز و کلاس‌های قبلی او، در او ایجاد کرده‌اند است و دانش‌آموز آنها را با خود به کلاس می‌آورد.

۲. دومین مؤلفه **ساختمان کلاس و اشیاء درون آن** است. در ضمن اشیایی در کلاس هستند مثل میز، نیمکت، تخته، گچ، اطلاعات، ساختمان، شکل آنها و... که این اشیاء و موادی که در کلاس هستند، به وسیله‌ی ساختمان شکل داده شده‌اند. این اشیاء نیز معانی و ارزش‌هایی را تولید می‌کنند.

این دو مؤلفه یعنی دانش‌آموز همراه با جنس و روان خود و ساختمان کلاس و اشیاء موجود در آن، مجموعه‌ی نمادهای کلاس را به ما نشان می‌دهند.

در مورد مقررات کلاس درس در جلسه‌ی اول صحبت کردیم و اینجا به صورت تخصصی‌تر وارد آن می‌شویم.

موضوع: مقررات کلاس درس

در جلسه‌ی اول گفتیم که بهتر است معلم در ابتدای سال تحصیلی مقرراتی را وضع کند و همه‌ی دانش‌آموزان در آن مشارکت داشته باشند. دانش‌آموزان باید بدانند که قوانین و مقررات می‌توانند بهبود پیدا کنند. می‌توانند اصلاح شوند و این طور نیست که قانون یا مقرراتی را به صورت مطلق و همیشگی داشته باشیم.

بعضی از قوانین و مقررات هستند که بعد از مدتی ملکه‌ی ذهن افراد می‌شود و همه آن را رعایت می‌کنند و شاید لزومی نداشته باشد که ما این قوانین و مقررات را مرتب تکرار کنیم. پس بنابراین این نکته مهم است که تنها زمان تعیین مقررات و قانون‌گذاری، ابتدای سال تحصیلی نیست. ابتدای سال قانون‌گذاری انجام می‌شود اما به مرور می‌توانیم به تناسب مسائل، مشکلات و رفتارهایی که اتفاق می‌افتد، قوانین و مقررات جدیدی را وضع کنیم. بنابراین قوانین می‌توانند دائماً تغییر کنند ولی تغییر بیش از حد آنها خاصیت قوانین را از بین می‌برد.

بعضی از قوانین قابل اجرا در کلاس درس:

۱. **موبایل خاموش:** خود معلم هم باید این قانون را در کلاس درس رعایت کند.
۲. **قطع نکردن سخن دیگران:** با این قانون هنر گوش‌دادن را به دانش‌آموزان خواهیم آموخت.
۳. **نحوه‌ی چینش شاگردان:** می‌توان دانش‌آموزان را به شیوه‌های مختلفی در کلاس درس چید. برای مثال چینش نیم‌دایره‌ای، دایره‌ای، نعل اسبی و چینش دانش‌آموزان به صورت نیم‌دایره باعث می‌شود که معلم به همه‌ی دانش‌آموزان اشراف داشته و تمامی حرکات آنها را مدنظر قرار دهد. همچنین باعث می‌شود که دانش‌آموزان خاطی نتوانند مخلاً نظم و آسایش سایرین گردند. نباید در کلاس درس به دانش‌آموزان حق جابجایی دل‌بخواه صندلی را داد و جابجایی با اجازه‌ی معلم باعث ایجاد نظم ویژه‌ای در کلاس درس می‌شود.
۴. **قانون عدم تأخیر و نداشتن غیبت:** لازم است که خود معلم هم این قانون را رعایت کند. برای مثال کشور ژاپن خیلی در زمینه‌ی نظم و انضباط در مدرسه فعالیت می‌کند.
۵. **امتحان و ارزشیابی:** در جلسه‌ی اول کلاس شیوه‌ی تدریس، شیوه‌ی امتحان گرفتن، نوع امتحان، چگونگی و زمان برگزاری امتحانات مستمر، هفتگی و ماهانه بودن ارزشیابی و ... را با دانش‌آموزان در میان بگذارید و آنچه در این زمینه لازم و ضروری است توضیح داده و مطمئن شوید که دانش‌آموزان این توضیحات را متوجه شده‌اند. سپس این روال‌ها را اجرا کنید و از آنها تخطی ننمایید. به خصوص در دوره‌ی دوم ابتدایی باید نحوه‌ی ارزشیابی

واضح به دانش‌آموزان توضیح داده شود تا آنها بدانند که چطور باید خودشان را برای امتحان آماده کنند.

۶. **قاطعیت داشتن:** معلم خوش‌رو، مسلط و دارای ارتباط منطقی و باز با دانش‌آموزان است ولی این نباید جدیت و قاطعیت معلم را زیر سؤال ببرد. تنظیم این نیز در دست معلم است. بعضی دانش‌آموزان به محض این که فضای بازی می‌بینند خط قرمزها را رد می‌کنند و معلم می‌تواند با رفتارهای خود این مسائل را کنترل و مدیریت کند.

جلسه هشت

جو کلاس درس

علاوه بر شناخت دانش‌ها و مهارت‌های مدیریت معلم باید آنها را در کلاس درس تجربه بکند. که در طول زمان در اثر تکرار و تمرین تبدیل به مهارت می‌شوند.

• **تفاوت جو کلاس درس با فرهنگ:** فرهنگ عمیق‌تر است. رفتارها و هنجارها تبدیل می‌شوند به ارزشها که به آن فرهنگ کلاس درس می‌گوییم.

جو کلاس درس مجموعه‌ای از رفتارهای فضای روانی حاکم بر کلاس درس هست.

با نگاهی به مدارس و توجه بیشتر به روش عمل آنها خواهید دید که با وجود تفاوت‌های بسیار اندک در ساختار و شکل مدارس و نیز یکسان بودن مواد و کتب درسی تفاوت‌های زیادی بین مدارس و سطح درسی و نتایج دانش‌آموزان آنها مشاهده می‌شود. پس با اندکی تامل می‌توان فهمید که عامل دیگر وجود دارد که موجب می‌شود سطح درسی حال هوای مدرسه و روابط بین فردی در این مراکز آموزشی متفاوت شود. در سالهای اخیر تحقیقات انجام شده است تاثیر برخی ابعاد غیر درسی را بر رشد جنبه‌های آموزشی و شخصیتی دانش‌آموزان اثبات کرده است. اموری همچون رابطه بین فردی دانش‌آموزان، رابطه میان آنها و معلمان و مدیران و وضعیت اقتصادی اجتماعی و بسیاری مسائل دیگر در تحصیل و موفقیت دانش‌آموزان بسیار موثر بوده است. بدون تردید مدیران و معلمان بیش از هر عامل دیگر در به وجود آوردن جو مناسب در مدرسه و کلاس موثرند و رشد همه جانبه شخصیت دانش‌آموزان وابسته به جو کلاس درس است.

محیط کلاس که با عبارتی نظیر فضای کلاس، فضای روانشناختی و یا محیط یادگیری نیز شناخته می‌شود تاثیر زیادی در موقعیت دانش‌آموزان دارد. زمانی که دانش‌آموزان ادراک و احساس مثبت به رضایت بخشی نسبت به محیط کلاس به ویژه معلم داشته باشند بهتر یاد

میگیرند. اصل کلیدی در محیط کلاس **ایجاد جو روانشناختی** برای یادگیری بهتر است. برای ایجاد جذب در کلاس لازم است به سه عامل زیر توجه کنید:

- روابط
- پیشرفت فردی
- حفظ نظام

روابط

- منظور از روابط میزان کمک و پشتیبانی اعضای کلاس از یکدیگر است.
- راهکارهای زیر برای ایجاد روابط مثبت در محیط کلاس درس ارائه می شود؛ محیطی امن ایجاد کنید تا یادگیرندگان بتوانند اعتماد کنند.
- درک احساسات دانش آموزان و اینکه چگونه انگیزه هایشان برای یادگیری افزایش یا کاهش می یابد.
- ایجاد محیط های یادگیری با تاکید بر احساسات مثبت و کاهش احساسات منفی تا حد امکان.
- درک اینکه دانش آموزان هر روز با احساسات و هیجانات متفاوت به مدرسه می آیند و این هیجانات برخی از آن ها را پریشان می کند.
- افزایش و تقویت احساس مثبت در فرایند یادگیری.
- ایجاد محیط هایی با ویژگی های پایداری و استمرار، ایمنی، گرمی و صمیمیت و همدلی پشتیبانکار جمعی، عدالت و آرامش.
- انتقال حس با ارزش بودن و اعتماد شخصی انتقال حس با ارزش بودن و اعتماد شخصی به همه دانش آموزان حتی در صورت داشتن مشکل در یادگیری.
- گسترش روابط اصیلی که در آن دانش آموزان پذیرش بدون شرط، غیر فریبکارانه، حمایت، احترام، رابطه صمیمانه و در صورت لزوم رحم و دلسوزی را احساس کنند.
- حمایت از دانش آموزان و ایجاد حس تعلق در آنها.
- اعطای نقشه هایی با ارزش به همه دانش آموزان در کلاس برای ایجاد وحدت میان آنان.
- استفاده از طنز در جای مناسب برای کاهش تنش و ایجاد محیطی دوست داشتنی برای یادگیری

پیشرفت فردی

منظور از پیشرفت فردی میزان رشد و ارتقاء دانش آموزان است. راهکارهای زیر برای کمک به این امر در محیط کلاس اجرا می شود. به دانش آموزان در تعیین اهداف کمک کنید.

• در تعیین اهداف می توان اقدامات زیر را انجام داد:

- به دانش آموزان کمک کنید و اهدافی را برای یادگیری و رفتار خود تعیین کنند.
- در مورد اهداف صحبت کنید چگونگی تناسب درس ها را با این اهداف بیان کنید و به دانش آموزان کمک کنید تا پیشرفت خود در جهت نیل به این اهداف را نشان دهند.
- بیشتر بر روی گسترش و درک مطالب تاکید داشته باشید تا نشان دادن برتری در توانایی و عملکرد.
- بهتر است اهداف کلی و مبهم را با تعریف اهداف فرعی به اهداف مشخصی تبدیل کنید.
- برای پایبندی به اهداف از بازخورد دادن پی در پی مستقیم و هدفمند استفاده کنید.
- به دانش آموزان کمک کنید که اهداف کوتاه مدت بلند مدت و مجموعه ای از اهداف را دنبال کنند.

• محیطی با انگیزه برای یادگیری فراهم کنید.

- راهبرد های زیر را می توان برای ایجاد انگیزه در نظر گرفت.
- به یاد داشته باشید که برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان محدودیت وجود دارد و در نهایت دانش آموزان باید مسئول یادگیری خود بشوند.
- در صورت بروز مشکلات شدید و مستمر در انگیزش با احتیاط کار را ادامه دهید
- تغییرات وسیع ممکن و دشوار هستند صبر در اینجا یک ارزش محسوب می شود.
- توجه کنید که اهداف احساسات و باورهای شخصی از درون فرد نشأت می گیرند و برای او اعتبار دارند و باید به عنوان یک واقعیت رو در روی ما مورد احترام قرار بگیرند بدون توجه به چگونگی انتظار ما از این واقعیات.
- با دانش آموزان کم انگیزه صبور و در عین حال محکم باشید.
- حداقل یکبار در هفته زمانی را صرف ارتباط یک با دانش آموزان کنید.

حفظ نظام کلاس

منظور از حفظ نظام کلاس، میزان نظم حاکم بر محیط کلاس، واضح بودن انتظارات معلم، حفظ کنترل و پذیرش تغییرات برای چنین نظامی است.

راهکارهای زیر ارائه می شود:

انتظارات بالا و در عین حال منطقی داشته باشید.

- باور کنید که تمام دانش آموزان می توانند یاد بگیرند به آنها بفهماند که می تواند به نتایج یادگیری لازم در برنامه درسی برسند.

- به طور پیوسته انتظارات خود را از دانش آموزان والدین آنها را افزایش دهید.

مقررات و مرزهای اصلی را به شکل واضح و روشن تعریف کنید.

- برخی دانش آموزان با نیازهای ویژه در درک و عمل به مقررات اجتماعی مشکل دارند. برخی از آنها بیشتر به تخلف از مقررات توجه دارند. معلم باید توجه زیادی به ایجاد مقررات اصلی داشته باشد.

مثلاً شما به عنوان معلم باید درک کنید؛

که مقررات و انتظارات و جریان های عادی کلاس نقش زیادی را در کیفیت محیط یادگیری دارد. مقررات و انتظارات را در حداقل لازم نگه دارید تا محیط یادگیری منظمی داشته باشید. مقررات را با جملات مثبت بیان کنید. مثلاً بگویید سر کنید آرام حرکت کنید به جای گفتن دویدن ممنوع است. اطمینان حاصل کنید که تمامی معلمان مدرسه موافق با مقررات هستند. برای دست یافتن به مقررات با دانش آموزان و معلمان مذاکره کنید و سعی کنید مسئولیت اجرای مقررات بر عهده معلم و دانش آموز باشد.

در کلاس موقعیت های مناسب اتخاذ کنید.

امروز دیگر در کلاسهای درس معلم در جلوی کلاس و دانش آموزان در چند ردیف می کرد در مقابل او نمی نشینند. در واقع با توسعه یادگیری مشارکتی یادگیری است معلم درکنار صرف زمانی برای دانش آموز کل کلاس زمانی را نیز در کلاس می چرخد و نظارت و کمک لازم را در فرایند یادگیری انجام می دهد. رعایت اصول زیر در جهت تعیین موقعیت مناسب در چرخد و نظارت و کمک لازم را در فرایند یادگیری انجام می دهد. رعایت اصول زیر در جهت تعیین موقعیت مناسب در کلاس به معلم کمک می کند؛

- در محل قرار بگیرید که همه چیز را به خوبی ببینید.
- هر چند وقت یک بار با دانش آموزان تماس چشمی داشته باشید و رفتار آنها را به طور منظم زیر نظر داشته باشید تا علائم اولیه هشدار دهنده رفتار نامناسب را ببینید.
- وارد قلمرو دانش آموزان، به جای قرار گرفتن در موقعیت شوید با چرخ زدن در کلاس می توانید مشکلات رفتاری را بهتر ببینید و رفتارهای مناسب را تقویت کنید.

جلسه نهم

فایل ۹

در فرایند کلاس و آموزش همواره دانش آموزان محل نظم کلاس نیستند. عواملی در کلاس درس ناشی از عملکرد معلمان است. در امر مدیریت کلاس درس گاهی اوقات نیاز است که معلم تغییر کند و اصلاح شود. **اصلاح گری معلم** یکی از ویژگی های پیشرفت معلم در امر آموزش است. معلم فکور چه فردی هست؟ معلمی که دائماً بر رفتار عملکرد و آموزش خود نظارت دارد، خود را ارزیابی می کند و نقاط قوت و ضعف خودش را مشخص می کند و برای پوشش نقاط ضعف خود تلاش می کند. معلمی فکور است. معلم باید وقت به وقت نسبت به خود احساس رشد کند. این زمانی مهیا می شود که معلم ببیند دارای اشکالاتی است و این اشکالات ناشی از عدم آگاهی و عدم تسلط است و باید این مشکلات را پیدا کند و به اصلاح آن پردازد. اگر اصلاح صورت نگیرد و تاریخ مصرف معلم در نظام آموزشی بسیار کوتاه مدت خواهد بود. رفتارها در کلاس درس:

- **باز خورد منفی. تشویق. تنبیه. خشم**
- **باز خورد منفی:** انتظارها بهانه جویی ها و حرفهای نیشدار معلم حس تنفر و انزجار را در دانش آموزان ایجاد می کند. و موجب کاهش پیشرفت و ضعف عملکرد و راندمان کلاس می شود. اگر دانش آموزی قدری بی نظم، اخلاکگر و کند است. معلم نمی تواند تغییری در رفتار او به وجود بیاورد. معمولاً زمانی که بچه ها در فهم درسی مشکل دارند و در رفتار و سهل انگار می شوند و از ادامه یادگیری سر باز می زنند. آنها از اینکه از معلم کمک بخواهند می ترسند زیرا احساس می کنند یا معلم آنها را توبیخ می کند یا انگشت نما و مسخره دیگر بچه می شوند. معلم می تواند با برقراری روابط صحیح و تذکرات مرتب به دانش آموزان رفتارهایی پیشه کند. که تفاهم و دوستی در کلاس برقرار سازد. زمانی که احترام و جایگاه واقعی معلمان در کلاس حفظ شود اعتماد به نفس خود پنداره و تصویر ذهنی بچه ها از خودشان تقویت بود.
- **خشم:** از استرس ها و اضطراب ها های حرفه ای معلمان اداره و کنترل کلاس و داشتن رابطه ای پویا و فعال با دانش آموزان است. در مواردی بعضی از دانش آموزان می توانند به تنهایی مشکلاتی برای آموزگاران شان به وجود آورند که حتی با تجربه ترین معلمان هم از کنترل و اداره آن ناتوانند. گاهی حضور یک دانش آموز خاطی و اخلاک گر می تواند تاثیر زیادی روی عملکرد آموزگار بر تک تک دانش آموزان گذارد. همان طور که نمی توانیم عکس العمل ها و رفتارهای معلمان را بدون در نظر گرفتن رفتار دانش آموزان تبیین کنیم. همانطور هم نمی توانیم رفتار دانش آموزان را بدون در نظر گرفتن رفتار معلمان درک کنیم. معلمانی که برای کنترل کلاس دست به تهدید و ارباب دانش آموزان می زنند. گاهی متوجه می شوند

بچه ها آنها را به عملی کردن این تهدیدها ترغیب می کنند تا بتوانند موقعیت شغلی آنها را به خطر اندازند. اساس آموزش محبت است. خشم ناشی از اعمالی است که معلم ارادی یا غیر ارادی باعث آن شده است.

- **تنبیه:** ارائه یک محرک ناخوشایند برای کاهش رفتار منفی است. رفتار مثبت و حذف رفتارهای منفی باعث به وجود آمدن هنجار می شود. این هنجارها تبدیل به ارزش و فرهنگ کلاس درس می شود. در کلاسی که نظم و مقررات حاکم باشد تنبیه و فرد دانش آموزان جایی نخواهد داشت. خشونت با دانش آموز هدف و فرآیند یادگیری را مختل می کند. ارزش ها و مفاهیم اخلاقی گوناگون مثل احترام، مسئولیت پذیری، رعایت حقوق دیگران را نمی توان به طور مستقیم به دانش آموزان آموخت، بلکه باید آنها را در **موقعیت های عینی** و **واقعی** به بچه ها یاد داد. تهدید و ارباب کودکان و نوجوانان نه تنها مانع از بدرفتاری آنها نمی شود، بلکه تنها زمینه برای منفی کاری ایجاد می کند. از طرف دیگر وقتی دانش آموزی به دلیل رفتار نامناسب با شدت عمل روبه رو می شود کمتر به رفتار خود و خطاهایش فکر می کند و بیشتر متوجه نحوه ی خشم و عصبانیت معلم می شود. معلم ابتدایی باید بسیار مهربان باشد و یک فضای تربیتی سالم داشته باشد. اگر دانش آموزی اشکالی داشت در مرحله رفتار باید آن را حذف کرد تا به مرحله ی هنجار نرسد.

- **تشویق:** تشویق به معنی ارائه یک محرک خوشایند برای افزایش رفتار مثبت است. تشویق باید به تلاش تعلق بگیرد نه به نمره. تلاش کردن یکی از ارزش هایی که در نظام آموزشی کشور ما باید تشویق شود. تشویق بد اثر تربیتی آن را از بین می برد. تشویق باید بلافاصله بعد از عمل انجام گیرد. تشویق باید تایید کننده عمل دانش آموز باشد نه وجود و شخصیت او زیرا کودک یا نوجوان فکر می کند اگر آن خصوصیت و ویژگی را نداشته باشد دیگر مورد ارزش و احترام نیست. **برای مثال** زمانی که دانش آموز از درس نمره عالی و خوبی می گیرد اگر او را به دلیل نمره تشویق کنند، فکر خواهد کرد اگر بار دوم نمره پایینی بگیرد دیگر مورد لطف و تمجید کسی قرار نخواهد گرفت. در حالی که اگر او را برای تلاش و کوششی که به خرج داده است مورد تشویق قرار دهند، سعی می کند با تلاشی بیشتر بار دیگر هم نمره رضایت بخشی بگیرد. در حقیقت تشویق که شخصیت او را ارزیابی می کند، احساس امنیت آرامش و انگیزش بیشتری در او ایجاد می کند.

رفتارهای شایسته و مطلوب دانش آموزان را همواره مد نظر داشته باشید چراکه رفتارهای آینده آنان را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. در بعضی شرایط شناخت رفتارهای خوب و پسندیده دانش آموزان موجب کاهش رفتارهای نامطلوب و نامناسب آنها می شود و هر اندازه که نکات مثبت

و ارزشمند اخلاقی آموزشی دانش آموزان بیشتر مد نظر قرار گیرد به همان اندازه نیز انگیزه تلاش و پیشرفت در آنها پایدارتر خواهد ماند.

- مهمترین نکات اخلاقی دانش آموز و **مسئولیت پذیری** و **پاسخگویی** آن هاست. مدیر آموزگار ها دارای ارزش های وسیع تری دارند. و باید ارزش هایی را در طول سال مشخص کنند و در آخر سال ارزیابی کنند که آیا توانستند آن ارزش ها را نهادینه کنند یا خیر. یکسری رفتارها پیامدهای رفتار معلم در کلاس درس است. **نقش الگویی معلم** بسیار مهم است. معلمی شغل بسیار سختی است. حرفه ای است که نیازمند انسان سازی است. کار معلم کار خود سازی است تا بتواند انسان ها را بسازد. تا زمانی که هنجارهای منفی خود را اصلاح نکند نمی تواند اثربخش باشد. انبیا و معصومین پاک بودند و آنقدر خود ساخته بودند که اشتباهی از آنها سر نمی زده است. معلمی فضای پاک است خود اصلاح گری معلمان باعث موفقیت آنها خواهد شد.

جلسه ده

با عرض سلام و ادب و احترام مجدد خدمت شما مهارت آموزان و دانشجویان گرانقدر. امیدوارم که از مطالبی که تا این جلسه خدمت شما ارائه شده نهایت استفاده را برده باشید. من قبل از شروع درس جدید به نکاتی را خدمت شما عزیزان باید عرض بکنم و این هستش که خواهشاً موضوعاتی که تدریس میشه را با آنچه که از قبل آموختید به همدیگه مرتبط کنیم و حتی میتونید مثال هایی از دوران تحصیل خودتون رو با این موارد و درس هایی که خدمت شما عرض کردیم نسبت بدید و انشالله که بتونید اون یادگیری معنی داری که در جلسات قبلی خیلی تاکید کردیم برای شما اتفاق بیفته.

امروز میخوایم کلاس درس را به عنوان **یک سیستم اجتماعی** و **یک سیستم** مورد بررسی قرار بدهیم و از منظر رویکرد سیستمی بینیم مدیریت کلاس درس چگونه خواهد بود. قبل از اینکه به عنوان یک سیستم را مطرح کنیم بهتره که تعریفی از سیستم با همدیگه مرور می کنیم تا به یک اشتراک مفهومی در این زمینه دست پیدا کنیم.

سیستم رو میگن مجموعه از عناصر و اجزای که با همدیگر ارتباط متقابل یا متعامل دارند و برای دستیابی به اهدافی که این عناصر و عوامل با همدیگه تعامل می کنند که به این اهداف تحقق پیدا کنند، هر سیستم یکسری وظایف و کارکردهای مشخص دارند

جهان هستی پر است از سیستم‌های در واقع زنده و غیرزنده. در محیط کلاس درس نگاه کنید سیستم‌های زنده و غیرزنده زیادی وجود دارد، ساعت کلاس درس و عارضه خدمت شما که یک مداد تراش رومیزی یا موارد متعددی که در کلاس درس وجود دارد.

اما پیچیده ترین سیستم در روی کره زمین انسان، انسان به لحاظ اینکه موجودی متفکر و موجودی منطقی است. انسان حیوان ناطق نام گرفته، دانشمندان آمدن تخمین زدند که اگر بخوانند یک سیستمی مثل انسان بسازند فقط مغز انسان به اندازه ۳ کره زمین جا لازم دارد، فقط مغز انسان به اندازه است که کره زمین برای یک انسان نیاز هست که ما در واقع فضا در اختیار داشته باشیم با اون پیچیدگی‌هایی که در داخل این وجود دارد. در جلسه قبل هم عنوان کردم خدمت شما دانش آموزان به تعداد دانش آموزانی که در کلاس شما وجود دارد، ما با دنیای متفاوت روبرو هستیم. ۲۰ دانش آموز با دنیای متفاوت. پس بنابراین کلاس درس و دانش آموزان پیچیده ترین موجوداتی هستند که ما با آنها روبرو هستیم.

اگر آنها را درست بشناسیم اگر درست آنها را تحلیل کنیم می‌توانیم مدیریت خوبی روی رفتار و عملکرد آنها داشته باشیم و اهداف و منظورهایی که این کلاس برای اون ساماندهی شده دست پیدا کنیم.

بر اساس این تعریف همانطور که در اسلاید مشاهده می‌کنید ما یک سری ویژگی‌ها یا در واقع خصایص برای سیستم بر می‌شماریم. بر اساس اون تعریف که خدمت شما گفتم یکبار دیگه تعریف مرور کنیم: سیستم عبارت است از مجموعه‌ای از عناصر که با ارتباط متقابل یعنی متعاملانه هیئت مجموعه یا منظومه واحدی در راستای تحقق اهداف، کارکردهای مشخص تشکیل شدند و این عناصر در خدمت دستیابی به اون هدف‌ها هستند. بر اساس این تعریف این سیستم به سری ویژگی‌ها دارد:

۱. اولاً سیستم یک کلیته. کلیت یعنی اینکه از یک جزء تشکیل نشده، مجموعه‌ای از اجزا در کنار هم قرار گرفته‌اند مجموعه از عناصر در کنار هم قرار گرفتند که اگر کلاس دست و از منظر ویژگی کلیتی مد نظر قرار بدیم و تحلیل بکنیم از معلم، دانش آموز کتاب درسی میز و نیمکت نور کتابخانه و عوامل و عناصر دیگه که در کلاس وجود دارند تشکیل شده.

این از یک منظر اگر بخواهیم از منظر فراسیستم نگاه کنیم این کلاس در یک سیستم محیطی بالاتر قرار می‌گیریم در سطح مدرسه در کنار کلاس‌های دیگر با فرهنگ مدرسه با جو مدرسه اینها در واقع با هم دیگر یک مجموعه را تشکیل می‌دهند که ما بهش می‌گوییم

سیستم.

۲. دومین ویژگی سیستم **ارتباط متقابل تمامی عناصر و مجموعه ها با هم**، کتاب درسی روی دانش‌آموزان اثر میگذرد دانش‌آموزان روی کتاب درسی، معلم روی کتاب درسی، روی معلم، دانش‌آموز روی معلم تاثیر میگذارد معلم روی دانش‌آموز و همه اینها در یک مجموعه و منظومه اثرات متقابل روی هم دارند.

به همین خاطر چو عضوی به درد آورد روزگار در این کلاس درس دگر عضوها را نماند قرار. یعنی تمامی عناصر و اعضای یک سیستم باید به درستی کار خود را انجام بدن. اگر معلم کار خودش را درست انجام بده دانش‌آموز کار خودش را درست انجام بده اما برنامه درسی کتاب‌های درسی منطبق با نیازها و هم راستا و همسو با سن و جنسیت دانش‌آموزان نباشد اشکالی به وجود می‌آید.

به اون اهداف خیلی سخت میشه دست پیدا کرد. بنابراین **ارتباط متقابل و متعاملانه** باعث میشه که اگر یکی جزئی از یک سیستم درست کار نکنه بقیه اجزا کار خودشون رو به درستی نمیتونن انجام بدهند. فرض کنید توی کلاس همه چیز در واقع خوبه مشکلی نداره فقط صدای زیادی از بیرون وارد کلاس میشه. این یک عامل اختلالگر در نظم کلاس هست یک عامل اختلالگر در نظم.

۳. ویژگی بعدی سیستم، **هدفمندی سیستم** هست. سیستم حتما و حتما باید هدف داشته باشه.

هدف‌ها در نظام‌ها آموزشی به چند دسته تقسیم میشن:

a. یک: هدف‌های **غایی** و **آرمانی** داریم. یکی از اهداف غایی اینکه ما انسان‌های خلاق **بار** بیاریم، انسانهای نوآور با بیاریم، انسانهای صالح این یک هدف کلی هست یا به قول سند تحول بنیادین حیات طیبه، این یک هدف غایی و آرمانی هست.

b. اما به سطح بیایم پایین‌تر، **اهداف دوره‌های تحصیلی** داریم. خوب این حیات طیبه در دوره ابتدایی چگونه محقق بشود.

c. به سطح پایین‌تر و خردش می‌کنم. بعد میاد **اهداف آموزشی** برای درس ریاضی این حیات طیبه کجای درس ریاضی قرار داره و چه مقداریش به درس ریاضی برمیگرده چه اهدافی به بخوانیم بنویسیم چه اهدافیش به هدیه‌های آسمانی مربوطه و...

d. سطح پایین‌تر اهداف درس کتاب ریاضی اول کتاب ریاضی دوم کتاب ریاضی سوم تا پایه ششم هر کدام از اینها به بخش کوچکتري از اون حیات طیبه رو در واقع پوشش می‌دهند و بعد اهداف هر درس از یک پایه چگونه خواهد بود.

بنابراین ما می‌بینیم که هدفمندی به معنای این هستش که ما برای یک کلاس درسی برای یک موضوع آموزشی قطعاً و لابد باید هدف داشته باشه. اصلاً سیستم بدون هدف معنایی نداره. جز لاینفک سیستم هست که ما هدف داشته باشیم. اهداف خدمت شما گفتیم. ساختارمندی چگونگی قرار گرفتن این عناصر و مجموعه کنارهم نوع تعاملاتشون وظایفشون با همدیگه چه نسبتی داره. ابتدا باید کجا کار بکنه بعد کجا. ابتدا باید چه کاری صورت بگیره بعد انتظار چه کار دیگه ای داشته باشیم. اینها رو در قالب ساختارمندی سیستم ما میشناسیم، وظیفه معلم وظیفه دانش آموز وظیفه کتاب درسی نحوه تعامل اینها همه و همه در ساختارمندی مد نظر قرار میگیره.

d. نکته بعدی **کاربردی بودن سیستم** است. حتماً و حتماً باید یکسری کارکردها و نتایج داشته باشه. کارکرد یک کلاس چیه؟ کارکرد یک کلاس می‌تواند کارکرد فردی باشه، کارکرد جمعی باشه، روی دانش آموز، روی گروه دانش آموزان، روی مجموعه خارج از کلاس درس است پس بنابراین وقتی بحث از سیستم می‌کنیم یعنی اون ارتباط متقابل بین عناصر و اجزاء و ما در نظر داشته باشیم.

هدفمندی رو در نظر داشته باشیم و همه اینها را تحت یک کلیت کار می‌کنن، ساختار مندن و کارکردی هستند.

خب بریم سراغ اجزای یک سیستم در مدیریت کلاس درس:

- از منظر سیستمی مدیریت کلاس درس شامل دامنه گسترده‌ای از فرایندها و تعاملات کلاسی است. که علاوه بر آموزش که آموزش هست و محوره، اما کلیه تعاملات فراگیران با معلم، با یکدیگر، با محیط اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی کلاس و فعالیت‌های نظارتی معلمان به عنوان **درونداد** می‌باشد و به رفتارهای فراگیران به عنوان **برونداد** جهت می‌دهد. همون قصه ابر و مه و خورشید و فلک که دست در دست هم می‌دهند. این دست در دست هم دادن تا درون داده و رفتارهای فراگیر برای ما یک برونداد حساب میشه. اینکه دانش آموز بعد از کلاس بیاد کتابش رو پاره کنه برونداد کلاس ماست. یا کتابش رو بخواد نگه داره، این هم یک برونداد رفتاریه. پس از منظر سیستمی کلاس ما یکسری درونداد و یکسری برونداد داره. در اسلاید بعد می‌بینیم سیستم حتماً سه بخش **ورودی پردازش و خروجی** دارد. سیستم حتماً این سه جز اساسی را دارد. ورودی کلاس ما دانش آموزان، معلم، کتاب درسی، تجهیزات، و قوانین و مقررات هستند. طی تعاملاتی که اتفاق می‌افته یکسری پردازش صورت می‌گیرد. مهمترین پردازش در نظام تعلیم و تربیت **فرایند یاددهی و یادگیری** است. فرایند یاددهی یادگیری هسته اصلی آموزش و پرورش است. پردازش‌ها شامل فرایند یاددهی یادگیری تعاملات و ارتباطات و

ارزشیابی است. هرچقدر پردازش‌ها بهتر انجام بشن خروجی‌ها می‌تونن بهتر باشن. تغییرات رفتاری، رضایت خانواده، رضایت مدرسه، رضایت جامعه، اشتغال، و کاهش آسیب‌های اجتماعی همه اینا خروجی‌های کلاس ما هستند. در راستای تضمین کیفیت سیستم کلاس درس ورودی و پردازش ما باید تماماً کیفی شوند. باید سعی کنیم ورودی و پردازش کلاس ما با کیفیت باشه خود مدیریت کلاس درس یه نوع پردازش است.

ما یه بحثی داریم در مدیریت کلاس به اسم **نقص صفر**، یعنی اگر ورودی و پردازش کلاس شما خوب باشه حتماً خروجی محقق خواهد شد. البته این یک حالت رویا پردازان است و معمولاً در سیستم‌های صنعتی و تولیدی اینها رو داریم. اما میتونیم با مدیریت در کلاس هم بتونیم به نقص صفر نزدیک بشیم.

خوب در اینجا به اثر بخشی سیستم مدیریت کلاس درس توجه کنیم. **اثر بخشی مدیریت کلاس درس از منظر عملکرد در سه سطح قرار میگیره.**

- **سطح بیرونی،**
- **سطح درونی،**
- **و سطح نهادی.**
- **اثر بخشی بیرونی** یعنی چی؟ فرایندهای یاددهی یادگیری ارتباط بین یاددهنده و یادگیرنده و به طور کلی الگوهای رفتاری اجتماعی در کلاس درس به گونه‌ای سازماندهی و هدایت شود که منجر به تغییر رفتار فراگیران در نتیجه تحقق یادگیری مناسب در کلاس درس شود و آنها را در جهت پاسخگویی به نیازها و اقتضائات محیطی که در آن زندگی می‌کنند توانمند سازد. اثر بخشی بیرونی بیشتر به بیرون مدرسه توجه داره یعنی به جامعه. پس اثر بخشی بیرونی باید منجر به تغییر رفتار بشه و تغییر رفتار در نتیجه تحقق یادگیری مناسب و مطلوب اتفاق می‌افته برای پاسخگویی به اقتضائات و نیازهای محیطی.
- **نوع دوم اثر بخشی درونی** است. زمانی اثر بخش بیرونی اتفاق می‌افته که اثر بخشی درون اتفاق افتاده باشه. اثر بخشی درونی شرط لازم برای اثر بخشی بیرونی است. اثر بخشی درونی می‌گه که کلاس درس باید به گونه‌ای هماهنگ اداره شود که منجر به ایجاد تناسب و انسجام درونی بین اجزا و عناصر مختلف آن در راستای تحقق کیفیت مورد نظر و اهداف تعریف شده برای جریان یاددهی یادگیری در کلاس باشد.
- سومین نوع اثر بخشی، **اثر بخشی نهادی** است. اگر مدیریت کلاس درس از اثر بخشی درونی و بیرونی برخوردار باشد زمینه تحقق بعد سوم اثر بخشی یعنی اثر بخشی نهادی فراهم

می‌شود. اثر بخشی نهادی اسم دیگر اثر بخشی موسسه ای است. اثر بخشی نهادهای مربوط به موسسه ای هست که مدرسه را تاسیس کرده.

چند نوع رویکرد به مدیریت کلاس درس داریم

- **رویکرد سیستم عقلانی به مدیریت کلاس درس:** این رویکرد به تحقق اهداف از پیش تعیین شده تاکید دارد. فراگیران در سیستم عقلانی اصلی ترین درونداد هستند و مطابق با برنامه یکسانی پردازش می شوند. تاکید این رویکرد بر عقلانیت، تقسیم کار، رسمیت، تاکید زیاد به اهداف از قبل تعیین شده، تفکیک حوزه ها و موضوعات درسی، استانداردسازی و نظارت می باشد.
- **رویکرد سیستم طبیعی به مدیریت کلاس درس:** کلاس درس فراتر از این که ابزار تحقق اهداف تعیین شود یک گروه اجتماعی است که جهت سازگاری و بقا در شرایط خاص خود تلاش می کند. کلاس درس بنا به ماهیت قالب انسانی و اجتماعی به صورت گروه یا گروه های اجتماعی تدوین و تشکیل می یابد و در آن قالب رفتار می کند. افراد به عنوان یک پدیده سازمانی در چنین رویکردی مهمترین رکن محسوب می شوند که با خود، موضوعات و عقاید و انتظارات متفاوتی را به همراه می آورند. در این رویکرد سازمان غیر رسمی به صورت خودجوش و موقعیتی در نتیجه معاشرت بین افراد شکل می گیرد. برنامه در این دیدگاه ارزش کارکردی ندارد. از منظر این دیدگاه، تدریس موفق فعالیتی است متناسب با ویژگی های فراگیران و جنبه عمومی حاکم بر کلاس درس، تشخیص جو کلاس و توانایی یادگیرندگان است. اثر بخشی سیستم در این رویکرد از نوع اثر بخشی درونی یعنی تحقق مطلوبیت ها متناسب با ویژگی فراگیران و شرایط کلاس است.
- **رویکرد سیستم باز:** مدرسه جزئی از فراسیستم یا محیط است و از آن تأثیر می پذیرد و به آن وابسته است. مدرسه در تعامل با محیط و از طریق بازخورد اطلاعاتی قادر به اصلاح خود است. سیستم باز سیستم پویا و فعال و متحول است که هم دارای ابعاد برنامه ریزی نشده و نوپدید و هم ویژگی های غیرعقلانی و غیر ساختاری است. از این منظر سیستم های باز بیشتر به رویکردهای جدید تاکید دارند. استراتژی تدریس جایگزین استراتژی طرح درس می شود. در این رویکرد مدیریت تغییر در کلاس درس مطرحه. اثر بخشی یک سیستم باز از نوع بیرونی است و تا حدودی اثر بخش نهادی را نیز به دنبال دارد.

امروز راجع به بحث **انضباط در کلاس** درس می خواهیم مطالبی با هم مرور کنیم و یاد بگیریم انضباط در کلاس درس خودش به ذات یک هدف نیست اما وسیله ای است برای دستیابی به اهداف. در واقع انضباط در کلاس درس بسترساز یک محیط آرام برای دستیابی به اهداف آموزشی و اجرای آموزش هست. ضمن تعریف انضباط ما رهنمودهایی را در انتهای این ویدئو خدمت شما عرض می کنیم و شما سعی کنید آنها را در کلاس درس به کار ببرید. رهنمودها و رهنمون ها در زمینه انضباط زیاد و فراوان است

اما به تجربه شما در می یابید که خود شما یک سری رهنمودها و پیشنهادهای برای بحث انضباط در کلاس درس انشالله ارائه خواهید کرد.

• **انضباط در کلاس درس:** در فرهنگ فارسی معین، انضباط یعنی سامان گرفتن، خوب نگاه داشته شدن، آراستگی، نظم داشتن، نظم و ترتیب و پیروی کامل از دستورهای نظامی

• **تعریف انضباط:** نوعی عمل تربیت و یادگیری که به رشد و تکامل فرد کمک می کند. انضباط به معنی صحیح یعنی اینکه فرد شخصاً اعمال و رفتار خود را تحت نظم و قاعده درآورده خویشتن را کنترل و هدایت کند و با توجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام کند.

انضباط چه معنایی دارد به چه معناست اگر از نظر لغوی و اصطلاحی در واقع بخواهیم انضباط را تعریف کنیم با مراجعه به فرهنگ فارسی معین درک میکنیم و می فهمیم که انضباط به یکسری معانی مختلف آن جا آمده که بعضی از آنها به بحث انضباط در کلاس درس نزدیک تر است مثلاً انضباط به معنی سامان گرفتن هست، یعنی **خروج از بی نظمی** است. یعنی نظم به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود می باشد. این معنی از انضباط با مدیریت کلاس درس خیلی عجیب است و ما به این معنی خواهیم رسید. دوم این معنی که در فرهنگ معین برای انضباط در نظر گرفته شده **خوب نگاه داشته شدن یا مراقبت کردن** است، مواظبت کردن از میز، صندلی، دیوارها امکانات کلاس، مدرسه و هر آنچه که در کلاس و مدرسه متعلق به مدرسه هست انضباط به معنای آراستگی، نظم داشتن، آراستگی معلم، آراستگی کلاس، آراستگی دانش آموز خوب نگاه داشتن کتاب های درسی، مراقبت از دفتر، مراقبت از وسایل شخصی اینها انضباط است. نظم داشتن در رفت و آمدها در انجام تکالیف و پیروی کردن از دستورهای نظامی در فرهنگ فارسی معین آمده است. منتها اینجا نظام نیست پیروی کامل از دستورهای آموزشی است. یکی از منضبط ترین نظام های آموزشی مدارس ابتدایی در کشور ژاپن است. جالب است که بچه ها در آن کشور غذا (صبحانه و ناهار) می خورند و خود بچه ها غذا درست میکنند و هیچ آشپزی در

آنجا وجود ندارد بسیار منظم و مرتب از دستوره‌های آموزشی پیروی می کنند تیم یک فرهنگ مدرسه در مدارس ژاپن است و چه خوب است که ما برای این موارد برنامه ریزی بکنیم .

اگر از لحاظ تعریف بخواهیم انضباط را **تعریف علمی** کنیم نوعی **عمل تربیتی و یادگیرانه** هست . دوستان انضباط اکتسابی هست و قابل تدریس و قابل آموزش است که به رشد و تکامل فرد کمک میکند . افراد منظم افراد خود ساخته هستند . به این جمله آخر توجه بفرمایید : انضباط به معنی صحیح یعنی اینکه فرد شخصاً اعمال و رفتار خود را تحت نظم و قاعده درآورد . خویشتن را کنترل و هدایت کند و با توجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام کند . خوب دقت فرمایید ما دو نوع انضباط داریم : انضباط درونی و بیرونی . انضباط بیرونی یعنی اینکه وحید خواستی صحبت کنی دستت را بالا بگیر بعد اجازه داری شما حرف بزنی . از بیرون دارم رفتار وحید را کنترل می کنم . اما اگر خود وحید خواست صحبت بکند دستش را بالا گرفت معلم اجازه داد صحبت کند حالا صحبت کند . این می شود انضباط درونی ما از هر دو تا شیوه در مدرسه استفاده می کنیم منتها از **انضباط بیرونی** برای شکل دادن به رفتار انجام می شود یعنی در مراحل اولیه تربیت و یادگیری هست انضباط درونی در مراحل بعدی اتفاق می افتد ما باید سعی کنیم از انضباط بیرونی به انضباط درونی برویم .

مهمترین هدف آموزش و پرورش باید **تکیه دانش آموزان بر خودشان باشد** . در آموزش و پرورش یک واژه به اسم self داریم یعنی خود ، خویشتن (من عرف نفسه فق فقد عرف ربه) یعنی **اول خودت را بشناس** و بر خودت مسلط شو بعد خدا را خواهی شناخت . ما متاسفانه این ها را در فرایندهای آموزشی و پرورشی مان دنبال نکردیم . اینها را تبدیل به نظریه و مدل و رهنمود نکردیم یک آقای به نام مارش از سال ۱۹۹۸ به بعد راجع به بحث سلف دارد کار میکند . شما مقالاتش را بخوانید انواع و اقسام سلف ها خود مدیریتی ، خود انگیزشی ، خود ارزیابی ، خودکنترلی ، خودتنظیمی و غیره همه اینها را تحت برنامه های تحقیقاتی قرار داده و مدل‌های متفاوت و متعددی را برای بحث تمرکز و تاکید و تکیه بر خود در واقع مطرح کرده است . و سرلوحه کار آموزشگران و معلمان قرار گرفته است . مهم ترین واژه در تعلیم و تربیت همین است که دانش آموز خودکار شود ، سلف بشه ، سلف کنترل شود شود(ص ۳) (هدف تربیت این است که دانش آموز خودش و ما به او نگوئیم فلان کار را انجام بده این معنی از انضباط در واقع پیشرفته ترین انضباط است (تکیه بر خود) دانش آموز نباید دائم امر و نهی شودر . باید کاری کنیم و طوری او را هدایت کنیم که خودش در واقع انضباط را به دست آورد . افراد منضبط افرادی هستند که زندگی مرتب و منظمی دارند وقتی این دانش آموزان به خانه بر می گردند نیازی نیست که به آنها

بگوییم وسایلت را کجا بگذارد، و خودشان اتوماتیک وار اینها را می دانند و وظیفه شناس و درستکار هستند و انضباط فردی و جمعی دارند.

تعریف انضباط: افراد منضبط کسانی هستند که زندگی مرتب و منظمی دارند و وظیفه شناس و درستکار هستند و انضباط فردی دارند . برقراری انضباط پایدار در میان دانش آموزان از دغدغه های مهم تمامی معلمان و والدین است . سوال مهم : چگونه می توان در میان بچه ها نظم و انضباط مطلوب برقرار کرد ؟ ما یک هدف در مدرسه به نام **برقراری انضباط پایدار** داریم . **انضباط پایداری** یعنی اینکه روتین این ها این کارها اتفاق بیفتد . دائمی می ناظر نگذاریم که این اتفاق بیفتد این کار را انجام بدهد و این کار را انجام ندهد. انضباط پایدار انضباطی هست که در طول زمان به علت آن مداخلات درست و منطقی که معلمین و دست اندرکاران آموزش و پرورش انجام دادند رخ می دهد و به طور مداوم و مستمر ما شاهد یک انضباط مداوم همیشگی ، و مطلوب در مدرسه هستیم . وقتی وارد مدرسه می شویم نظم از سر و روی این مدرسه می بارد از سر و روی این کلاس می بارد و این نظم توسط خود دانش آموزان و مدیریت معلم اتفاق افتاده است . خوب این انضباط پایدار یک جنبه دیگری هم دارد انضباط در درون مدرسه و انضباط در بیرون مدرسه گاهاً می بینیم که دانش آموزان در درون مدرسه عارضه خدمت شما که انضباط دارند ، نظم دارند ولی وقتی در بیرون از مدرسه و محیط منزل می آیند می بینیم که انضباط کنار رفت یا به حداقل رسید . دلیلش چیست؟ دلیل این هست که اون انضباطی که در مدرسه اتفاق می افتد دو تا دلیل دارد یا از روی اجبار این اتفاق افتاده که این نوع انضباط انضباط خوبی نیست و به انضباط پایدار منجر نمی شود یا اینقدر جو مدرسه خوب و صمیمی که دانش آموز ترجیح میدهد که تمام انرژی خودش را برای انضباط در مدرسه صرف کند نه جای دیگر که اینها هر کدام مداخلات خاص خودش را دارد . اما سوال مهمی در واقع در اینجا پیش می آید که چگونه میتوانیم در بین بچه ها نظم و انضباط مطلوبی برقرار کنیم ؟ با چه روشهایی که من در جلسه آخر راجع به اینها و مداخلات یک توضیحات کلی را خدمت شما خواهم داد :

نخستین شرط برای ایجاد انضباط در کودکان و زندگی راحت تر برای والدین **فراهم آوردن محیطی مناسب برای تخلیه انرژی نهفته** در بدن کودک است که این مورد از طرف بسیاری از والدین و اولیای مدارس نادیده گرفته می شود . بهترین وسیله برای پرورش روح انضباطی رفتار خارجی پدران و مادران است . عامل به عمل بودن معلم نیز از جمله ابزارها برای پرورش روح انضباطی در دانش آموزان است . اولین شرط برای ایجاد انضباط در پاسخ سوال قبلی که خدمت شما گفتم فراهم آوردن محیط مناسب برای تخلیه انرژی بچه ها است دانش آموزان بیش از نیازشان انرژی دریافت میکنند و کمتر آن را در واقع صرف می کنند .

یک انرژی ده هفته به قول امروزی ها یک بمب انرژی اند . این بمب انرژی اگر در مسیر درست خودش تخلیه نشود عواقب بسیار بدی را برای نظام آموزشی دارد از جمله انحرافات رفتاری از جمله بر هم زدن نظم کلاسی و انضباط کلاسی ، از جمله رفتارهای پرخاشگرانه ، از جمله رفتارهای درواقع نامطلوب در محیط مدرسه . پس پس بنابراین محیط مدرسه و محیط کلاس درس مکانی برای تخلیه انرژی بچه ها باید باشد چگونه این انرژی باید تخلیه بشود ؟ به نظر شما چه مسیرهایی برای این کار وجود دارد ؟ چگونه می توانیم این بمب انرژی را خنثی کنیم ؟ روش های متعددی برای این کار وجود دارد تخلیه این بمب انرژی و تخلیه انرژی در بچه ها فقط کار معلم تربیت بدنی نیست . تربیت بدنی در هفته دو و سه یا چهار ساعت اتفاق می افتد و این پاسخگوی این خنثی کردن بمب نیست . اون در جای خودش برای این که رشد جسمی بچه ها و رشد هیجانی بچه ها با همدیگر با رشد شناختی بچه ها هماهنگ باشد . اما این کافی نیست یکی از مهمترین روشهای تخلیه انرژی بچه ها **استفاده از روش های فعال تدریس** می باشد . گوش کردن بچه ها اگر در واقع ۱۰۰٪ انرژی را مد نظر قرار بدهیم این ها فقط در گوش دادن ۲۵ درصد انرژی شان تخلیه می شود در حرف زدن بچه ها ۴۰ درصد انرژی تخلیه می شود یعنی خودش شروع به صحبت کردن میکنند . فعالیت کردن بچه ها تا ۸۰ درصد انرژی آنها تخلیه می شود. پس ببینید ما در بحث مدیریت کلاس شما عرض کردیم روشها و فنون تدریس یکی از در واقع روشهای مدیریت کلاس درس بود . اینجوری از این طریق در واقع اثرگذاری خودش را می گذارد و اثر گذار می شود . پس دوستان یکی از مهمترین یا نخستین شرط برای بحث انضباط این است که بچه ها از لحاظ روانی جسمی و و هیجانی تخلیه شوند . این تخلیه انرژی حتی در واقع به آرام بودن بچه ها در محیط خانواده هم کمک می کند . آرامش نه به معنای اینکه بچه یک گوشه بنشیند و هیچ حرفی نزند ما بعضی موقع ها می بینیم که دانش آموزان از مدرسه به سمت خانه می آیند در خانه فعالیت و جنب و جوش خیلی زیادی دارند و این نشان میدهد که در مدرسه تخلیه انرژی صورت نگرفته است و نکته دیگر اینکه بهترین وسیله برای پرورش روح انضباطی شروع از خانواده هاست . رفتار برون دادی پدر و مادر درین این موضوع خیلی تاثیر می گذارد چون بچه ها وقتی وارد مدرسه می شدند در سن شش و هفت سالگی هستند. سن شش و هفت سالگی یعنی بچه ها ۶ یا ۷ سال از قبل یک در یک محیطی زندگی کردند اینکه چه اتفاقی در این محیط افتاده خیلی مهم هست . اینکه چه اتفاقی در این محیط اتفاق افتاده میتواند حجم کار معلم را برای برقراری انضباط کمتر یا بیشتر کند . دانش آموزی که در محیط منزل خوددکار است فعال هست و

کار میکند و در واقع سلف کنترل هست سلف منیجر هست این وارد مدرسه هم بشود همین را ادامه می دهد. معلم انرژی کمتری برای این صرف می کند. اما دوستان شما می دانید که خیلی از خانواده های ما با این مفاهیم آشنایی ندارند اصلاً بحث آموزش خانواده متأسفانه یک حوزه مغفول در نظام آموزش و پرورش هست. تا حالا به دلایل مالی و انسانی زمانی و همه این ها اتفاق نمی افتد ما علاوه بر آموزش دانش آموزان وظیفه آموزش خانواده ها را هم به عهده داریم. باید این کار و این همسویی و همراستایی اتفاق بیفتد و اگر اتفاق نیفتد جلسه اول هم گفتم پارادوکس هایی پیش می آید که این پارادوکس ها آثار تربیتی را نه تنها خنثی میکند بلکه آنها را دچار اغراق می کند. یکی دیگر از ابزار و وسایلی که ما میتوانیم انضباط را فراهم کنیم عامل و عمل بودن معلم هست. در بحث ویژگی های شخصیتی عرض کردم بحث یکپارچگی یعنی معلم آنچه که می گوید با آنچه که در واقع عمل می کند برابر باشد و انطباق داشته باشد اگر معلم می گوید صادق باشید راستگو باشید نباید خودش دروغ بگوید اگر معلم می گوید سر وقت باید سر کلاس درس بیایید نباید خودش دیر بیاید. اینها بحث الگو بودن و اسوه بودن معلم را تحت تاثیر قرار می دهد و بچه ها بسیار این موضوع را (بحث یکپارچگی عامل و عمل بودن) خیلی خوب تشخیص می دهند ولی خیلی راحت در مورد این صحبت می کنند. اگر ببینند معلمشان دارد تلاش میکند مطالعه می کند در زنگ استراحت کتاب دستش گرفته اینها به شدت تحت دید قرار می دهند و از آنها یاد می گیرند آن موقع اگر شما بگویید بچه ها همیشه مطالعه داشته باشید اثرگذاری این حرف شما خیلی زیاد هست. پس بنابراین این سه نکته را خیلی خیلی مد نظر قرار بدهید.

- **ضرورت برقراری انضباط در کلاس درس:** در صورتی که در کلاس نظم حاکم باشد بیشتر وقت کلاس صرف فرایند یاددهی یادگیری میشود و معلم و دانش آموزان از گذراندن مفید وقت کلاسی راضی می شوند. منظور از نظم، حاکم کردن سکوت اجباری بر کلاس درس و تبدیل محیط آموزشی به محیطی خشک و سختگیرانه نیست بلکه منظور ایجاد محیطی است که در آن دانش آموزان فعالانه یاد میگیرند و تمام فعالیت ها حول محور آموزش می چرخد. اما چرا برقراری این انضباط در کلاس درس اهمیت دارد ببینید اگر در یک کلاس نظم حاکم باشد بیشتر وقت کلاس صرف فرایند یاددهی یادگیری میشود و کارهای بیهوده فارغ از مسائل یادگیری و تربیتی اتفاق نمی افتد. زمانی نظم و انضباط کلاس برهم می خورد که معلم به جای اینکه ۴۰ دقیقه دانش آموزان را به فعالیت وادار کند و حالا برنامه ریزی بکند کلمه واداری را نگوئیم برنامه ریزی کند و به دانش آموزان کمک بکند که باهم

دیگر یک مطلبی را یاد بگیرند ۱۰ تا ۱۵ دقیقه درسش را می دهد و بقیه هم بچه ها به امان خدا . این کلاس هرگز روی نظم و انضباط را نخواهد دید هدف اصلی نظم و انضباط این است که ما چه اتفاقی بیفتد بیشتر وقتمان را صرف مرحله یاددهی یادگیری بکنیم و دانش آموزان و معلم از این فرآیند راضی باشند رضایت داشته باشند که بله امروز ما یک چیزی یاد گرفتیم چقدر کمک کردیم و احساس شادمانی بکنند . این جمله آخر را خیلی خوب دقت فرمایید منظور از نظم حاکم کردن سکوت اجباری و کلاس درس و تبدیل محیط آموزشی به محیطی خشک و سختگیرانه نیست بلکه وقتی ما می گوئیم نظم یعنی یک محیطی ایجاد بکنیم که در اون دانش آموز فعالانه یاد می گیرد و تمام فعالیت ها حول محور آموزش می چرخد . ما پادگان نظامی ۵۰ سال پیش که نداریم . ما در یک محیط تربیتی داریم کار می کنیم محیطی که باید سرشار از تربیت باشد رفتار من معلم باید مبتنی بر تربیت باشد منش من باید مبتنی بر تربیت باشد، منش مدیر باید مبتنی بر تربیت باشد، منش فرهنگ کلاس درس ، جو کلاس درس باید مبتنی بر تربیت باشد . و همه فعالیت ها حول آموزش باشد . چون ما گاهی برنامه نداریم برای آموزش میبینیم کلاس درس در واقع به فضایی تبدیل می شود که بچه ها در اون کمتر به فعالیتهای آموزشی میپردازند پس بنابراین این ضرورت برقراری انضباط در کلاس درس بسیار مهم است . اما چه کار کنیم من اینجا یک سری رهنمودها و رهنمون ها خدمت شما دادم برای بحث برقراری انضباط .

• روش های برقراری انضباط:

۱. **هنگام ورود دانش آموزان به کلاس درس از آنها استقبال کنید** (خیلی خوش آمدید حالتان خوب است سلام سلام ، با تک تک آنها ارتباط چشمی و در واقع فیس تو فیس داشته باشید استقبال کنید این باعث می شود که بچه ها بفهمند معلم آنها را دوست دارد و برای ایشان احترام قائل است است استقبال یعنی اینکه من مهم هستم که معلم آمده استقبال من) .

۲. **فعالیت های خاص** (پیش از شروع کلاس در کلاس های درس ممکن سازید تا دانش آموزان را به کارهای مثبت و خلاق تشویق کنید . یعنی اینکه قبل از اینکه کلاس درس شروع شود بهتر است حالا یک نرمشی این بچه ها انجام بدهند یا یک شعری خوانده شود قران خوانده شود یا یک فعالیتی که حالا خیلی به موضوع درس برنمیگردد . نشان بدهد که ما داریم آمادگی پیدا میکنیم برای یک کار مهم تر . هم تدریس آموزش اینجا جلوه بیشتر و بهتری می گیرد و هم اینکه بچه ها تمرکزشان بالاتر میرود .

۳. محل خاصی را در کلاس درس مشخص کنید تا دانش آموزان هنگام ورود به کلاس تکالیفشان را آنجا قرار دهند (این به معنای این نیست که معلم نمی تواند تکالیف را یکی یکی از آنها بگیرد به معنای این هست که دانش آموزان حواسشان جمع میشود که بعضی از کارها را در موقع خودش و در جای خودش انجام بدهند این در واقع هدایت گری دانش آموزان است
۴. همیشه تعدادی قانون (در جلسات قبل هم به آن اشاره کردیم اون قراردادهای رفتاری و رفتار فردی و گروهی و اون دستورالعملهای انضباطی را تعدادش حالا ۵ و ۳ و ۱۰ تا رفتار و قانون فراگیر را در مورد رفتارهای بچه ها) همیشه اینها را در واقع احساس بکنیم و در یک محل مناسب در کلاس درس قرار بدهیم. نصب العین ر گرفتن این قوانین باعث می شود بچه ها نسبت به این قوانین حواسشان جمع باشد اصلاً خود این اثر انضباطی و اثر تربیتی دارد که من باید حواسم باشد که باید این کارها را انجام بدهم
۵. نکته بعدی که خیلی مهم هست اطمینان پیدا کنیم که بچه ها این قوانین را فهمیدند و درک کردند اگر قانونی بنویسید که بچه ها این را درک نکنند قاعدتاً به آن پایبند نیستند و مشکلات زیادی را به وجود خواهند آورد پس باید از درک و فهم قوانین توسط بچه ها یا دانش آموزان اطمینان پیدا کنیم .
۶. انتظار خود را از رفتار هایی که با مجموعه ای از پیامدهای منصفانه و قابل اجرا و پشتیبانی می شود افزایش دهیم (ببینید بعضی از رفتارهای بچه ها مطلوب هستند مثلاً مخصوصاً در کلاس های چند پایه حالا به آن می رسیم بعضی از بچه های پایه های بالاتر می آیند به بچه های پایه های پایین تر کمک می کنند به بچه ها بگویند اینها برای من مهم هست . برای من مهم هست محیط کلاس من محیط تمیزی باشد برای من مهم هست که از وسایل خودتان نگهداری کنید.
۷. نکته بعدی این که تا حد ممکن از کمک دانش آموزان در تدوین و تعیین قوانین و مقررات استفاده کنید این نکته باعث می شود که بچه ها نسبت به آنچه تعیین این شده تعهد داشته باشند و متعهد اجرای آن باشند . وقتی خود من در تدوین یک قانون مشارکت داشته باشم و خودم هم تدوین کردم لزوماً به اون هم پایبند خواهم بود .
۸. نکته بعد اطمینان پیدا کنید که والدین قوانین شما را درک کردند و پیامدهای آن را می دانند. اثرگذاری قوانین در کلاس درس در چارچوب کلاس درس به تنهایی نیست اثرگذاری این ها در خانواده هم هست بعضی از قوانینی که شما وضع می کنید درست هست که در داخل کلاس وضع شده اما ممکن است پیامدهای رفتاری در منزل داشته

باشد و اگر والدین از این قوانین و مقررات آگاهی پیدا نکرده باشند قطعاً تناقض هایی پیش می آید که ممکن است در واقع بحث و جدال هایی هم بین معلم و خانواده ها پیش بیاید پس بهتر است آنها را در جریان این کارها قرار بدهیم .

۹. با دانش آموزانی که خودسرانه و خودمحوارانه کاری انجام داده اند جداگانه صحبت کنید و تا جایی که ممکن باشد از تنبیه آنها در مقابل دوستان و همکلاسی هایشان بپرهیزید . نکته بعدی اینکه اگر دانش آموزی خودسرانه و خودمحوارانه کاری انجام داد این کار در واقع نامطلوب بود حتماً و حتماً باید به طور شخصی و فردی با او صحبت کرد در جمع سرزنش نکنید در جمع ملامت نکنید در جمع شخصیت نباید خرد شود که اثر تربیتی فوق العاده ای دارد. اصلاً وقتی در خلوت شما با دانش آموز صحبت می کنید و در جمع شخصیت را حفظ می کنید، این خودش را مدیون شما می داند و اگر شخصیت دانش آموزی در بین دانش آموزان کلاس خرد شود قطع به یقین بدانید عوامل خیلی خیلی ناگواری را برای فرد و برای کلاس درس دارند .

۱۰. نکته بعدی اینکه مدیر مدرسه را از قوانین و مقرراتی که وضع کرده اید آگاه کنید تا پشتیبان شما باشد بعضی از قوانین و مقررات (کالا یکی از قوانینی که خیلی ها استفاده می کنند حتماً من در دانشگاه هم دیده ام بچه هایی که دیر به کلاس درس یا مدرسه می آیند این ها باید بروند حالا یک خوراکی بخرند یا یک کاری باید انجام بدهند اینها چیزهایی هست که اگر هم بخواهد انجام شود حتماً باید مدیر مدرسه و خانواده ها در جریان باشند که من این را توصیه نمی کنم.

۱۱. نکته بعد اسامی دانش آموزان را در کمتر از سه روز یاد بگیرید وقتی یک اتفاق می افتد همه دانش آموزان احساس می کنند. که معلم حواسش به من هست برای معلم مهم بودم که اسم من را یاد گرفته است. نه اینکه بعد از دوماه پیرسیم اسم شما چی بود یادم رفته است . شما معلم ابتدایی هستید معلم ابتدایی نهایتش ۲۰ نفر تا ۲۵ نفر دانش آموز دارد - یادگیری این اسمها کاری ندارد باید سریعاً این اتفاق بیفتد.

۱۲. روشهای کلاسداری را تا جایی که امکان دارد ساده و روان کنید. خیلی کار را پیچیده نکنید خیلی ساده و روان قوانین ساده مشخص روش های تدریس مان به تناسب سن دانش آموزان و پایه ها می توانند در بخش های خرد شده ای باشد که بچه ها اون را به راحتی درک میکنند. یادمان باشد ممکن است در کلاس درس بعضی از بچه ها اختلالات رفتاری داشته باشند این اختلالات رفتاری که حالا بعضاً ژنتیکی و

بعضاً ناشی از تربیت در سنین پایین تر هم هست اینها را باید به عنوان یک کیس ببینیم و با آنها مداخلات رفتاری درستی داشته باشیم

۱۳. نکته بعدی اینکه با قوانین و سیاستهای برخورد انضباطی با رفتارهای مخرب و خشونت دانش آموزان استثنایی آشنا باشید که این را من خدمت شما گفتم دانش آموزان استثنایی دانش آموزانی هستند که مداخلات خاص خودشان را می خواهند و برخورد قهرآمیز با این ها ممکن است تبعات زیادی را برای سیستم و خود دانش آموز در بحث ترک تحصیل داشته باشد.

جلسه ۱۲

مدیریت کلاس

برنامه ریزی برای آموزش در کلاسهای چند پایه: کلاسهای چند پایه چرا ایجاد شدند و چرا ایجاد می شوند؟ آیا

خاص کشور ما هستن یا در جهان این یک رویه معمول است .

- **دلایل ایجاد:** به علت افزایش مهاجرت جمعیت از روستاها به شهرها ما با کاهش جمعیت روستاها مواجه هستیم. این کاهش جمعیت باعث شده است که مثلاً در یک روستا دو نفر کلاس دومی داشته باشیم، یک نفر کلاس اولی، سه نفر کلاس سومی داشته باشیم. و برای یک نفر، دو نفر و سه نفر برای هر پایه یک معلم به صرفه نیست یا در اختیار و حیطة و توان آموزش و پرورش نیست، که اینکار را انجام بدهد. پراکندگی روستا نیز از دلایل به وجود آمدن کلاس های چند پایه می باشد.

دو دیدگاه نسبت به کلاس های چند پایه :

- **معضل آموزش است و باید از میان برداشته شود،** که دیدگاه منفی گرایانه و رادیکالی نسبت به کلاس های چند پایه هست .

- دیدگاه دوم عقیده دارد که **کلاس های چند پایه فرصتی برای یک آموزش و پرورش بهینه است.** تبدیل شده به فرصت یا تهدید ناشی از عمل ما و برنامه ریزی ما در مواجهه با کلاس های چند پایه است .

نتایج تحقیقات کلاس های چند پایه:

- میان دانش آموزان کلاس هاس درس چند پایه و کلاس های درس تک پایه از حیث توانایی **شناختی تفاوت معنا داری وجود ندارد**. یعنی پیشرفت تحصیلی آن ها تقریباً یکسان است و هم تحقیقات داخلی و هم تحقیقات خارجی این را به نوعی نشان داده هست .
- **دانش آموزان کلاس هاس درس چند پایه** نسبت به دانش آموزان کلاس های درس تک پایه از نظر رشد اجتماعی، سازگاری محیطی، بیان عواطف، روحیه همکاری، بهداشت روانی و پختگی رفتاری به دانش آموزان کلاس های تک پایه برتری نشان می دهند، علت ان اینست که کلاس هاس درس چند پایه در واقع یک برداشت و یک سازمان کوچکی از محیط اجتماعی بیرونی هست و از انواع پایه ها و جنسیت دختر و پسر در ان وجود دارد و شباهت بیشتری با محیط بیرونی دارند .
- نتایج تحقیقات بسیاری برتری و لزوم به وجود آمدن کلاس های چند پایه را تاکید کردند و اما به یک شرط در صورت داشتن برنامه ریزی و تربیت معلمان شایسته. اگر ما معلمانی آماده بکنیم برای مدیریت و مسئولیت کلاس های چند پایه و معلمان موجود را آموزش های ضمن خدمت و حین خدمت بدهیم و برای اینکار آماده بکنیم قطعاً کلاس های چند پایه ما کلاس های مفیدی خواهد بود .

تعریف کلاس های چند پایه:

به کلاس هایی گفته می شود که در آنها حداقل دو پایه و حداکثر شش پایه تحت آموزش قرار می گیرند. و کودکان از ۷ - ۱۲ سال در این کلاس ها بصورت مختلط قرار می گیرند .

تدریس در کلاس های چند پایه:

تدریس چند پایه به نوعی از تدریس در آموزش ابتدایی اطلاق می شود، که در آن دانش آموزان چند پایه در یک کلاس توسط یک معلم آموزش داده می شوند. منظور از آموزش چند پایه، موقعیت هایی است که در آن دانش آموزانی که از نظر سن، جنسیت، و توانایی متفاوت هستند همه در یک کلاس آموزش می بینند .

- **برداشتی از آنچه که در جامعه اتفاق می افتد:** در کلاس های چند پایه همان برداشت وجود دارد .
- **تدریس در کلاس های چند پایه مستلزم شایستگی ها، مهارت ها و توانمندی هایی** است که با کلاس های تک پایه متفاوت هست .

کلاس های چند پایه در آینه جهانی:

پدیده ای که در کل دنیا وجود دارد حتی در کشورهای پیشرفته و مرفه ای چون (نروژ) ۴۲ درصد کلاس هایش ۲۵ درصد کلاس هایش، از نوع کلاس های چند، بصورت کلاس های چند پایه می باشد. در ایران در سال ۲۰۱۹ پایه بود که در مجموع از ۱۸۰ هزار کلاس آموزش ابتدایی، ۴۴ هزار کلاس آن بصورت کلاس های چند پایه برگزار گردید. کلاس های چند پایه انقدر مسائل و روش های خاص را نیاز دارد که ما با معلمان عادی ابتدایی و چند واحد گذراندن نمی توانیم آنها را مدیریت کنیم. لذا پایه تربیت معلم چند پایه را در دستور کار قرار بدهیم.

ضرورت تشکیل کلاس های چند پایه:

- پراکندگی روستاها و عوامل خاص جغرافیایی مانع از این شده است که دانش آموزان زیادی را در پایه های تحصیلی ابتدایی داشته باشیم. در مناطق کویری و نیمه کویری این پراکندگی مشهود است و انجا فاصله شهرها زیاد هست. مثلا در سیستان و بلوچستان به شدت آمار کلاس های چند پایه بالا است.
- کمبود جمعیت به طور اعم و کمبود تعداد دانش آموزان واجب التعلیم در بعضی روستاها.
- وجود مسائل و مشکلات متعدد مالی و اقتصادی و کشاورزی در روستاها.
- استفاده از وجود اطفال لازم التعلیم در امور کشاورزی، دامداری، قالیبافی و غیره به منظور امرار معاش خانواده و عدم پوشش تحصیلی.
- فقدان یا کمبود یا نامناسب بودن راههای ارتباطی بین روستاها و شهرها.
- اظهار بی تفاوتی برخی از خانواده های روستایی به علت تجربه تلخ از بیهودگی تحصیلات ابتدایی و عدم کارایی آن در زندگی روزمره آنان و نبودن امکانات ادامه تحصیل در دوره راهنمایی.
- عدم موافقت بیشتر خانواده های روستایی به تحصیل دختران به ویژه در مدارس که اجبار به اختلاط دانش آموزان دختر و پسر باشد. (مسائل فرهنگی)
- فقدان یا کمبود انگیزه های قبول خدمت برخی از معلمان در روستاهای کم جمعیت و فاقد امکانات اولیه زندگی.

- عدم استقبال عموم مردم روستا از تعلیم و تربیت کلاسیک به علت فقر بینش و پایین بودن آگاهی های فرهنگی و اجتماعی .

اهداف کلاس های چند پایه :

- فراهم کردن دوره کامل آموزش ابتدایی، با افزایش میزان دستیابی به آن در مناطق روستایی کم جمعیت .
- تداوم خدمات آموزشی در شهرهای کوچکی که با کاهش شمار دانش آموزان رو به رو هستند .
- استفاده بهینه از منابع محدود .
- بهبود کیفیت و سودمندی آموزش
- ۵. جلوگیری از ترک تحصیل دانش آموزان در مناطق روستایی کم جمعیت .

محاسن کلاس های چند پایه :

۱. آموزش چند پایه روش کارآمد و سودمندی برای ارایه آموزش بنیادی در مناطق کم جمعیت است. سودمندی این کلاس ها به این دلیل است که در این کلاس ها یکی از آموزشهای اول تا ششم ابتدایی یا چند پایه با هم اتفاق می افتد .
۲. شواهد گویای آن است که در زمینه های ریاضی، زبان و علوم، آموزش چند پایه ای سبب پیشرفت دانش آموزان می شود .
۳. دانش آموزان دختر از این طریق دسترسی بیشتری به فضا ها و امکانات آموزشی پیدا می کنند .
۴. دانش آموزان در این روش یاد میگیرند که چگونه یاد بگیرند و چگونه یاد بدهند .
۵. باعث به وجود آمدن تعامل گروهی در بین دانش آموزان می شود .
۶. در این کلاس ها می توان برخی از عقب ماندگی های دانش آموزان پایه های بالاتر را با قرار دادن آن ها در جریان آموزشی پایه های پایین تر جبران کرد. برای مثال در پایه دوم دانش آموزی نمی تواند صداها را کاملا تشخیص دهد ما می توانیم در هنگام تدریس صدای جدید به پایه اول، این دانش آموز را نیز در جریان آن آموزش بصورت غیر مستقیم قرار دهیم .
۷. در وقت و هزینه می توان صرفه جویی کرد به این ترتیب که معلم می تواند از برخی وسایل آماده شده برای همه ی پایه ها استفاده نماید .

۸. آموزش پایه های پایین تر توسط پایه های بالاتر و همکاری افراد قوی تر در یادگیری افراد ضعیف تر که دو اصطلاح روانشناسی سازنده گرا و فرهنگی - اجتماعی (منطقه تقریبی رشد و یادگیری به وسیله همسان خبره) را مورد تایید قرار می دهد .

۹. دانش آموزان پایه های بالاتر در جریان تکرار دروس سال های قبل خود قرار گرفته ، این دروس برای ایشان تکرار می شود و یادگیری آن ها عمیق تر می شود و بالعکس ، دانش آموزان پایه های پایین تر تا حدودی با دروس سال های بالاتر آشنا می شوند و این خود پیش زمینه برای یادگیری وسیع تر آنها خواهد شد .

۱۰. **استفاده از دانش آموزان پایه های بالاتر به عنوان معلم یار** که باعث تقویت حس همکاری و نوع دوستی بین آنها و سایر دانش آموزان می شود .

معایب و و ضعف های کلاس های چند پایه :

۱. سر و صدای دانش آموزان پایه غیر محور به عنوان یک عامل مزاحم به هنگام تدریس پایه های محور در نحوه اداره کلاس ان ها اختلال ایجاد می کند. **پایه محور** ، پایه ایست که معلم انتخاب می کند برای اینکه بیش تر تمرکزش بیشتر روی آن پایه است مثلا پایه سوم را بعنوان پایه محور قرار می دهد. و بقیه پایه ها را بعنوان پایه ی غیر محور قرار می دهد و به انها یک سری تکالیف می دهد و روی آنها نظارت غیر مستقیم دارد و بیشتر تمرکزش روی پایه محور است .

۲. فعالیت های اضافی پایه های غیر محور بعنوان یک عامل مزاحم بهنگام تدریس پایه محور می شود .

۳. در کل کلاس از نظم خاصی برخوردار نخواهد بود .

۴. معلم روی فعالیت دانش آموزان غیر محور نظارتی مستقیم ندارد و همین ممکن است باعث کم کاری گروه غیر محور شود .

۵. کم شدن نظارت معلم روی بعضی از دروس باعث می شود که دانش آموزان فکر کنند دروسی مانند انشا و هنر از اهمیت چندانی برخوردار نیستند .

• اما یک سری معایب وجود دارد که راه حل هایی برای رفع ان ها وجود دارد:

معایب و راه حل ها :

• **کمبود اطلاعات و تجارب معلمان کلاس های چند پایه :** کمبود اطلاعات معلمان تنها در بعد آموزشی و علمی خلاصه نمی شود، بلکه در مسائل تربیتی ، روانشناسی و مهم تر از آنها کمبود تجربه های عملی

• **راه حل ها :**

مطالعه منابع، کتاب‌ها، مجلات آموزشی و تربیتی و نتایج پژوهش‌های جدید در زمینه شغلی

بازدید از کلاس‌های معلمان موفق در اداره کلاس‌های چند پایه .
آموزش ضمن خدمت این معلمان .

- **ضعف بنیه علمی دانش‌آموزان:** این مورد ناشی از معایب کلاس‌های چند پایه نیست بلکه عدم آمادگی معلم و کیفیت پایین این کلاس‌هاست .

راه حل‌ها:

مرور درس‌های سال قبل در آغاز سال تحصیلی به مدت دو الی سه هفته
اجرای آزمون تشخیصی، در ابتدای سال از پایه پایین‌تر بعد از مرور درس‌های سال
قبل

تغییر شیوه‌های آموزشی به نوعی که مشارکت فردی و فعال دانش‌آموز را در فعالیت‌های گروهی به همراه داشته باشد. و آموخته‌ها را برای دانش‌آموزان معنا دار سازد تا بتوانند آنها را در زندگی خود به کار ببرند .

- **مشکل دیگر مشکل دو زبانی است.** که بیش‌تر در مناطق عرب‌زبانان، کرد‌زبانان و ترک‌زبانان اتفاق می‌افتد. زبان معیار ما زبان فارسی است .

راه حل‌ها:

ایجاد عادت به مطالعه از طریق کتاب‌های داستانی و کتب آموزشی و علمی که به زبان معیار (زبان فارسی) نوشته شده باشد .

تا زمانی که احساس می‌کنید تکلم به زبان معیار با ارتباط شما با دانش‌آموزان مشکلی ایجاد نمی‌کند، به زبان فارسی صحبت کنید و در غیر اینصورت موضوع را با جملات کوتاه زبان مادری توضیح دهید .

از دانش‌آموزان بخواهید در ساعت درس انشا یا فارسی داستان‌های کوتاه به زبان مادری را به زبان فارسی ترجمه کنند .

از دانش‌آموزان بخواهید فیلم‌ها، کارتون‌های تلویزیونی، اخبار، وضعیت آب و هوا و ... را یادداشت کنند. و در کلاس با فن ایفای نقش اجرا نمایند .

- یکی از معایبی که معلمان مدارس چند پایه همواره گلایه و شکایت دارند **کمبود وقت** می‌باشد

راه حل‌ها:

تهیه برنامه کلاسی دانش آموز و معلم محور ، و تقسیم وقت بین این موارد می باشد

تفاوت زمان استراحت دانش آموزان و تنظیم آن .
استفاده از وجود شاگرد معلم یا معلم یار (خلیفه)

جلسه ۱۳

مدیریت کلاس های چندپایه:

پیشنهاد من این است که برای اینکه یادگیری به صورت عمیق تر اتفاق بیفته از تجربیات معلمان در کلاس های چندپایه استفاده کنید، با آنها ارتباط برقرار کنید و از طریق مطالعه منابع مختلفی که در سایت ها ، کتابخانه ها، کتاب ها وجود دارد دانش خودتان را در این زمینه افزایش دهید.

کلاس های آنلاین و آفلاین که در قالب ویدئو خدمت شما ارائه میشه نکات اصلی و اهم مطالب را خدمت شما ارائه می کند. اما این مستلزم این است که شما تعمیق ببخشید یادگیری خودتون رو از طریق مطالعه منابع جانبی. در مورد مدیریت کلاس درس تعریف جدیدی میخواهیم ارائه کنیم که حاوی نکات خیلی مهم است، این نکات باعث میشه که دیدگاه خودمان را در مورد مدیریت کلاس درس تنظیم و حتی تعدیل کنیم، چرا که در دیدگاه جدید دانش آموز محور فعالیت ها و فعالیت قرار می گیرد و معلم در نقش تسهیل گر، در نقش بازیگر، در نقش هدایت کننده ظاهر میشه همانطور که در اسلاید مشاهده می کنید این تعریف جدید از مدیریت کلاس درس عبارت است از اقدام و فعالیت مشترک دانش آموزان و معلم کلاس درس و هدایت و کنترل علمی عوامل موثر در ایجاد یک نظم منطقی برای پیشینه سازی اثربخشی فرآیند یاددهی و یادگیری

مدیریت کلاس های چند پایه

تعریف مدیریت کلاس درس طبق الگوهای جدید آموزش
"مدیریت کلاس درس عبارت است از: اقدام مشترک دانش آموزان و معلم کلاس و هدایت و کنترل علمی عوامل موثر در ایجاد یک نظم منطقی برای **پیشینه سازی** اثر بخشی فرآیند یاد دهی و یادگیری"

پیشینه سازی به چه دلیل اتفاق می افتد، نشانه هاش در جلسات قبل عرض کردم. پس در این تعریف ما با یک اقدام مشترک از سوی معلم و دانش آموزان مواجه هستیم مدیریت کلاس درس

تنها، و منحصر به فرد معلم نیست، بلکه منابع انسانی که در آن فضای کلاس قرار گرفتند، این منابع انسانی هستند که باید مدیریت کلاس درس را رقم بزنند و یک فعالیت اشتراکی است. تشریک مساعی است، **تشریک مساعی** معلم و دانش آموزان در تحقق اهداف مدیریت کلاس، فوق العاده مهم است معلم نباید فکر بکند که خودش تمامی زحمات و فعالیت ها را باید انجام بدهد، از ظرفیت وجودی دانش آموزان باید به نحو احسن استفاده بشه، پس یک اقدام مشترک است،

مدیریت کلاس درس خودش آثار تربیتی زیادی داره، آنجایی که معلم و دانش آموز با همدیگه همکاری می کند دانش آموز با همدیگه همکاری می کند، تشریک مساعی می کنند این خودش آثار تربیتی داره بنابر این یک اقدام مشترک بین معلم و دانش آموزان است. بین معلم و دانش آموزان است.

واژه کنترل علمی عوامل موثر، وقتی می گوئیم **کنترل علمی** منظورمان این است که معلم به مثابه پژوهشگر، معلم فکور، معلمی که کنترل علمی انجام می دهد، به ناچار باید از روش های علمی استفاده کند (گردآوری اطلاعات، تعریف مسئله، اقدامات، ارزشیابی اقدامات) باید صورت بگیرد و آن موقع میگوئیم آن منبع کنترل شد به این شکل انجام شد، در غیر این صورت هرگز نباید فکر که میتونیم مدیریت کلاس خوبی داشته باشیم، مدیریت کلاس درس جز از طریق علمی و روش های علمی و تحقیقی قابل تحقق نیست. (این یادتون باشه) اگر می خواهیم مدیریت موثری داشته باشیم حتما باید سراغ کنترل علمی در کلاس درس برویم و یاد بگیریم مهارت های آن را. اما این کنترل علمی یک نظم منطقی به وجود میاره، نظم منطقی یک پذیرفته شده و خود سازانه، از طریق

دانش آموزان و معلم است، هم معلم این نظم را می پذیرد و هم دانش آموزان قبول کردند، به صورت خود محورانه و خود مدیریتی این کار را انجام دادند، اما هدف این ها چیه؟ هدف پیشینه سازی اثربخشی فرآیند یاددهی یادگیری، یعنی دانش آموزان باید بیشتر یاد بگیرند، بیشتر به آموزش بپردازند و عوامل مخل و کارهای جانبی به حداقل برسه، هر آن چیزی که محور هست فرآیند یاددهی یادگیری است، اگر بتوانیم با استفاده از مدیریت کلاس درس این فرآیند یاددهی یادگیری را حداکثر کنیم و کارهای جانبی که ربطی به کلاس ندارد را به حداقل برسانیم مدیریت کلاس موفق داشتهیم، پس تعریف جدید مدیریت کلاسی بر این سه کلیدواژه **(اقدام مشترک معلم و دانش آموز، کنترل علمی عوامل موثر و پیشینه سازی اثربخشی فرآیند یاددهی یادگیری)** تاکید دارد.

مدیریت کلاس های چند پایه

مدیریت کلاسی در دو مقوله قابل بررسی است :

۱. نظم و انضباط در کلاس های چند پایه

۲. آرایش میز و نیمکت ها و مطلوب نمودن فضای آموزشی

لئونارد کلارک می گوید :

اگر بتوانید کلاس درس را به گونه ای سازمان دهید که جالب توجه باشد و دانش آموزان به راحتی بتوانند در آن فعالیت کنند، چنین کلاسی به مراتب بیشتر از کلاس های سنتی به موفقیت می انجامد.

مدیریت کلاسی در دو تا مقوله برای کلاس های چند پایه قابل بررسی است. یعنی از دو طریق یا به دو مقوله اصلی در کلاس های چندپایه به موضوع مدیریت کلاس درس می پردازیم، یکی اینکه بحث نظم و انضباط در کلاس های چندپایه فوق العاده مهم است، در کلاس های تک پایه هم بحث نظم و انضباط خیلی مهم است، اما در کلاس های چندپایه این نظم و انضباط ویژگی بیشتر و اهمیت بیشتری پیدا می کند، چرا که شما با دانش آموزان در پایان مختلف یعنی برای هر کدام باید برنامه خاصی داشته باشید، دومدل کلاس های چند پایه آرایش فضای یادگیری فضای آموزشی خیلی مهمه، یکی از اشکالاتی که بر نظام آموزشی ما مرهست این هستش که فضاهای یادگیری حتی برای کلاس های تک پایه هم متناسب با ویژگی های دانش آموزان و کلاس درس و پایه تحصیلی ساخته نشده برای کلاس های چند پایه از فضای درست و حسابی و مبتنی بر اصول علمی طراحی نکردیم، کلاس های چند پایه یک ویژگی های منحصر به فردی دارند که این ویژگی های منحصر به فرد باعث می شود ما در طراحی فضاهای یادگیری به آنها پردازیم، آیا این چهارچوب کلاسی که طراحی کردیم و، این مستطیل با این وضعیت قرار گرفتن میزها، برای همه این کلاس ها مناسب هست؟ چه برسد به کلاس های چندپایه، که ویژگی های خاصی دارند، شرایط خاصی دارند، که مستلزم این است که طراحی فضاها و معماری های فضاهای آموزشی مان دستخوش تغییر و دستخوش نیاز این دانش آموزان بشه، می بینیم که این اتفاق نیفتاده است. با توجه به همه این موارد کلارک یکی از متخصصین آموزش به ویژه در حوزه کلاسهای چند پایه است، اگر بتوانید کلاس درس را به گونه سازمان دهید که جالب توجه بکنند و دانش آموزان بتوانند به راحتی در آن فعالیت بکنند چنین کلاسی به مراتب بیشتر از کلاس های سنتی به

موفقیت می انجامد، این صحبت لئونارد کلارک ناظر بر این موضوع است که کلاس های چندپایه مستلزم پرداختن به آنها هستیم.

مستلزم توجه به آنها هستیم، اگر خوب برنامه ریزی بکنیم، خوب مدیریت کنیم، خوب طراحی کنیم، اینها کلاس های موفق آمیز خواهند بود بنابراین مدیریت کلاس درس در کلاس های چندپایه در دو مقوله، یک نظم و انضباط، و دوم آرایش فضای مناسب یادگیری مختص کلاس های چند پایه، اگر ما به این مقوله خوب بپردازیم اثربخشی این کلاس ها قاعدتاً افزایش پیدا می کند. یک اصطلاح ای ما داریم در بحث مدیریت کلاس و بحث آموزش، اون بحث برابری فرصت های آموزشی و عدالت آموزشی است. ما فرصت های یادگیری فراوانی می تونیم طراحی بکنیم، تنوع در فرصت های یادگیری ناشی از این است که معلم تسلط زیادی بر موضوع درس دارد. یک متخصص آموزشی همواره دنبال تنوع در فرصت های یادگیری است که دانش آموزان را از حالت خستگی و کاهلی خارج بکند اما این برابری فرصت های آموزشی معانی دارد، مهمترین معنی که در بحث برابری فرصت های آموزشی ما باهاش برخورد می کنیم بحث **رعایت تفاوت های فردی** است. رعایت تفاوت های فردی یعنی همه دانش آموزان مثل هم یاد نمی گیرند، یکی قدرت یادگیری بالاتری داره یکی متوسط، سبک های یادگیری ها با هم متفاوت هست، و همانطور که بارها این موضوع تاکید کرد و الان هم تاکید می کنم شما با دنیا های متفاوتی روبرو هستید، برابری فرصت های آموزشی متناسب با ویژگی های هر دانش آموز ما بتوانیم برنامه آموزشی درست و منطقی داشته باشیم. رعایت تفاوت های فردی در فرایند یاددهی یادگیری یکی از متغیرهای مهم بحث فرصت های برابر آموزشی است.

برابری فرصت های آموزشی

رعایت تفاوت های فردی در فرایند یاددهی و یادگیری یکی از متغیرهای مهم ایجاد فرصت های برابر آموزشی است.

فرصت برابر آموزشی صرف وقت یکسان برای همه دانش آموزان نیست، بلکه تشخیص تفاوت های فردی و برنامه ریزی برای بهره وری همه دانش آموزان است.

دو موضوع با اهمیت در این خصوص وجود دارد:

۱. **کاستن فاصله فرصت های آموزشی** در کلاس های چند پایه با کلاس های تک پایه

۲. **رعایت تفاوت های فردی یکی از راه های ایجاد فرصت یادگیری بهتر و تعمیق آموخته ها** بخصوص در کلاس های چند پایه، دقت در تعیین تکلیف منزل است.

فرصت برابر به معنای این نیست که اگر ده دقیقه برای این دانش آموز وقت گذاشتیم برای آن دانش آموز هم وقت بگذارم، آنچه گفتیم مهم است تشخیص تفاوت‌های فردی و برنامه ریزی برای بهره‌وری همه دانش آموزان است، هیچ دانش آموزی نباید از توجه و آموزش مغفول بماند، اما به تناسب ظرفیتش و در راستای ظرفیت‌هایی که دانش آموز دارد. در این بحث برابری فرصت‌های آموزش دوتا موضوع خیلی مهم است، یک کم کردن فاصله فرصت‌های آموزشی در کلاس‌های چند پایه با کلاس‌های تک پایه، دوم رعایت تفاوت‌های فردی، و این خیای مهم است و یکی از راه‌هایی که می‌توانیم این تفاوت‌های فردی خیلی خوب پوشش بدهیم بحث **دقت در تعیین تکالیف** که دانش آموزان در منزل انجام می‌دهند، تکلیف و ارائه تکالیف عملکردی برای دانش آموزان در کلاس‌های تک پایه خیلی مهمه در کلاس‌های چند پایه فوق العاده مهم است. پس با این نکات می‌توانیم بحث فرصت‌های برابر آموزشی را رقم بزنیم.

برابری فرصت‌های آموزشی، انواع تکلیف منزل

تعریف تکلیف:

هر نوع وظیفه آموزشی که به دور از نظارت مستقیم معلم و برای خارج از وقت آموزشی دانش آموزان توسط معلم تعیین شود.

تعریف تکلیف به معنای اجبار نیست، تکلیف ارائه فرصت‌های یادگیری بیشتر در محیط غیر آموزشی، برای اینکه دانش آموز از کلاس درس راتنها مرجع یادگیری تلقی نکنند، بدانند که جهان هستی فضای یادگیری است، از تمامی این جهان هستی ما می‌توانیم یاد بگیریم و بردن آموزش و تربیت از کلاس و مدرسه به فضای زندگی در داخل منزل، تکالیف درسی تنها مختص کشور ما نیست خیلی از کشورها روی این تکالیف برنامه ریزی می‌کنند و به عنوان یک روش همسوسازی خانواده‌ها با مدارس استفاده می‌کنند، چون در حالی که خارج از منزل والدین هم درگیرند، و اگر ما والدین را آموزش دهیم که چگونه در کمک به دانش آموزان این تکالیف را انجام بدهند، آن موقع یک همسوی تربیتی و آموزشی بین مدارس و خانواده‌ها اتفاق می‌افتد.

محاسن تکلیف:

۱. پیشرفت تحصیلی و یادگیری سریع
۲. اثرات تحصیلی بلند مدت
۳. اثرات غیر تحصیلی شامل خود راهبردی بیشتر، انضباط شخصی بیشتر، تنظیم وقت بهتر، کنجکاوی بیشتر، استقلال بیشتر در حل مسئله و علاقمندی بیشتر اولیا به مدرسه

- تکلیف منزل فرایند سه متغیر بین معلم ، دانش آموز و والدین است.

محاسن تکلیف چه ویژگی هایی ممکنه داشته باشه، چه خوبی ها و مزایای داره ، اولاً تکلیف باعث میشه دانش آموزان وقت بیشتری روی اهداف آموزشی و موضوعات آموزشی صرف بکنند، وقت بیشتر و درگیری بیشتر یادگیری بیشتر و پیشرفت تحصیلی بیشتری را در واقع رقم میزند، **اثرات تحصیلی بلندمدتی را میتونه رقم بزنه**، اثرات غیر تحصیلی میتونه داشته باشه ، اثر غیر تحصیلی مثل انضباط شخصی بیشتر، تعهد بیشتر ، کنجکاوی بیشتر، علاقه مندی بیشتر اولیا به مدرسه، و از همه مهمتر هم سویی خانواده ها با اهداف مدرسه وقتی دانش آموز به تنهایی از عهده این تکلیف برنیاد مستلزم این باشه که بزرگسال به این کمک بکنه، این جمله در راستای نظریه **منطقه تقریبی رشد** هست، پس فضای خانواده و فضای مدرسه درگیر در فعالیتهای یادگیری و تکالیف دانش آموزان می شود، تکلیف منزل یک فرآیند سه متغیره است، معلم ، دانش آموز و والدین . اگر هر کدام از این اضلاع آن نتوانند وظایف خودشان را به درستی انجام بدهند یا حتی کم کاری بکنن در این زمینه، اهدافی که برای تکالیف منزل متصور بودیم محقق نخواهد شد، هر سه ضلع مهم است ، وقتی می گوییم دانش آموز برای انجام این تکلیف حتما باید خودش فعالانه مشارکت کند، والدین ومعلم وارد بشود، پس این سه ضلع هر کدام وظایف خودشان در این تکالیف باید به درستی انجام بدهند.

برابری فرصت های آموزشی، انواع تکلیف منزل

۱. تکلیف تمرینی :

ایجاد فرصت برای انجام دادن مهارت های کسب شده و بکار گیری آموخته های جدید

۲. تکالیف آمادگی :

هدف این نوع تکالیف وادار کردن دانش آموز به کسب زمینه اطلاعاتی به منظور آماده شدن برای بحث درس روز بعد

۳. تکلیف گسترشی با هدف ایجاد تفکر خلاق:

معلمان سعی دارند دانش آموز را به ماورای کار ترغیب کنند. یکی از خصوصیات این تکلیف تمرکز بر تولید چیزهای جدید و بکر است نه انجام تمرینات بی شمار

سه نوع تکلیف داریم:

۱. **یک تکالیف تمرینی** : یعنی یک یادگیری و یک آموزش اتفاق افتاده و ما می خواهیم دانش آموز این را به کار بگیرد و یادگیری را بیشتر تثبیت کنیم، پس هر موقع ما یک یادگیری و یک مهارت کسب شد و ما تکالیف تمرینی را ارائه کردیم در راستای این است که این تکالیف بهتر و بیشتر آموخته باشند تکالیف تمرینی داریم، تکالیف تمرینی ایجاد فرصت برای انجام دادن مهارت های کسب شده و بکار گیری آموخته های جدید یعنی که شما مثلا مساحت مثلث را به دانش آموز مثلث به گفتیم، تکلیفشون این است که بروند خونه هر چیز سه گوشه که در خونه ببینند اسمش رو بنویسند، یعنی دانش آموز معنی و مفهوم سه گوش رو یاد گرفته و حالا به دنبال مصادیقش در محیط منزل میرود، این به معنی تثبیت آموخته های قبلی

۲. **دوم تکالیف امایه ای یا آمادگی**، یعنی درس اصلی و آموخته اصلی هنوز اتفاق نیفتاده اما معلم تکالیف برای دانش آموزان معین کرده تا ان را انجام داده برای درس بعد آماده بشه، مثلا در مورد بحث سوزنی برگان و پهن برگان، دانش آموزان در درختان اطراف که در این محیط وجود دارد شهر یا روستا فرقی نمیکنه و از برگ های متعدد از هرکدام یک نمونه را بیاورید، قبل از اینکه درس جدید آماده بشه و ارائه بشه دانش آموزان انجام دادن، هدف این نوع تکالیف و وادار کردن دانش آموز به کسب زمینه اطلاعاتی به منظور آماده شدن برای بحث درس روز بعد، یک ساخت شناختی در بچه ها شکل می گیرد، یک پیش سازمان دهنده که خود دانش آموز ایجاد کرده شکل میگیره، وقتی وارد کلاس میشه یادگیری خیلی بهتر اتفاق میفته، ویژگی این کار این است که دانش آموز می داند چگونه باید تفکر کند. من دانش آموز از تفکرات در مورد این انواع و اقسام برگ ها داشتم، حالا وارد کلاس می شم از منظر خودم به سری اتفاقات افتاده، آیا این منظر من درست و علمی بوده، خودم را قیاس می کنم به آنچه معلم میگوید، اگر همان بوده احساس عزت نفس در من رخ میدهد، اگر نه خودم را اصلاح می کنم، این اثا تربیتی تکالیف آمادگی است.

۳. سومین نوع تکالیف، **تکالیف گسترشی یا توسعه** با هدف ایجاد تفکر خلاق هست، ما متاسفانه به ندرت از تکالیف نوع ۲ و ۳ استفاده می کنیم و از تکالیف نوع ۳ خیلی کمتر استفاده می کنیم، معلمان سعی دارند دانش آموزان را به ماورای کار ترغیب کنند، یکی از خصوصیات این تکالیف تمرکز بر تولید چیزهای جدید و بکر است. مثلا با این چیزهایی که یاد گرفته اید یک چیزی بسازید، چه چیزی با استفاده از این درس هایی که امروز یاد گرفتید میشود ساخت. یکی از راه های گسترش و توسعه خلاقیت دانش آموزان تمرکز بر تکالیف توسعه ای هست. تا میتوانید از اینها باید در فرایند تدریس شما استفاده بشود. همه این تکالیف باید در دستور کار معلمان قرار بگیرد، آنچه که مشاهده شده تکالیف تمرینی بیش

از تکالیف آمادگی و گسترش یا توسعه استفاده میشود. یکی از اهدافی که در سند تحول بنیادین و اسناد بالادستی به آن اشاره کرده، دانش آموزان خلاق و نوآور است. هر آنچه که تدریس می شود می تواند بستری برای ایجاد خلاقیت بشود. هرآنچه که در فضای کلاس، مباحث درسی وجود دارد اگر بتوانیم خارج از کاربرد های عادی آن، از آن استفاده بکنیم خلاقیت است. مثلاً در درس ساختمان، بچه ها ساختمان از چی تشکیل شده؟ آجر، معلم می تواند بگوید کاربردهای آجر چیست؟

جلسه ۱۴

آزادی عمل معلم در برنامه ریزی کلاس های چند پایه و شیوه اداره کلاس

۱. کلاس های چند پایه به خاطر ویژگی هایی که دارند آزادی عمل بیشتری به معلم داده می شود؛ با تصویب مصوبه ۸۹۵ شورای آموزش اگر کلاس های چند پایه با بیش از ۳ پایه و ۱۵ دانش آموز تشکیل شود به ازای هر پایه زمان آموزش تا ۶ ساعت در هفته افزایش پیدا می کند پس این یک فرصت برای معلمان چند پایه است که بحث کمبود وقت اینگونه جبران شود و بابت این هم به معلمان چند پایه اضافه تدریس یا حق التدریس ارائه می گردد؛ ای یکی از آزادی های عمل معلم در کلاس های چند پایه است که به صورت قانونی هم تصویب شده است.

۲. اکثر معلمان چند پایه مدیر آموزگار هستند بنابراین اختیارات بیشتری دارند،

۳. آزادی عمل خودش یک وحدت فرماندهی برای معلم چند پایه به ارمغان می آورد، وحدت فرماندهی یعنی تمامی فرمان ها و دستورات مدرسه از جانب معلم است که خود مدیر نیز هست.

بحث معلمان چند پایه از دو جنبه و منبع مالی و انسانی هم قابل توجه است:

۱. یکی اینکه ادارات آ و پ بر اساس شیوه نامه های سازماندهی منابع انسانی نسبت به تخصیص نیرو های انسانی اقدام می کنند و در این زمینه هم معلمان چند پایه مستلزم توجه بیشتری هستند و در انتخاب پایه به معلمان آزادی بیشتری می دهند. مگر اینکه آمار و تعداد دانش آموزان هر پایه خیلی کم باشد که آن موقع همه پایه ها را به یک نفر می دهند.

۲. دوم از منظر منابع مالی هم متاسفانه سرانه مدرسه و سرانه دانش آموزان بر اساس تعداد دانش آموزها تخصیص پیدا می کند قانون گذار هم برای جبران این موضوع در کلاس های چند پایه روشی در نظر گرفته است ولی ادارات آ و پ با استفاده از ظرفیت قانونی شورای آموزش و پرورش منطقه و شهرستان می توانند عنایت بیشتری به این مدارس چند پایه داشته باشند.

یکی از شیوه هایی که در کلاس های چند پایه برای مدیریت کلاس استفاده می شود گروه بندی دانش آموزان است. در این زمینه می توانیم گروه بندی های مختلفی داشته باشیم:

- **گروه های دارای توانایی مختلط:** دانش آموزان قوی تر و ضعیف تر در یک گروه قرار می گیرند.
- **گروه های با توانایی های مشابه:** دانش آموزانی که کم و بیش پیشرفت یکسانی دارند.
- **گروه های اجتماعی:** دانش آموزانی با زمینه های مشابه اجتماعی و قومیتی.
- **گروه جنسیتی:** دختران در یک گروه و پسران در گروه دیگر
- **گروه های علاقه مند:** دانش آموزانی که به یک موضوع علاقه دارند.
- **گروه همسالان.**
- **گروه بندی تصادفی:** اسم دانش آموزان در ظرفی ریخته می شود و اسم هرکدام که باهم درمیاد در یک گروه قرار میگیرند.
- **گروه بندی زوجی:** دوتا دوتا باهم.
- در این گروه بندی های باید **هدف** و **منطقی** دنبالشان باشد.

شیوه های اداره کلاس های چند پایه: تسلط بر این شیوه ها خیلی مهم است و میتواند ظرفیتی برای شما ایجاد کند که راحت تر بتوانید کلاس های چند پایه را اداره کنید.

۱. **شیوه کلاس محوری:** این شیوه به این دلیل که محوری است که معلم محور تدریسش راغ در یک جلسه ۴۵ دقیقه ای برای حداکثر ۳ پایه قرار می دهد و پایه های دیگر به فعالیت فرعی می پردازند. آن پایه ای که معلم به عنوان محور کار خود قرار می دهد را **پایه محوری** می گویند. بقیه پایه ها غیر محور هستند و آنها بیشتر خودشان به فعالیت می پردازند و معلم

نظارت غیر مستقیم بر آن ها دارد که به آن ها **گروه فرعی** یا **گروه خودآموز** می گویند. در بین شیوه های اداره کلاس های چند پایه شیوه محوری بیش از همه روش ها استفاده می شود چون راحت تر و بی دردسر تر است. اما در این روش تعاملات بین دانش آموز در پایه ها خیلی زیاد نیست.

روش محوری چندین زیرپایه دارد که به آن می پردازیم:

۱. **روش تدریس ماده درسی واحد به صورت همزمان به تمام پایه ها:** در این روش معلم ابتدا مقدماتی فذاهم می کند و یک درس که ارتباط طولی با درس پایه های دیگر دارد را انتخاب می کند و همزمان مفاهیم را به صورت عمودی استخراج و همزمان در یک جلسه به دانش آموزان پایه های مختلف بدون جداسازی ارائه می کند. اگر معلم در این روش ارتباط طولی مفاهیم را بیشتر درک کند خیلی راحت تر می تواند تدریس کند. در این روش بهتر است نخست از ائیل سال تحصیلی جدولی از مفاهیم کلیه دروس تهیه کنیم که ارتباط عمودی بین پنج پایه دیده شود دوم اینکه این مفاهیم اهداف مشترک داشته باشند و سوم برنامه ای برای هر یک از گروه های دانش آموزان تدوین شود.

۲. **روش تدریس مواد درسی مختلف با اهداف مشترک به چند پایه در یک زمان:** معلم میتواند دروس مختلف را که هدف های مشترک دارند در یک جلسه تدریس کند مراحل اجرای آن به این صورت است که: اول: انتخاب مفاهیم مختلف درسی در پایه ها که اهداف مشترکی دارند. دوم: استخراج و نوشتن اهداف مشترک سوم: تدوین برنامه فعالیت های هر یک از گروه های کلاسی؛ این روش مستلزم این است که معلم بر اهداف همه دروس تسلط داشته باشد.

۲. **شیوه آموزش گروهی:** ماده درسی واحد در یک جلسه درسی کلیه پایه های موجود در یک کلاس تدریس می شوند که به روش گروهی با یک موضوع واحد یا درس همسان نام گذاری می شود..

روش های پیاده سازی این شیوه:

a. الف) **تدریس یک ماده درسی به تمام پایه ها به طور همزمان:** آموزگار تدریس یک درس خاص را با تلفیق مشترکات درس به تناسب اطلاعات قبلی دانش آموزان شروع می کند و پس از ارائه مشترکات مسائل اختصاصی و جداگانه درگروه ها مطرح می شود. این روش حداکثر در ۳ پایه قابل استفاده است.

b. تدریس ماده واحد کلیه پایه ها در یک جلسه به ترتیب نوبت: مثلاً ساعت اول برای تمام پایه ها درس بخوانیم را در برنامه هفتگی در نظر گرفته و ابتدا به یکی از پایه ها به صورت محور چند دقیقه درس ارائه و پس از تعیین تکلیف لازم برای آن پایه تدریس درس برای پایه دیگر شروع می شود. این روش هم حداکثر برای ۳ پایه مناسب است هر پایه ۱۵ دقیقه.

c. **شیوه آموزش محوری و گروهی:** بعضی مواقع پیدا کردن ارتباط افقی و عمودی بین دروس سخت است به همین خاطر به تناسب آن درس می توانیم از تلفیق آموزش محوری و گروهی استفاده کنیم و بحثی را به صورت محوری و بحث دیگر را به صورت گروهی اجرا کنیم.

رهنمودهایی جهت مدیریت موثر در کلاس های چند پایه

a. معلم در این کلاس ها از روش ها و فنون و راهبردهای متعددی برای تدریس استفاده می کند تسلط معلم بر روش های تدریس خیلی مهم است اگر معلم بر مجموعه ای از روش های تدریس مسلط باشد متوجه می شود که برای هر موقعیت میتواند از یک یا چند روش استفاده کند.

b. در کلاس های چند پایه دانش آموزانی با سنین مختلف و توانایی متفاوت حضور دارند معلم نباید و نمی تواند با تکیه بر یک روش به ارائه محتوا پردازد.

c. معلم باید طرح درس روزانه را به دقت آماده و دانش آموزان پایه های مختلف را به انجام انواعی از فعالیت های یادگیری سودمند وادار کند.

d. به کار گیری راهبردهای تدریس باید همراه با انعطاف پذیری باشد بعضی مواقع نیاز است برای اثر گذاری بیشتر راهبرد های تدریس با توجه به نوع محتوا و نیازمندی دانش آموزان بازنگری شود، طرح درس غیر قابل انعطاف در کلاس های چند پایه جایگاهی ندارد.

e. گروه بندی براساس توانمندی به عنوان یک راه کار برای تدریس ۲ سویه و انجام تدریس جبرانی در نظر گرفته شود. گروه بندی بر اساس پایه ای غیر یکسان در کلاس های چند پایه فرصت مناسبی برای فعالیت های مشارکتی و پویا فراهم می کند.

f. گاهی فعالیت یکسان برای همه دانش آموزان کلاس ارائه می شود فعالیت های زیادی را می توان طراحی کرد که دانش آموزان پایه اول تا ششم در انجام آن مشارکت کنند. فعالیت یکسان باعث مشارکت پایه ای می شود.

g. معلم شرایطی فراهم کند که دانش آموزان از هم یادگیرند یادگیرندگان بزرگسال الگوی یادگیری بسیار خوبی برای یادگیرندگان تازه کار هستند. بحث معلم یار شاگرد معلم را از همین کلاس های چند پایه باید رقم بزنیم.

h. مشارکت معلم در گروه های یادگیری به عنوان یک عضو فعال گروه ، روابط باز و منطقی که قبلا در مورد آن گفتیم از این طریق اتفاق می افتد. وقتی معلم عضو گروه دانش آموزان می شود حس اعتماد در دانش آموزان تقویت می شود و جو حمایت گرایانه ایجاد می گردد.

جلسه ۱۵

مدیریت کلاس درس . کلیپ شماره ۱۵

مدیریت کلاس درس در کلاس های چند پایه

یکی از چالش های اساسی معلمان چند پایه چالش مدیریت وقت و بحث کمبود وقت می باشد. بعلاوه تنوع کلاس ها و پایه ها بحث میریت زمان در کلاسهای چند پایه از اهمیت زیادی برخوردار است و معلم می بایست با تکنیک های مدیریت زمان آشنا باشد و آنها را بدرستی بکار بگیرد.

معلمان کلاس های چند پایه مستلزم تسلط بر مهارت های بیشتری می باشند که با کاربست این مهارت ها در کلاس درس می توانند پیامدهای بهتری را در کلاس درس مشاهده بکنند.

راه حل های کاهش چالش های مدیریت کلاس های چند پایه :

۱. کاهش دادن پایه ها و تقسیم بندی کلاس ها در دو نوبت صبح و عصر

۲. استفاده از وجود شاگرد معلم یا همان دانش آموزان پایه های بالاتر

۳. تنظیم زمان بین کلاسهای مدارس ابتدایی انعطاف در کلاس

۴. استفاده از فناوری اطلاعات

۵. آموزش مدیریت زمان به دانش آموزان

کلاسهای وارونه: یکی از ابزارهای بسیار مهم در کلاسهای چند پایه می باشد. که در کل دنیا در حال انجام شدن هست. در کلاس های وارونه معلم از طریق فناوری اطلاعات درس را در منزل به دانش آموزان ارائه می کنند و تکالیفی را به دانش آموزان میدهند و آنها تکالیف را به کلاس درس آورده و به بررسی تکالیف و حل مشکلات یادگیری دانش آموزان پرداخته میشه.

توصیه هایی به معلمان برای مدیریت زمان :

- دانش آموزان را گروه بندی کنید و وظایف افراد را مشخص کنید.
- استفاده از تکنیک های مختلف ارزشیابی توصیفی (خود سنجی، همسال سنجی، ارزشیابی گروهی)
- کمک گرفتن از دانش آموزان، والدین و سایر افراد محلی بعنوان معلم یار.
- استفاده از طرح درس سالانه و روزانه حتی اگر بصورت کلی باشد.
- استفاده از بازخورد در کلاس درس. (بازخوردهای مبتنی بر شواهد-بازخورد های مبتنی بر عملکرد دانش آموز)
- دعوت از اولیا به کلاس درس و استفاده از تجربیات شما برای کمک به اداره کلاس درس .
- استفاده از روش های متنوع فعال تدریس

قوانین و مقررات در کلاس های چند پایه

درکشور ما به دلیل متمرکز بودن سیاستگزاری ها در آموزش و پرورش که از بالا به پایین می باشد بخش بزرگی از قوانین کلاس های چند پایه بدلیل متمرکز بودن سیستم آموزشی همان قوانین آموزش ابتدایی است.

قوانین خاص کلاس های چند پایه:

***راهکار ۳- ۵سند تحول بنیادین، توانمند سازی دانش آموزان ساکن در مناطق محروم، روستا ها، حاشیه شهرها، عشایر کوچ نشین و همچنین مناطق دوزبانه با نیازهای ویژه با تاکید بر ایجاد فرصت های آموزشی متنوع و با کیفیت.

راهکارهایی برای تشکیل و مدیریت کلاس های چند پایه

- ماده ۱- کلاس های چند پایه با حداکثر ۳پایه در دوره تحصیلی ابتدایی و با حداکث ۱۵ نفر دانش آموزان تشکیل می شود.

- **ماده ۲-** در صورتیکه کلاس های چند پایه با بیش از ۳ پایه و بیشتر از ۱۵ نفر تشکیل شود زمان دانش آموزان به ازای هر پایه ۶ ساعت در هفته افزایش و به معلم حق التدریس پرداخت می شود.
- **ماده ۳-** با توجه به پراکندگی کلاسها به ازای حداقل ۱۰ و حداکثر ۴۰ کلاس چند پایه یک معلم راهنمای آموزشی اختصاص داده می شود.
- **ماده ۴-** معلمان کلاسهای چند پایه و راهنمایان آموزشی و تربیتی از حمایت مادی و معنوی برخوردار خواهند شد.

سازماندهی گروههای یادگیری

- کلاسهای چند پایه مهمترین محیط آموزشی برای تشکیل کار گروهی و آموزش کار گروهی می باشد.
- دانش آموزان ضمن اینکه در گروه از هم می آموزند از کار گروهی لذت برده و نسبت به کار فردی تمایل بیشتری پیدا می کند.
- بهترین شکل تشکیل گروه گروههای املایی با توانایی های گوناگون است.
- استفاده از ظرفیت و روش تدریس همیاری برای کلاس های چند پایه.
- معلم در روش کار گروهی یادگیرندگان را برای کار در گروههای کوچکتر بر اساس سن، تواناییها و علایقشان سازماندهی می کند.

سوالات اساسی در سازماندهی گروههای یادگیری بشرح زیر است:

۱. چگونه باید گروهها را تشکیل داد؟
 ۲. چه زمانی باید از این راهبرد استفاده کرد؟
 ۳. چه روشهای مختلفی برای استفاده از این راهبرد وجود دارد؟
- روش همیاری:** از مجموعه ای از روشهای تدریس تشکیل شده است که در آن شاگردان در گروه های کوچک (۲ تا ۵ نفره) به بحث و گفت و گو حل مسایل درسی می پردازند و با همکاری همدیگر مطالب را فرا میگیرند.

عناصر مورد تایید در یادگیری از طریق همیاری:

۱. همبستگی مثبت
۲. تعامل معلم با دانش آموزان
۳. تعامل دانش آموز با دانش آموز

۴. مسؤلیت فردی

محاسن گروه های یادگیری:

۱. دانش آموزان می توانند مهارت های خود را به یکدیگر منتقل کنند.
۲. دانش آموزان می توانند منابع را بطور چرخشی به هر یک از اعضای گروه واگذار کرد.
۳. دانش آموزان می توانند اعتماد بنفس و مهارت های یادگیری را توسعه دهند.
۴. کار گروهی مشارکت فعال را افزایش می دهد.
۵. در کار گروهی تفاوت های فردی پذیرفته می شود.
۶. معلم می تواند به دانش آموزانی توجه کند.

معایب گروه های یادگیری:

۱. تمسخر دانش آموزان بوسیله برخی دیگر بدلیل ناتوانی در یک گروه.
۲. بعضی دانش آموزان تمایل دارند بر گروه مسلط شوند.
۳. دانش آموزان خجالتی ممکن است نادیده گرفته شوند یا محروم شوند.

پیامد های گروه های یادگیری:

۱. ایجاد شور و نشاط در کلاس
۲. رشد و پرورش شخصیت دانش آموزان
۳. رشد و پرورش قوه گفتاری و تبادل نظر بین بچه ها
۴. پرورش خلاقیت بویژه در درسهای علوم و بنویسیم
۵. پیشرفت دانش آموزان ضعیف
۶. ۶- پرورش مسؤلیت پذیری و روحیه ی همکاری

جلسه ۱۶

اصول و روش های تغییر رفتار

اصول و روش های که در این جلسه مطرح می شود، خیلی مهم است چرا که به شما کمک می کند تا رفتار های دانش آموزان را کنترل کنید و رفتارهای مطلوب آنان را افزایش و رفتارهای نامطلوب را کاهش دهید.

رفتار چیست؟

در علم روان شناسی **رفتار** عبارت اند از هر فعالیتی که ارگانیسم یا جاندار انجام می دهد و به وسیله ی ارگانیسم دیگر قابل مشاهده یا اندازه گیری است.

- **نکته:** رفتار نمود بیرونی داشته باشد و فرد دیگر بتواند آن را ملاحظه، مشاهده و اندازه گیری کند؛ مثل پر خاشگری
- **نکته** مهم در رفتار ایجاد ارتباط است.

ایجاد ارتباط

ارتباط یک فرایند است و یکی از **عوامل موفقیت در تغییر رفتار** یک فرد ایجاد رابطه مناسب با فرد است تا بتواند به شما **اعتماد** کند و با شما همکاری کند.

ایجاد ارتباط موثر با دانش آموز و **مدیریت کلاس** باید **دو بال یک معلم** باشد.

انواع رفتارها

- **رفتار مناسب:** این نوع رفتارها منطبق با اهداف و انتظارات و عرف مدرسه است. اینگونه رفتارها باید تقویت شوند. یکی از اهداف آموزش و پرورش افزایش همین رفتار مناسب است.
 - **رفتار مناسب اما نیازمند اصلاح:** کلیت این نوع رفتارها منطبق با اهداف، انتظارات و عرف مدرسه است، اما بخش هایی از رفتار انطباق ندارد، اینگونه رفتارها باید اصلاح شوند.
 - **رفتار نامناسب:** این نوع رفتارها منطبق با اهداف و انتظارات و عرف مدرسه نیست و در صورت ادامه هنجارهای نادرستی ایجاد می کنند؛ این گونه رفتارها باید حذف شوند.
- معلمی شغل تخصصی است و معلم همانند یک درمانگر ورود می کند و فعالیت بالینی انجام می دهد.

مراحل تغییر رفتار

A. اولین مرحله:

1. **تعیین رفتار آماج (Target behavior)**، (ارزیابی دقیق رفتار هدف): رفتاری است که مورد مشاهده و اندازه گیری قرار می گیرد و باید تغییر کند و اصلاح شود. در واقع همان رفتار مناسب، نامناسب یا ناسازگارانه ای است که اغلب به صورت کلی و مبهم

مثل فزونکاری، تنبلی، پرخاشگری و افسردگی، کمک به هم نوع قابل رویت است می گویند.

برای تعیین رفتار آماج لازم است مشخص کنیم **او چه عملی انجام می دهد که باید تغییر کند و اصلاح شود** (تعریف دقیق از اینکه دانش آموز چه رفتاری از خود بروز می دهد؟)

مثال: رفتار پرخاشگری را می توان به صورت توهین کلامی به دوستان، با پا کوبیدن به کمر، پرتاب کردن توپ به صورت دوستانش و یا لگد زدن آنها توصیف کرد.

B. بیان هدف برنامه: منظور از هدف برنامه، سطحی از رفتار هدف که تغییر دهنده ی رفتار می خواهد به آن دست یابد. گاهی هدف ما بالا بردن سطح یک رفتار است (هنگامی که با کمبود یک رفتار مواجه هستیم) و گاهی کاهش دادن یک رفتار است (در زمانی که با فزونی یک رفتار مواجه هستیم).

C. آماده کردن هدف رفتاری: اولین گام در تهیه ی هدف رفتاری تعیین و توصیف ویژگی های رفتاری است که قرار است بعد از تغییر و اصلاح رفتار به وجود آیند، این ویژگی های رفتاری شامل:

۱. **شکل ظاهری رفتار:** یعنی رفتار در چه شکل و صورتی رخ می دهد.

۲. **شدت یا نیروی آن رفتار** به چه میزان است.

۳. **نرخ یا فراوانی رفتار:** تعداد دفعات وقوع رفتار

۴. **طول مدت انجام رفتار**

D. انتخاب وابستگی های رفتار: وابستگی به رابطه بین رفتار و پیامدهای محیطی آن اشاره می کند؛ وابستگی ها هم به طور طبیعی اتفاق می افتند و هم می توان آنها را به طور عمدی ترتیب داد؛ وقتی دانش آموز به سوال معلم جواب درست می دهد، معلم او را تشویق می کند؛ تشویق وابستگی عمدی ترتیب داده از سوی معلم است. وابستگی به رابطه ی بین سه عنصر گفته می شود:

A. شرایطی که رفتار در آن رخ می دهد یا پیش آیند رفتار

B. رفتار

C. نتایج یا پس آیند رفتار

در اجرای برنامه تغییر رفتار، باید وابستگی ها را به دقت تنظیم کرد و آنها را به اطلاع دانش آموزان رساند.

نکاتی را که باید در بیان وابستگی ها به دقت مشخص کرد عبارتند از:

- تعیین رفتار نهایی،
- شرایط و ملاک های انجام این رفتار
- و پیامدهای که به دنبال آن خواهد آمد.

برای مثال وابستگی نمره دادن به حل مسائل ریاضی از سوی دانش آموزان را می توان به این شرح بیان کرد: اگر دانش آموزی مسائل درس ریاضی خود را در کلاس به موقع حل کند و حداقل ۹۰ درصد آن ها را درست حل کند، به او نمره ی بیست داده خواهد شد؛ اگر ۸۰-۹۰ درصد آنها را درست حل کند، نمره ی ۱۷ دریافت خواهد کرد و اگر ۷۰-۸۰ درصد مسائل را درست حل کند، نمره ی او ۱۵ خواهد بود. در واقع معلم انتظاراتش را از دانش آموزان روشن و مشخص می نماید.

E. اجرای روش تغییر رفتار: در این مرحله تغییر دهنده ی رفتار ابتدا باید وضعیت رفتار آماج را به طور طبیعی مشخص کند و **خط پایه ی رفتار** را نیز ثبت کند. یعنی باید برای مدتی رفتار مشکل آفرین را به دقت تحت نظر بگیرد، تا ویژگی های وجود آن را بخوبی معلوم شوند، تا اینکه در مرحله اجرای روش بتواند با مقایسه ی تغییرات ایجاد شده در رفتار با شرایط خط پایه، جریان پیشرفت کار خود را مورد ارزیابی قرار دهد. در مرحله اجرای روش معلم آماده است تا به تغییر و اصلاح رفتار مورد نظر خود در دانش آموزان اقدام کند؛ برای این منظور، باید از میان روش ها متنوع، روش یا روش هایی را که با هدف برنامه ی او مناسب هستند را انتخاب کند.

• مشاهده ی رفتار فرد در موقعیت طبیعی بسیار مهم است، برای تعیین خط پایه رفتار فرد.

تکنیک های افزایش رفتار مطلوب که در کتاب روان شناسی تربیتی دکتر علی اکبر سیف به طور کامل شرح داده شده است.

• تکنیک های افزایش رفتار مطلوب:

۱. توجه کردن
۲. پاداش دادن که البته استفاده ی زیاد از آن توصیه نمی شود به علت بیرون شدن انگیزه فرد.
۳. تحسین کردن

۴. تقویت مثبت (ارائه محرک خوشایند برای افزایش رفتار)

۵. تقویت منفی (حذف محرک ناخوشایند به منظور افزایش رفتار)

• تکنیک های کاهش رفتار نامطلوب

روش های مثبت کاهش رفتار نامطلوب: توصیه می شود از این روش ها بیشتر از روش های منفی کاهش رفتار نامطلوب استفاده شود.

- تقویت رفتارهای مطلوبی که به دفعات کم انجام می گیرد. دانش آموزی که هر دفعه تکلیف خود را انجام نمی دهد و یک بار تکالیفش را انجام می دهد و تشویق می شود.
- تقویت رفتارهای مطلوب دیگر (تقویت همه ی رفتارهای مطلوب به جز رفتاری که نامطلوب است).
- تقویت رفتارها مغایر با رفتار نامطلوب (گوشگیری).
- سیری یا اشباع: اجازه می دهیم دانش آموز اینقدر رفتار اشتباه را تکرار کند تا به اشباع برسد و از آن رفتار زده شود.

روش های منفی کاهش رفتار نامطلوب

- خاموشی: تکرار بدون تقویت یک رفتار
- محروم کردن
- جبران کردن
- تنبیه: که صرفاً تنبیه بدنی نیست و آخرین روش که ممنوع می باشد.